

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - ترویجی

پژوهش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

دوره چهاردهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۵)، پاییز ۱۴۰۴

براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.
فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	حجت الاسلام والمسلمین ربانی، محمدتقی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر الهی نژاد، حسین دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقای، سیدمسعود استاد حوزه علمیه قم	دکتر موسوی گیلانی، سیدرضی دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد استاد سطوح عالی حوزه علمیه	حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی استاد حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	

مدیر مسئول:	حروف نگار:
سیدمسعود پورسیدآقای	ناصر احمدپور
سر دبیر:	صفحه آرا:
نصرت الله آیتی	علی جواد دهقان
مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:	طراح جلد:
اسلام پورخادمی	ابوالفضل بیگدلی نسب
مترجم چکیده های انگلیسی:	چاپخانه:
گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن	بوستان کتاب

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۸۲۴۰
صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷
مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲
شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۳۵۰۰۰۰ تومان
پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com - pajoheshhayemahdavi@gmail.com

سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir
این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود



مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقه معارف
عالیه دینی است؛ مثل مسئله نبوت مثلاً، اهمیت مسئله مهدویت را در
این حد باید دانست.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

۷.....	پیشران‌های انقلاب اسلامی در افق ۲۰۵۰..... محمدامین آقایی، غلامرضا گودرزی
۲۷.....	نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهانی عصر ظهور..... راضیه علی اکبری، محدثه زارعین
۴۹.....	اسلام‌هراسی و نسبت آن با تحولات جهانی با رویکرد انتظار..... علی اصغر شعبان دخت زارمی
۷۵.....	چالش‌ها و موانع تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز و ارائه راهکار..... مرتضی پور جعفری، سید ارسلان حبیبی، حمیدرضا رضایی
۹۵.....	جهاد رسانه‌ای در عرصه‌ی آموزه‌های مهدوی با توجه به سرعت تحولات رسانه..... احمد افتخاری اکمل
۱۱۹.....	چگونگی تربیت و ایمن‌سازی فرزندان در مواجهه با تهدیدها و آسیب‌های دوران قبل از ظهور با تاکید بر دوران کنونی..... پویان لاری زاده
۱۴۳.....	گفتمان مقاومت: پیشران تحقق آینده جهان اسلام..... علیرضا افضلی

فصل نامه «پژوهش های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی کردهای تخصصی استقبال می کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به طور هم زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربر گیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربر دارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله (APA)

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (سال انتشار درون پرانتز). نام کتاب (بصورت ایتالیک). (نام و نام خانودگی مترجم یا مصحح یا محقق، واژه مترجم یا مصحح یا محقق). شهر محل انتشار: انتشارات. نمونه:
ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). *من لا یحضره الفقیه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده. (سال انتشار درون پرانتز). «نام مقاله». نام نشریه (بصورت ایتالیک). دوره (شماره) صفحات مقاله در مجله. نمونه:
بیگدلی، احمد. (۱۴۰۳). تأثیر آموزه‌ی امامت در تمدن سازی نوین اسلامی. *پژوهش های مهدوی*، ۱۳ (۳)، ۱۰۲-۱۲۲.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان گر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.



The Pioneers of the Islamic Revolution in the "2050 Horizon"

Mohammad Amin Aghayan¹

Gholamreza Goodarzi²

Abstract

The Islamic Revolution, as the driving force behind the realization of the New Islamic Civilization, plays a fundamental role in directing the Islamic society toward a future founded upon justice, spirituality, and progress. Within this context, envisioning the horizon of the future constitutes one of the essential prerequisites of civilization-building, which finds its meaning within the framework of Mahdism thought. The New Islamic Civilization will reach its perfection only when it is grounded in purposeful and well-planned foresight; in this process, the Islamic Revolution transforms society's role from passivity into active and coherent agency.

In the present study, adopting an exploratory approach and expert-based methodology, the key drivers of the Islamic Revolution toward the 2050 horizon have been identified and analyzed through targeted interviews with subject-matter experts. The findings indicate that, considering the definite future trends, investment in and mastery of scientific and technological instruments are of vital importance for breaking the monopoly of rivals and adversaries of the New Islamic Civilization, as well as for optimizing other driving forces. Furthermore, political, economic, and cultural drivers play a pivotal role in strengthening the soft power of the Islamic Revolution, enhancing public satisfaction and engagement, and preserving and expanding the cultural foundations of the New Islamic Civilization by 2050. Accordingly, in its pursuit of Mahdavi objectives, the Islamic Revolution must manage emerging transformations and redefine its strategies based on scientific development, governance improvement, and the reinforcement of economic and cultural foundations to pave the way for the emergence of the New Islamic Civilization.

Keywords: Mahdism, New Islamic Civilization, Futures Studies, Islamic Revolution, Drivers

1. Master's degree in Management from Imam Sadeq University (corresponding author) (aqayanim@gmail.com)

2. Full Professor and Faculty Member of Imam Sadiq University (rgodarzi@yahoo.com)

پیشران های انقلاب اسلامی در افق ۲۰۵۰

محمد امین آقایی^۱

غلامرضا گودرزی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی به عنوان موتور محرک تحقق تمدن نوین اسلامی، نقشی اساسی در جهت دهی جامعه اسلامی به سوی آینده ای مبتنی بر عدالت، معنویت و پیشرفت ایفا می کند. در این میان، تصویرسازی افق آینده، یکی از ضروریات تمدن سازی است که در چارچوب اندیشه مهدویت معنا پیدا می کند. تمدن نوین اسلامی، زمانی به کمال خود خواهد رسید که مبتنی بر آینده نگری هدفمند و برنامه ریزی شده باشد و در این مسیر، انقلاب اسلامی نقش جامعه را از انفعال به کنشگری فعال و منسجم تبدیل می کند. در پژوهش حاضر، با رویکرد اکتشافی و روش خبرگی، از طریق مصاحبه های هدفمند با خبرگان، پیشران های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰» مورد بررسی، تحلیل و احصاء قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که با توجه به روندهای قطعی آینده، سرمایه گذاری و تسلط بر ابزارهای علم و فناوری، برای خروج از انحصار رقبا و دشمنان تمدن نوین اسلامی، و همچنین بهینه سازی سایر پیشران ها، از اهمیت حیاتی برخوردار است. علاوه بر این، پیشران های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش کلیدی در تقویت قدرت نرم انقلاب اسلامی، افزایش رضایت و اقبال عمومی مردم، و حفظ و بسط پایه های فرهنگی تمدن نوین اسلامی در افق «۲۰۵۰» خواهند داشت. بر این اساس، انقلاب اسلامی، در مسیر تحقق اهداف مهدوی، باید ضمن مدیریت تحولات نوظهور، راهبردهای خود را براساس توسعه علمی، ارتقای حکمرانی، و تقویت بنیان های اقتصادی و فرهنگی بازتعریف کند تا بتواند زمینه ساز ظهور تمدن نوین اسلامی باشد.

واژگان کلیدی:

تمدن نوین اسلامی، آینده پژوهی، انقلاب اسلامی، پیشران.

۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) (aqayanim@gmail.com).

۲. استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) (rgodarzi@yahoo.com).

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

مقدمه

تمدن سازی یکی از ارکان اساسی تحقق وعده های الهی در تاریخ بشر بوده است. از نگاه دینی، بشریت در مسیر تکامل خود، در راستای تحقق عدالت، معنویت و سعادت حقیقی، نیازمند یک نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش های الهی است. تمدن به عنوان جلوه ای از تعاملات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی بشر، نه تنها بستر زیست جمعی انسان ها را شکل می دهد، بلکه زمینه ساز تحقق اهداف متعالی آفرینش نیز خواهد بود (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۰).

در اندیشه اسلامی، تمدن سازی نه صرفاً به عنوان یک فرایند مادی و تکنولوژیک، بلکه به عنوان بستری برای پرورش انسان های الهی و تحقق جامعه ای عادلانه و توحیدی تعریف می شود. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم، آینده ای را نوید داده که در آن حق بر باطل پیروز شده و عدالت در سراسر زمین برقرار می شود. این آینده، نه براساس رخدادهای طبیعی و تصادفی، بلکه براساس سنت های الهی و تلاش آگاهانه انسان ها محقق خواهد شد. از این رو، تمدن اسلامی، نه تنها ابزار توسعه مادی، بلکه بستر تحقق وعده های الهی و تجلی عدالت و حقیقت در عرصه های گوناگون زندگی بشر خواهد بود (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۰).

یکی از مهم ترین و اصیل ترین آموزه های اندیشه اسلامی، مفهوم مهدویت است. مهدویت نه تنها یک باور دینی، بلکه یک چشم انداز ارزشی است که می توان براساس ارزش ها، هنجارها و آرمان های آن، مسیر آینده جامعه اسلامی را ترسیم نمود. در این چارچوب، مهدویت صرفاً یک ایده انتزاعی یا امید دوردست نیست، بلکه دال مرکزی یک نظام فکری و عملی است که مسیر حرکت جامعه اسلامی را به سوی تمدن نوین اسلامی هدایت می کند. تمدن اسلامی، زمانی به نقطه کمال خود خواهد رسید که عدالت، اخلاق، علم و معنویت در تمام ابعاد فردی و اجتماعی محقق شود. این همان افقی است که مهدویت به آن اشاره دارد؛ جامعه ای که در آن ظلم، فساد، نابرابری و ناآگاهی جای خود را به قسط، دانش، کرامت انسانی و سعادت حقیقی داده است. بنابراین، مهدویت نه تنها افق نهایی حرکت جامعه اسلامی را مشخص می کند، بلکه چارچوب های لازم برای سیاست گذاری، مدیریت اجتماعی، و هدایت تحولات علمی و فرهنگی را نیز ارائه می دهد (الویری، ۱۳۹۲، ۱۸-۲۰).

در پرتو مهدویت، آینده پژوهی اسلامی از یک نگاه صرفاً تکنیکی به یک نگرش ارزشی و راهبردی ارتقا می یابد که در آن، روندهای جهانی و تحولات آینده براساس معیارهای عدالت،

توحید و کرامت انسانی تحلیل و هدایت می‌شوند. از این رو، مهدویت را می‌توان عامل اساسی در مدیریت مسیر آینده‌نگرانه‌ای دانست که جامعه اسلامی را به سوی تمدن نوین اسلامی سوق می‌دهد.

یکی از تحولات بنیادین و مثبت در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه بود. این انقلاب، که برخاسته از یک نگرش توحیدی و مبتنی بر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بود، مسیر تمدن‌سازی اسلامی را از یک روند منفعلانه، پراکنده و بدون پشتوانه فکری و عملیاتی، به حرکتی پویا، هدفمند و تحت هدایت نظری و عملیاتی ولایت فقیه سوق داد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۱-۴۲).

پیش از انقلاب اسلامی، جوامع اسلامی عمدتاً درگیر چالش‌های ناشی از استعمار، استبداد داخلی و استحاله فرهنگی بودند که موجب شده بود روند تمدنی آن‌ها به انفعال کشیده شود. اما انقلاب اسلامی، با ارائه الگویی نوین از حکومت‌داری اسلامی، توانست جریان جدیدی را در مسیر احیای تمدن اسلامی ایجاد کند. ولایت فقیه به عنوان محور این تحول، نه تنها بُعد سیاسی این حرکت را هدایت کرد، بلکه با ایجاد انسجام فکری و عملی، زمینه‌های تحقق آرمان‌های اسلامی را در ساحت‌های مختلف سیاست، فرهنگ، علم و اقتصاد فراهم ساخت. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ معاصر دانست که برای نخستین بار، تمدن نوین اسلامی را از سطح یک ایده به یک روند اجرایی و نهادینه شده ارتقا داد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۲).

انقلاب اسلامی تحت رهبری امامین آن، به مثابه موتور محرک شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، رویکرد آینده‌نگرانه مبتنی بر منجی‌گرایی و شکل‌گیری و توسعه ارزش‌های مهدوی در راستای زمینه‌سازی ظهور قائم آل محمد صلی‌الله علیه و آله را در دستور کار خود قرار داده است. بر همین اساس، این پژوهش حول آینده انقلاب اسلامی قصد دارد با عنایت به ضرورت ترسیم مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی بر پایه مهدویت در افق‌های آینده، به شناسایی پیشران‌های این پدیده متعالی و تمدن‌ساز در افق «۲۰۵۰» بپردازد.

ادبیات نظری

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها مبتنی بر ادبیات و مبانی نظری مرتبط با حوزه تخصصی خود نگاشته شده است که این مبانی در قالب کلیدواژه‌های پژوهش، قابل بررسی

است:

تمدن نوین اسلامی: تمدن نوین اسلامی مفهومی است که از ترکیب سه عنصر تمدن، اسلامیت و نوین بودن شکل گرفته است.

تمدن: تعاریف مختلفی در خصوص تمدن ارائه شده است که هر یک، آن را به ویژگی‌های خاصی مانند شهرنشینی، تسلط بر علم و فناوری، وجود آداب و رسوم و نظام‌های اجتماعی محدود کرده‌اند. اما هیچ‌یک از این تعاریف، نگاهی جامع و کل‌نگر به تمدن ارائه نمی‌دهد. در یک بیان اختصاری، می‌توان تمدن را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی دانست که بستری برای تحقق پیشرفت و ترقی بشری فراهم می‌آورند (سپهری، ۱۳۸۵).

اسلامیت: افزودن صفت اسلامیت به مفهوم تمدن، به معنای تزریق ارزش‌های اسلامی به آن است. در اندیشه مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی یعنی پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی براساس چهار رکن اساسی:

- ایمان (به عنوان محور اصلی حیات اجتماعی و فردی)
- اخلاق مداری (به عنوان چارچوب تنظیم روابط انسانی)
- اتکاء به عقلانیت (به عنوان ابزار شناخت و مدیریت امور)
- علم‌گرایی (به عنوان مبنای رشد و توسعه)

در این تمدن، علم و اخلاق در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند، مادیات تحت لوای معنویات قرار دارند، و ایمان، زمینه‌ساز تحقق عدالت از طریق حاکمیت اسلامی است (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۴-۴۳).

نوین بودن: نوین بودن تمدن اسلامی به این معناست که در عین حفظ ارزش‌های اسلامی، با مقتضیات زمانه و تحولات علمی و اجتماعی سازگار باشد. این مفهوم تأکید دارد که تمدن اسلامی نباید در گذشته متوقف شود، بلکه باید در تعامل با پیشرفت‌های بشری، جایگاه خود را در آینده تثبیت کند.

در مجموع، تمدن نوین اسلامی تلاشی برای ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و عدالت‌محور بر پایه مبانی اسلامی است که بتواند در سطح جهانی، تأثیرگذار و پیشرو باشد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ۴۵).

مهدویت: موعودباوری که در ادیان مختلف الهی نیز بدان اشاره شده است به معنای ایمان به وجود یک منجی در عصر آخرالزمان است. این عقیده بر این اصل استوار است که در

آخ‌الزمان، شخصی ظهور خواهد کرد که ظلم و ستم را از میان برداشته و جهانی بر پایه عدالت و صلح بنا خواهد نمود. این باور در میان ملل و اقوام مختلف با فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون وجود داشته و با تعبیر متفاوتی بیان شده است، اما همگی در این اصل مشترک‌اند که فردی نجات‌بخش ظهور خواهد کرد تا جهانی عادلانه را رقم بزند. اعتقاد به ظهور منجی یکی از اصول بنیادین در تمامی ادیان الهی و هدمند است. از نگاه پیامبران، از نخستین تا آخرین، بشارت ظهور منجی و وعده تحقق جامعه‌ای آرمانی از جمله آموزه‌های مشترک میان تمامی ادیان توحیدی است. براساس این دیدگاه، مأموریت ناتمام پیامبران و ادیان گذشته، به دست این شخصیت الهی به سرانجام خواهد رسید (یزدی‌خواه، ۱۴۰۲). هر یک از ادیان الهی در مکتب خود به نوعی به مهدویت و منجی‌گرایی آخ‌الزمانی اشاره کرده‌اند:

یهودیت: باور به مسیحا (ماشیاخ) که از نسل داوود بوده و حکومتی عادلانه برپا می‌کند. در این دیدگاه، دوران پس از ظهور مسیحا دوره‌ای سرشار از برکت و رفاه خواهد بود و تمامی ملت‌ها تحت فرمانروایی الهی زندگی خواهند کرد (یزدی‌خواه، ۱۴۰۲، ۳-۵).

مسیحیت: اعتقاد به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام برای برپایی عدالت و نابودی شر این باور، به‌ویژه در میان مسیحیان کاتولیک و پروتستان، در قالب «آخ‌الزمان‌شناسی» یا «اسکاتولوژی» مورد بررسی قرار گرفته و پیروان این دین انتظار دارند که بازگشت عیسی علیه السلام سرآغاز تحولی عظیم در جهان باشد (یزدی‌خواه، ۱۴۰۲، ۵-۶).

اسلام: در میان فرقه‌های مذهب شیعه، علی‌رغم تفاوت نظرهای اصل مهدویت و منجی‌گرایی را تایید می‌کنند و بدان اعتقاد دارند (یزدی‌خواه، ۱۴۰۲، ۸-۱۲). در میان مذاهب اهل سنت نیز همگی به نوعی اصل مهدویت و نیز حیات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مورد تصریح قرار داده‌اند (یزدی‌خواه، ۱۴۰۲، ۱۲-۱۵).

ویژگی‌هایی برای مهدویت اشاره شده است که ویژگی‌های مشترک مهدویت در ادیان، عدالت‌محوری و برقراری صلح، نابودی ظلم و فساد، احیای ارزش‌های الهی و معنویت، تغییر بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی می‌باشد (یزدی‌خواه، ۱۴۰۲، ۱۶-۱۷).

- ۱۱ **آینده‌پژوهی:** آینده‌پژوهی به عنوان یک حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای که کاربردهای فراوانی در عرصه عمل داشته است، به دنبال تحلیل و پیش‌بینی روندهای آینده و طراحی آینده مطلوب برای جامعه هدف و سیستم مورد مطالعه بر مبنای مجموعه روش‌های چارچوب‌مند است (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۶). برخی صاحب‌نظران، هدف این رشته را ابهام‌زدایی از

آینده از طریق روش‌های نظام‌مند و مبتنی بر خلاقیت و شهود می‌دانند (Bell, 1997, 5). برخی دیگر بر این باورند که آینده‌پژوهی مطالعه تغییرات درازمدت در جامعه و محیط است که به درک بهتر از آینده‌های ممکن و تأثیر آن‌ها بر تصمیمات کنونی کمک می‌کند (Dator, 2002, 5). آینده‌پژوهی را می‌توان فرآیندی دانست که به شناسایی و ارزیابی گزینه‌های مختلف آینده می‌پردازد تا تصمیم‌گیران را در انتخاب مسیرهای بهینه یاری دهد (Glenn & Gordon, 2009). شکل‌گیری نقش آینده‌پژوهی در پژوهش‌های محققان از ۱۹۴۰ و با پروژه پیش‌بینی فناوری‌های آینده آغاز شد و پس از جنگ جهانی دوم، با تغییر رویکرد پژوهشی منفعلانه به فعال در اندیشکده RAND در راستای تحت کنترل قرار دادن عدم قطعیت‌های ناشی از تأثیر مؤلفه‌های مبهم و نوظهور برآمده از توسعه پرشتاب علم و فناوری، تداوم یافت. در دهه ۶۰ میلادی نیز پژوهش در حوزه آینده وارد فاز غیرنظامی شد و این امر سرآغاز شکل‌گیری رشته دانشگاهی آینده‌پژوهی بود (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۶). نقش آینده‌پژوهی در دهه‌های اخیر نیز با شکل‌گیری انقلاب صنعتی چهارم و افزایش مؤلفه‌های پویایی محیط، برای شناسایی و تحلیل سناریوها و روندهای آینده پررنگ‌تر شده تأثیر آن در خصوص مدیریت عدم قطعیت‌های پیش‌روی سازمان‌ها و جوامع، توسط مدیران و رهبران سازمان‌ها و جوامع مورد نظر قرار گرفته است (Kurzweil, 2005).

پیشران: در ادبیات آینده‌پژوهی، پیشران به عواملی اطلاق می‌شود که به‌طور فعال و مستقیم در شکل‌دهی به روندها، تغییرات و تحولات آینده نقش فعال دارند. این مفهوم برخلاف روندها که توصیف‌کننده مسیرهای تغییر در طول زمان هستند، به نیروهای محرکه‌ای اشاره دارد که منشأ تغییر بوده و مسیر آینده را تعیین می‌کنند (Schwartz, 2012, 226).

بررسی پیشران‌ها یکی از گام‌های اساسی در روش‌های آینده‌پژوهی همچون تحلیل روندها، سناریونویسی، تحلیل اثرات متقابل و مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده است. شناسایی این عوامل به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا روندهای مطلوب را تقویت کرده و از مسیرهای نامطلوب اجتناب کنند.

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های پیشران‌ها، تأثیرگذاری عمیق، گستردگی اثر، پویایی، و توان ایجاد تغییرات ساختاری در سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. بر همین اساس، شناسایی و تحلیل پیشران‌ها در مطالعات آینده‌پژوهی، ابزاری کلیدی برای تدوین راهبردهای کلان و تصمیم‌گیری‌های بلندمدت محسوب می‌شود (Glenn & Gordon, 2009).

انقلاب اسلامی: این انقلاب با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و با هدف برپایی حکومتی مبتنی بر عدالت، استقلال و آزادی شکل گرفت. در این راستا، مفاهیمی چون توحید، امامت و ولایت، نقش محوری در تبیین ایدئولوژی انقلاب دارند. این حرکت عظیم مردمی به رهبری مرجعیت دینی وقت با الگوبرداری از منطق علوی و نهضت حسینی به مبارزه با انحطاط فرهنگی، عقب‌ماندگی و فساد اقتصادی، استبداد و وابستگی دوران پهلوی پرداخته و با پیوند عمیق میان نهاد جامعه و نهاد دین، در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. ارزش‌های اساسی انقلاب شامل عدالت خواهی، استقلال طلبی، آزادی خواهی و احیای هویت اسلامی است و اهداف آن نیز در راستای تحقق این ارزش‌ها، برپایی حکومتی مبتنی بر شریعت اسلامی، توسعه عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و استکبار، و تقویت وحدت ملی و اسلامی بوده است. این حرکت عظیم دینی و مردمی باور به ظهور منجی و برپایی حکومتی جهانی بر پایه عدالت را به عنوان افق آینده خود در نظر داشته و با تکیه بر این باور، خود را مقدمه‌ای برای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌داند؛ تمدنی که در آن ارزش‌های الهی، عدالت اجتماعی و پیشرفت علمی و فرهنگی در سطح جهانی محقق شود (سیاهپوش و همکاران، ۱۴۰۱).

پیشینه پژوهش

موضوعات تمدنی در جهان تحت عنوان تمدن پژوهی همواره مورد توجه توسط اندیشمندان مختلف بوده است. صاحب نظرانی چون کنت، اسپنسر، اشپنگر و... در جهان غرب، موضوعات تمدنی را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. هم‌اکنون نیز علیرغم افول این مقوله در غرب، تمدن پژوهی در جهان اسلام در آثار مختلف اندیشمندان اسلامی مورد کنکاش و توجه قرار می‌گیرد (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳، ۵۰). بنابراین میتوان گفت موضوع این پژوهش از پیشینه‌ای غنی برخوردار است که در این بخش بدان اشاره خواهیم داشت:

گروهی از پژوهشگران با تأکید بر اهمیت نقش گفتمان انقلاب اسلامی در تعیین سرنوشت نظام جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از روش خبرگی به شناسایی پیشران‌های موثر بر گفتمان انقلاب اسلامی در افق ۲۵ ساله پرداخته‌اند. براساس این پژوهش، هفده متغیر، به عنوان پیشران‌های گفتمان انقلاب اسلامی شناسایی شده‌اند که در این میان مؤلفه‌های کارآمدی و مقبولیت نظام دارای بیشترین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در آینده این گفتمان دارند (ایروانی و همکاران، ۱۳۹۸).

گروهی از پژوهشگران با تأکید بر نقش تمدن‌سازی در تحقق اهداف الهی و نیز ظرفیت عظیم اسلام و آموزه‌های آن در ایجاد یک تمدن، به شناسایی پیشران‌ها و پیش‌نیازهای تحقق تمدن نوین اسلامی بر مبنای سیر اندیشه و منطق فکری مقام معظم رهبری پرداخته‌اند. این پژوهش که با رویکرد اکتشافی - آمیخته و با به کارگیری تلفیقی از روش‌های کیفی (مصاحبه با خبرگان در راستای شناسایی پیشران‌ها و پیش‌نیازها) و کمی (پیمایش خبرگی و پرسشنامه) انجام شده است، پیش‌نیازها و پیشران‌های تمدن نوین اسلامی در آئینه اندیشه مقام معظم رهبری را شناسایی و اولویت‌بندی نموده است. نتایج این پژوهش دلالت بر وجود مؤلفه‌هایی چون آینده‌نگری در تمدن‌سازی، نظام‌سازی، تعالی الگوی مدیریت و... به عنوان پیش‌نیازها و نیز مؤلفه‌هایی چون علم و فناوری، وحدت و معنویت، به عنوان پیشران‌های این روند مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است (بنائی و همکاران، ۱۴۰۳).

پژوهشی دیگر، با تأکید بر ضرورت پیشرفت و ترقی انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی را به عنوان آرمان اصلی انقلاب اسلامی در گام دوم مطرح نموده و به احصاء پیشران‌های انقلاب اسلامی از بیانیه گام دوم براساس نگرش مدیریت جهادی می‌پردازد. براساس این پژوهش، مؤلفه سبک زندگی تاثیر بسیار زیادی بر گام دوم انقلاب اسلامی دارد و حرکت به سمت تحقق سبک زندگی صحیح، عامل تداوم انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی است (موسوی، ۱۴۰۰).

یکی دیگر از پژوهش‌ها با عنایت به ضرورت رشد شاخصه‌های توسعه سیاسی در ایران و با توجه به روند رو به رشد این شاخصه‌ها پس از پیروزی انقلاب در مقایسه با دوران پیش از انقلاب اسلامی، به شناسایی و احصاء پیشران‌های اثرگذار بر توسعه سیاسی پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش خبرگانی، به تنظیم پرسشنامه و توزیع آن میان خبرگان اقدام نموده و با استفاده از ابزارهای مربوطه به شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی پیشران‌های موثر بر شاخصه‌های توسعه سیاسی در ایران، پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش، ده عنصر اساسی را به عنوان پیشران معرفی نموده که در این میان، مؤلفه گفتمان انقلاب اسلامی و جایگاه پیشرفت و توسعه در آن، از نظر خبرگان به عنوان مهم‌ترین پیشران توسعه سیاسی در کشور پس از انقلاب اسلامی معرفی شده است (اخوان کاظمی و نیک‌نهاد، ۱۳۹۷).

از جمله دیگر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته‌اند می‌توان به پژوهش جهان‌بین

و معینی‌پور اشاره داشت که به شناسائی گام‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) پرداخته است (۱۳۹۳) و پژوهش کریمی که پیش‌ران‌های جهانی تأثیرگذار بر آینده تمدن نوین اسلامی و نقش آینده این پدیده را مورد بررسی قرار می‌دهد (۱۳۹۶) اشاره داشت.

با عنایت به پیشینه پژوهش مذکور، پژوهش حاضر با تأکید بر بسط قلمرو موضوعی بحث، نگرشی جامع به مؤلفه‌ها و الزامات زیستن در افق «۲۰۵۰» بر اساس پیش‌ران‌های قطعی تمدن بشری داشته و ضمن احصاء این مؤلفه‌ها، با تأکید بر تأثیر روندهای آتی، به تشریح پیش‌ران‌های انقلاب اسلامی در راستای زمینه‌سازی ظهور و آموزه‌های مهدویت با هدف شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

یکی از انواع طبقه‌بندی پژوهش‌ها طبقه‌بندی مبتنی بر هدف است. بر این اساس، پژوهش می‌تواند حل یک مسئله، ارتقاء علم، ارائه پیشنهادات کاربردی و یا توسعه پژوهش‌های پیشین را دنبال کند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۲). بر این اساس، این پژوهش از منظر هدف، پژوهشی کاربردی است که نتایج آن با هدف برطرف کردن ابهامات و عدم قطعیت‌های موضوع مورد پژوهش، با استفاده از دانسته‌های موجود به دست آمده است. به لحاظ رویکردی، این پژوهش، مبتنی بر رویکرد اکتشافی است که در آن ضمن بهره‌گیری از اسناد مرتبط با موضوع اعم از تمدن‌سازی، مهدویت، آینده‌پژوهی و... (روش مطالعات اسنادی)، برای اکتشاف پیش‌ران‌های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰»، از روش مصاحبه هدفمند با خبرگان، استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

افق آینده تمدن بشری با مجموعه‌ای از پیش‌ران‌های قطعی مواجه است که مسیر تحولات جهانی را تعیین می‌کنند. از جمله این پیش‌ران‌ها می‌توان به رشد شتابان علم و فناوری، تحولات ساختاری در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، دگرگونی در سبک زندگی، و تغییرات ژئوپلیتیکی اشاره کرد. این تحولات، حیات و تداوم مسیر انقلاب اسلامی و جامعه پیش‌برنده آن را از دو منظر اساسی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نخست، تحقق تمدن نوین اسلامی، به عنوان چشم‌انداز کلان انقلاب اسلامی، نیازمند

فراهم‌سازی مجموعه‌ای از لوازم و ظرفیت‌ها است که بتواند جامعه را برای زیست در آینده‌ای پیچیده و متحول آماده کند. در این راستا، انقلاب اسلامی باید از نظر زیرساختی، فرهنگی، علمی و مدیریتی، زمینه‌های لازم را برای حضور فعال و تأثیرگذار در آینده جهانی فراهم سازد. دوم، با توجه به وجود دشمنان و رقبای متعدد که در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی موانعی ایجاد می‌کنند، تداوم حیات، پیشرفت و ترقی انقلاب اسلامی به عنوان موتور محرک این تمدن، مستلزم شناسایی و تقویت پیشران‌هایی است که بتواند مسیر حرکت انقلاب را هموار کرده و آن را در برابر چالش‌های پیش‌رو مقاوم سازد. در این میان، نقش آموزه‌های مهدویت در هدایت و جهت‌دهی به این پیشران‌ها، به عنوان یک عامل راهبردی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

با توجه به این ملاحظات، یافته‌های پژوهش حاضر در دو دسته اصلی طبقه‌بندی شده است:

- لوازم زیستن در «افق ۲۰۵۰»: شامل مجموعه‌ای از عوامل و الزامات اساسی که برای مواجهه با آینده‌ای پیچیده و پرتحول ضروری است.
 - پیشران‌های انقلاب اسلامی: مجموعه عواملی که می‌توانند انقلاب اسلامی را به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی، مبتنی بر آموزه‌های مهدویت، هدایت کنند.
- این دو دسته‌بندی، چارچوبی برای تحلیل و تبیین راهبردهای آینده انقلاب اسلامی در مواجهه با تحولات جهانی ارائه می‌دهد.

الزامات زیستن در «افق ۲۰۵۰»

با توجه به این که پیشران‌ها عوامل اصلی شکل‌دهنده آینده هستند، بررسی آنها در افق «۲۰۵۰» مستلزم درک عمیق از الزامات زیست در آن مقطع زمانی است. از جمله مهم‌ترین این الزامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هوشمندی

در افق «۲۰۵۰»، جوامع و افراد برای سازگاری با تغییرات سریع نیازمند سطح بالایی از هوشمندی در ابعاد فردی، سازمانی و حکمرانی خواهند بود. توسعه فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، یادگیری ماشینی و پردازش داده‌های کلان، ضرورت تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده (Data-Driven Decision Making) را دوچندان می‌کند. در این دوران، هوشمندی

دیجیتال (Digital Intelligence) در کنار هوشمندی شناختی و اجتماعی به یک مهارت بنیادین برای زیست و رقابت در محیط‌های پیچیده تبدیل خواهد شد.

قدرت تحلیل‌گری

با افزایش پیچیدگی سیستم‌ها، عدم قطعیت‌های محیطی و ظهور چالش‌های چندبعدی، توانایی تحلیل‌گری به یک مهارت کلیدی بدل خواهد شد. در این شرایط، تفکر سیستمی (Systems Thinking) و تحلیل چندمتغیره (Multivariate Analysis) نقش به‌سزایی در مدیریت تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا خواهند کرد. در حوزه حکمرانی و مدیریت، مدل‌سازی سناریویی و تحلیل آینده‌نگر (Foresight Analysis) برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی ضروری خواهد بود.

مدیریت مطالبه‌گری عمومی

با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و افزایش آگاهی عمومی، مطالبه‌گری در حوزه‌های حقوق شهروندی، شفافیت حکمرانی و عدالت اجتماعی گسترش خواهد یافت. شهروندان آینده نه تنها به دنبال پاسخگویی دولت‌ها خواهند بود، بلکه با بهره‌گیری از شبکه‌های هوشمند ارتباطی، جنبش‌های اجتماعی دیجیتال و ابزارهای مبتنی بر بلاکچین برای شفافیت اطلاعات، به‌طور فعال در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت خواهند کرد. در این میان، نباید به روندها و ابزارهای نوین مطالبه‌گری اجتماعی صرفاً به عنوان تهدید نگریست، بلکه لازم است از فرصت‌های ناشی از این تحولات برای اصلاح ساختارها و بهبود فرایندهای پاسخگویی به انتظارات مردم بهره برد. در چارچوب خط فکری، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی، باید حداکثر مطالبات عمومی را در مسیری سازنده مدیریت کرد تا ضمن افزایش مشارکت عمومی، به تقویت مقبولیت انقلاب اسلامی پرداخته شود. این رویکرد، علاوه بر ارتقای مشروعیت و کارآمدی نظام، زمینه‌ساز کاهش فشارها و بهانه‌های بین‌المللی علیه انقلاب اسلامی خواهد شد و مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را هموارتر خواهد کرد.

درک تغییر مفهوم و صحنه رقابت در عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

در دنیای آینده، مفهوم رقابت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دستخوش تغییرات بنیادین خواهد شد. تحولات فناورانه، افزایش پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی و دگرگونی در ساختارهای اجتماعی و ارتباطی، مدل‌های سنتی رقابت را متحول کرده و الزامات جدیدی را

برای کنشگران مختلف در عرصه جهانی ایجاد خواهند کرد. در این میان، بازیگران اقتصادی، دولت‌ها و جوامع فرهنگی ناگزیرند تا راهبردهای خود را متناسب با این تغییرات بازتعریف کرده و به سازوکارهای نوین رقابتی مجهز شوند. در ادامه، به بررسی این تغییرات در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پرداخته می‌شود.

تحولات اقتصادی: در افق «۲۰۵۰»، رقابت اقتصادی دیگر صرفاً بر پایه منابع فیزیکی و تولید سنتی نخواهد بود، بلکه دانش، نوآوری و تسلط بر فناوری‌های پیشرفته تعیین‌کننده اصلی مزیت رقابتی خواهند بود. مدل‌های جدید اقتصاد دیجیتال، اقتصاد پلتفرمی (Platform Economy) و اقتصاد اشتراکی (Sharing Economy)، ساختار بازارها را دگرگون خواهند کرد.

تحولات سیاسی: حکمرانی در آینده به سمت شبکه‌ای شدن (Network Governance) حرکت خواهد کرد، به گونه‌ای که قدرت دیگر در دست نهادهای سنتی متمرکز نخواهد بود، بلکه در میان شبکه‌های فراملی، دولت‌های محلی و حتی بازیگران غیردولتی توزیع خواهد شد. **تحولات فرهنگی:** تغییرات سریع فناوری‌های ارتباطی، تعاملات انسانی را دگرگون کرده و هویت‌های چندلایه و جهانی شده (Multilayered Identities) را جایگزین هویت‌های سنتی خواهد کرد. در این میان، رقابت فرهنگی بیش از پیش بر سر کنترل روایت‌ها و شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی از طریق رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی خواهد بود.

در مجموع، زیست در افق «۲۰۵۰» مستلزم توسعه قابلیت‌های شناختی و فناورانه، ارتقای ظرفیت تحلیل داده‌ها، افزایش آگاهی اجتماعی و توان مشارکت در فرآیندهای حکمرانی و اقتصادی خواهد بود. جوامعی که نتوانند این الزامات را درک و برای آن برنامه‌ریزی کنند، با چالش‌های بنیادین در مسیر توسعه و پایداری مواجه خواهند شد.

علاوه بر الزامات مذکور، یکی از مؤلفه‌های کلیدی در افق «۲۰۵۰»، اهمیت قدرت نرم (Soft Power) در کنار قدرت سخت (Hard Power) خواهد بود. قدرت نرم، مفهومی که به توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق جاذبه فرهنگی، ارزش‌ها، هنجارها، دیپلماسی عمومی و مشروعیت بین‌المللی اشاره دارد، درحالی‌که قدرت سخت بر پایه ابزارهای نظامی و اقتصادی برای تحمیل اراده شکل می‌گیرد. در آینده، قدرت نرم نقش محوری‌تری در سیاست بین‌الملل، اقتصاد جهانی و حتی رقابت‌های فرهنگی ایفا خواهد کرد، زیرا مشروعیت بین‌المللی، تصویرسازی مثبت و توان تأثیرگذاری غیرمستقیمبر افکار عمومی و تصمیم‌سازان جهانی، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت کشورها، شرکت‌ها و حتی نهادهای مدنی خواهد بود.

در افق «۲۰۵۰»، قدرت نرم دیگر محدود به دولت‌ها نخواهد بود بلکه شرکت‌های فناوری، سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های اجتماعی به بازیگران کلیدی در این عرصه تبدیل خواهند شد. توسعه دیپلماسی دیجیتال، گسترش شبکه‌های فرهنگی جهانی، و جنگ‌های شناختی (Cognitive Warfare) از طریق اطلاعات و رسانه‌های نوین، میدان جدیدی برای رقابت قدرت‌ها خواهد بود. در این دوران، کنترل روایت‌های بین‌المللی، مدیریت هویت دیجیتال، و گسترش ارزش‌های اجتماعی از طریق رسانه‌های تعاملی و فناوری‌های نوین، اهمیت بیشتری نسبت به ابزارهای سنتی قدرت پیدا خواهند کرد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های بنیادین در آینده تمدن بشری که به عنوان ابزار حیاتی قدرت نرم هر کشور مورد توجه است نقش رسانه و فضای مجازی در افق «۲۰۵۰» خواهد بود. رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های ارتباطی، در حال حاضر نیز تحولات عظیمی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده‌اند، اما در آینده، این تغییرات با ورود فناوری‌های نوینی همچون واقعیت افزوده (AR)، واقعیت مجازی (VR)، اینترنت اشیا (IoT) و هوش مصنوعی (AI) به سطحی بی‌سابقه خواهد رسید.

فضای مجازی در آینده، نه تنها بستری برای انتقال اطلاعات، بلکه میدان اصلی رقابت قدرت‌ها در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خواهد بود. دولت‌ها و شرکت‌های فناوری، به دنبال کنترل الگوریتم‌های اطلاعاتی، مدیریت هویت‌های دیجیتال، و تأثیرگذاری بر افکار عمومی از طریق کلان داده‌ها (Big Data) و تحلیل‌های شناختی خواهند بود. در این شرایط، سواد رسانه‌ای و توان تحلیل اطلاعات دیجیتال، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای شهروندان در برابر تهدیدات شناختی و جنگ‌های اطلاعاتی تبدیل خواهد شد.

در افق «۲۰۵۰»، تکامل فضای مجازی به متاورس‌های فراگیر، دولت‌های دیجیتال، و نظام‌های حکمرانی مبتنی بر هوش مصنوعی، وابسته خواهد بود. در این دوران، قدرت کنترل داده‌ها و نفوذ در نظام‌های ارتباطی جهانی، نه تنها بر ساختارهای حکمرانی ملی، بلکه بر نظام‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر مستقیم خواهد گذاشت. از این رو، توانمندی در مدیریت رسانه‌های دیجیتال، تولید محتوای مؤثر، و شناخت تأثیرات فضای مجازی بر ذهنیت و رفتار جوامع، از الزامات زیست در جهان آینده خواهد بود.

پیشران‌های انقلاب اسلامی در «افق ۲۰۵۰»

انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده تمدنی، در مسیر تحول و تکامل خود به سوی افق «۲۰۵۰» با مجموعه‌ای از پیشران‌ها در حوزه‌های مختلف علم، فناوری، سیاست، اقتصاد و فرهنگ مواجه است. این پیشران‌ها تحت تأثیر تحولات جهانی، پیشرفت‌های فناورانه، و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی شکل خواهند گرفت. در این مسیر، درک صحیح از روندهای آینده و الزامات زیست در نیمه قرن بیست و یکم نقشی اساسی در تداوم و تعمیق گفتمان انقلاب اسلامی خواهد داشت.

در حوزه علم و فناوری، سرعت فزاینده نوآوری‌های علمی و توسعه فناوری‌های نوظهور، مبنای اصلی رقابت کشورها در آینده خواهد بود. گسترش هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، فناوری‌های کوانتومی و نانوفناوری، مرزهای دانش را جابه‌جا کرده و سبک زندگی، حکمرانی و امنیت را متحول خواهد ساخت. تحقق جایگاه مطلوب در این عرصه نیازمند سرمایه‌گذاری پایدار در زیرساخت‌های علمی، حمایت از نخبگان، و ایجاد پیوند میان دانشگاه و صنعت است. در غیر این صورت، شکاف فناورانه با کشورهای پیشرو افزایش یافته و امکان اثرگذاری در نظام بین‌الملل کاهش خواهد یافت. علم و فناوری به عنوان یک ابزار، پیشران اصلی توسعه و رشد تمامی تمدن‌ها و پایه اصلی تحقق سایر پیشران‌هاست. تعریف این مؤلفه به عنوان یک پیشران برای انقلاب اسلامی از طریق سرمایه‌گذاری بر روی دانش آینده‌ساز، تربیت نیروهای نخبه‌ی متعهد به آرمان مهدویت و جبران فاصله از روند رو به رشد علم و فناوری در جهان در راستای استقلال در این حوزه و شکستن انحصار قدرت‌های بین‌المللی در عرصه علوم آینده‌ساز محقق خواهد شد. این امر به معنای قرار گرفتن ابزار علم و فناوری در اختیار انقلاب اسلامی است که می‌تواند زمینه را برای پیشرفت و خدمت به بشریت فراهم آورده و از این طریق به زمینه‌سازی برای تمدن نوین اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مهدویت بپردازد.

پیشران‌های حوزه سیاسی: جهان سیاست در افق «۲۰۵۰» نیز براساس تغییر در موازنه‌های قدرت، افزایش اهمیت حکمرانی دیجیتال، و ظهور بازیگران غیردولتی شکل خواهد گرفت. نقش‌آفرینی در این عرصه مستلزم برخورداری از دیپلماسی هوشمند، توسعه قدرت نرم، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در حکمرانی است. در غیر این صورت، روندهای جهانی می‌توانند موجب کاهش استقلال و نفوذ سیاسی کشورها شوند. دیپلماسی هوشمند، پویا و منسجم، با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و استفاده از فرصت تحولات نوظهور می‌تواند به

شیوه‌ی فعال، تهدیدات علیه انقلاب اسلامی را خنثی نموده و از فرصت روندهای بین‌المللی در راستای ارتقاء جایگاه نظام اسلامی در عرصه بین‌المللی بیشترین استفاده را داشته باشد. مساعدسازی محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، عمل حیاتی هم‌تکاملی انقلاب اسلامی با پیشرفت‌ها و تحولات محیطی است که تحقق آن می‌تواند سرعت رشد تحقق تمدن نوین اسلامی بر پایه مهدویت را تقویت نماید.

در حوزه اقتصاد، گذار به اقتصاد دانش‌بنیان، دیجیتالی شدن فرایندهای اقتصادی، و تغییر در مفاهیم سنتی تولید و توزیع ثروت، مهم‌ترین روندهای آینده خواهند بود. موفقیت در این زمینه مستلزم تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، توسعه نظام‌های مالی نوین، و بهینه‌سازی سیاست‌های پولی و مالی است. اقتصادهایی که نتوانند خود را با این روندها تطبیق دهند، دچار بحران‌های مزمن اقتصادی و کاهش رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی خواهند شد. در حوزه اقتصاد، گذار به اقتصاد عدالت‌محور، مفهومی کلیدی در اقتصاد مهدوی است. برخلاف نظام‌های اقتصادی کنونی که بر انباشت ثروت و شکاف طبقاتی استوارند، در آینده تمدنی مبتنی بر مهدویت، اقتصاد براساس عدالت توزیعی، رفاه عمومی، و جلوگیری از استثمار شکل خواهد گرفت. پیشرفت‌های اقتصادی در چنین الگویی نه بر پایه رقابت نابرابر، بلکه براساس تعاون، اخلاق اقتصادی و توسعه پایدار خواهد بود. بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان در گذار به اقتصاد دانش‌بنیان و مبتنی بر فناوری، به کارگیری ظرفیتهای نوظهور تحول در بازارهای پولی و مالی و بهینه‌سازی ساختار و فرایندهای اقتصادی با استفاده از فناوری به عنوان پیشران‌های اساسی اقتصاد انقلاب اسلامی در مسیر تحقق عدالت اقتصادی، ضرورتی انکارناپذیر است.

تحولات فرهنگی در افق «۲۰۵۰» نیز تحت تأثیر تغییرات هویتی، جهانی شدن سبک زندگی، و گسترش فضای مجازی خواهد بود. افزایش تعاملات بین‌فرهنگی و توسعه شبکه‌های اجتماعی، معادلات فرهنگی را دگرگون ساخته و رقابت تمدنی را به عرصه‌های جدیدی سوق خواهد داد. در چنین فضایی، توانایی تولید محتوای بومی و ترویج ارزش‌های فرهنگی از طریق رسانه‌های نوین، پیشران اساسی انقلاب اسلامی در راستای حفظ جوهره تمدنی و مقابله با نفوذ و تهاجم فرهنگی دشمنان در راستای حفظ قدرت معنایی انقلاب اسلامی در جامعه اسلامی خواهد بود. قدرت نرم، به عنوان توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی، تغییر نگرش‌ها و ایجاد همگرایی، نقشی حیاتی در رقابت‌های آینده خواهد داشت. کشورهایی که بتوانند از

طریق دیپلماسی عمومی، تولید محتوای رسانه‌ای و توسعه تعاملات فرهنگی، تصویری مطلوب از خود ارائه دهند، خواهند توانست بدون نیاز به رویارویی مستقیم، نفوذ و تأثیرگذاری خود را در نظام بین‌الملل افزایش دهند. همچنین با گسترش ارتباطات دیجیتال و افزایش نقش پلتفرم‌های هوشمند، رسانه‌ها به یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایت افکار عمومی، شکل‌دهی به هویت‌های اجتماعی و مدیریت بحران تبدیل خواهند شد. در چنین فضایی، قدرت مدیریت و تولید محتوای رسانه‌ای، توانایی تأثیرگذاری بر روندهای اجتماعی و سیاسی را تعیین خواهد کرد. غفلت از این حوزه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های امنیتی، فرهنگی و اجتماعی شود.

با توجه به این روندها، پیشران‌های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰» باید به گونه‌ای طراحی و هدایت شوند که ضمن حفظ هویت و ارزش‌های بنیادین، امکان رقابت و پیشرفت در نظام بین‌الملل را فراهم آورند. این هدایت به وسیله شبکه به هم پیوسته‌ای از چهار مؤلفه اصلی شامل اعتماد مردم، باور نخبگان، تدبیر حاکمان و عمل مدیران محقق خواهد شد. در این مسیر، نقش نظام حکمرانی، نخبگان علمی و فرهنگی، و مشارکت مردمی، تعیین‌کننده خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، روشن است که پیشران‌های انقلاب اسلامی در افق «۲۰۵۰» نه تنها بر ابعاد علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار خواهند بود، بلکه به طور ویژه در مسیر تمدن‌سازی اسلامی نقشی تعیین‌کننده خواهند داشت. آینده‌پژوهی تمدنی مستلزم داشتن تصویری روشن و هدفمند از آینده است، چراکه تمدن‌سازی بدون تصویرپردازی امکان‌پذیر نیست. از این رو، تصویر مطلوب از آینده، که بالاترین سطح از انسجام، باورپذیری و دقت را دارد، در آموزه‌های مهدویت و منجی‌گرایی متبلور می‌شود.

در این راستا، تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند طراحی و هدایت پیشران‌ها در مسیری هماهنگ و هم‌افزا خواهد بود. این مهم تنها از طریق شبکه‌ای به هم پیوسته از ظرفیت‌های اجتماعی، علمی، حکمرانی و مدیریتی قابل دستیابی است. بنابراین، به جای تمرکز صرف بر تحولات فناورانه یا اقتصادی، نگاهی جامع و راهبردی ضروری است که پیشران‌ها را در یک کل منسجم و نظام‌مند به حرکت درآورد.

از این رو، آینده انقلاب اسلامی در گرو درک صحیح از روندهای کلان جهانی، بهره‌گیری هوشمندانه از پیشران‌های تحول، و اتکا به یک مدل تمدنی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی خواهد بود. این مدل، در صورتی که به درستی طراحی و اجرایی شود، می‌تواند ضمن پاسخگویی به چالش‌های نوظهور، مسیر دستیابی به افق «۲۰۵۰» را هموار سازد.

منابع

- _ اخوان کاظمی، مسعود؛ نیک نهاد، ایوب (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل پیشران‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ سناریویی مطلوب برای آینده، نشریه علمی پژوهش‌های سیاست/اسلامی، سال ششم، شماره ۱۴
- _ ایروانی، زهرا؛ حاجیانی، ابراهیم؛ حاضری، علی محمد؛ قریشی، فردین (۱۳۹۸). شناسایی پیشران‌های موثر بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران در افق ۲۵ ساله، فصل‌نامه علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۲
- _ بنائی، علی؛ قاسمی، محمدهادی؛ پناهی، فائزه (۱۴۰۳). پیش نیازها و پیشران‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصل‌نامه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۲: صفحه ۳۹-۷۰
- _ جهانبین، فرزاد؛ معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳). فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹
- _ دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۶). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. دوازدهم. تهران: انتشارات صفار
- _ سپهری، محمد (۱۳۸۵). تمدن اسلامی در عصر امویان. تهران: نشر نورالثقلین
- _ سیاه‌پوش، امیر؛ شفیعی‌فر، محمد؛ راجی، سید محمد حسین (۱۴۰۱). انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها، دستاوردها و آسیب‌ها، قم: نشر معارف
- _ کریمی، غلامرضا (۱۳۹۶). واکاوی پیشران‌های خارجی تمدن نوین اسلامی، دو فصل‌نامه آینده‌پژوهی ایران، دوره ۲، شماره ۲
- _ گودرزی، غلامرضا؛ پیدرام، عبدالکریم؛ مطلبی کربکندی، مصطفی (۱۴۰۰). دانشگاه آینده با نگاهی به روندهای جهانی و ملی، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)
- _ موسوی، سید محمد (۱۴۰۰). پیشران‌های انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با

- تاکید بر بیانیه گام دوم، فصل‌نامه دولت‌پژوهی/ایران معاصر، دوره جدید، سال هفتم، شماره ۱
- _ الویری، محسن (۱۳۹۲). اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، فصل‌نامه علمی‌ترویجی /انتظار موعود، سال سیزدهم، شماره ۴۲، صفحه ۷ - ۲۶
- _ یزدی‌خواه، عطیه‌السادات (۱۴۰۲). مفهوم مهدویت در ادیان، دومین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و سبک زندگی جهان اسلام
- _ Bell, W. (1997). Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era. Transaction Publishers.
- _ Dator, J. (2002). Advancing Futures: Futures Studies in Higher Education. Praeger.
- _ Glenn, J. C., & Gordon, T. J. (2009). Futures Research Methodology Version 3.0. The Millennium Project.
- _ Kurzweil, R. (2005). The Singularity is Near: When Humans Transcend Biology. Viking.
- _ Schwartz, Peter. (2012) The art of foresight: planning for the future in a world with uncertainty. Ranslated by Aziz Alizadeh, first edition, Tehran: Defense science and technology future research Center, Defense industries Educational and research institute[In Persian].



The Role of the Islamic Revolution of Iran in Global Awakening of epoch of the Advent

Razieh Ali akbari ¹

Mohaddeseh Zarein ²

Abstract

The concept of "waiting" in Shi'a Mahdism is tied to efforts to lay the groundwork for the advent of Imam Mahdi (AS) by promoting the culture of resistance against oppression, arrogance, and tyranny. The history of political and social developments after the Islamic Revolution in Iran clearly testifies the revolution's Role in promoting culture of resistance among nations of the region and the world. Accordingly, the present study employs an analytical-descriptive approach to examine the role of the Islamic Revolution in global awakening and the contextualization for the advent of Imam Mahdi across various dimensions. The conducted research indicates the fact that the Islamic Revolution of Iran has created a huge transformation in political structures (linking religion and politics), cultural (promoting of hijab), social (Islamic unity), and economic (justice - seeking), that has had tremendous influences at both regional and international levels. Such that can be said that this revolution has institutionalized the foundations for a global movement of the oppressed against the oppressors in the public opinion of nations. as it in defense of the Palestinian cause taught everyone that the realization of justice on a global scale can only be achieved through the mobility and dynamism of humans to break free from the clause of oppressors.

Keywords: Imam of the time (AS), Islamic Revolution, Global Awakening, Mahdism, Advent, Uprising, Issuance of the Revolution

-
1. PhD of Islamic word, Assistant professor of the University of culture of Qom campus of His Majesty The Immaculate Conception, theology group, Qom, Iran (Author responsible), (aliakbari@cfu.ac.ir)
 2. General student level two in jamea Al-Zahra University, Qom, Iran (m.zarein313@gmail.com)

نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهانی عصر ظهور

راضیه علی اکبری^۱

محدثه زارعین^۲

چکیده

مفهوم انتظار در مهدویت شیعی، ملازم با تلاش در راستای زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام با ترویج فرهنگ ایستادگی در برابر ظلم و استکبار و استبداد است. تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران، به وضوح تأثیرگذاری این انقلاب را در ترویج فرهنگ ایستادگی در میان ملت های منطقه و جهان، گواهی می دهد؛ از این رو در پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی، نقش انقلاب اسلامی در بیداری جهانی و زمینه سازی ظهور در ابعاد مختلف بررسی شده و مطالعات انجام شده، حاکی از این حقیقت است که انقلاب اسلامی ایران، یک دگرگونی عظیم در ساختارهای سیاسی (پیوند دین و سیاست)، فرهنگی (ترویج حجاب)، اجتماعی (وحدت اسلامی) و اقتصادی (عدالت طلبی) به وجود آورده که تأثیرات شگرفی را در سطح منطقه ای و بین المللی به دنبال داشته است؛ به گونه ای که می توان گفت این انقلاب، پایه های نهضت جهانی مستضعفان علیه مستکبران را در افکار عمومی ملت ها بنیان نهاده است؛ چنانچه در دفاع از آرمان فلسطین، به همگان آموخت که آرمان تحقق عدالت در مقیاس جهانی، تنها در سایه تحرک و پویایی انسان ها برای رهایی از بند ظالمان حاصل می شود.

واژگان کلیدی

امام زمان علیه السلام، انقلاب اسلامی، بیداری جهانی، مهدویت، ظهور، قیام، صدور انقلاب.

مقدمه

انتظار در اندیشه مهدویت شیعی، مستلزم ایجاد زمینه ظهور و انجام دادن اصلاحات

۱. دکترای کلام اسلامی و استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان قم، پردیس حضرت معصومه علیه السلام قم، ایران (نویسنده مسئول) (aliakbari@cfu.ac.ir).

۲. طلبه سطح دو عمومی جامعه الزهراء علیه السلام قم، ایران (m.zarein313@gmail.com). تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

سیاسی - اجتماعی و آماده‌سازی جامعه برای پذیرش انقلاب جهانی امام منتظر است. در ذات مفهوم انتظار (به معنای شیعی آن)، تعهداتی نهفته است که پیروان را به پابندی و تلاش در راه پیاده‌کردن آن مقید می‌سازد؛ به عبارت دیگر، گفتمان مهدویت شیعی، مأموریت‌های خاصی برای پیروان خود مشخص می‌کند که تلاش برای تحقق آن‌ها، بخش مهمی از وظایف منتظران را تشکیل می‌دهد. مقاله حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد.

اهمیت و ضرورت

ضرورت بررسی موضوع این مقاله، بدان جهت است که انقلاب اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین نهضت مردمی عدالت‌محور و ظلم‌ستیز در قرن اخیر، به جوامع بشری نشان داد که مردم جهان می‌توانند با بهره‌گیری از کارکردهای مثبت انتظار، زمینه برقراری عدالت جهانی و رهایی از ظلم و فساد را با زمینه‌سازی ظهور منجی عالم بشریت فراهم سازند.

پیشینه تحقیق

درباره نقش انقلاب اسلامی در بیداری جهانی، آثار متعددی نوشته شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی تأثیرگذاری و نمونه‌ها»، از مرتضی شیرودی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، اثر جواد جمالی و ابراهیم شفیعی‌پور (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی ایران، صدور افکار انقلابی و بیداری اسلامی جهانی»، کاری از عزیزه زنگانه (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه»، نوشته مسعود اخوان کاظمی و امید شکرانه ارزنقی (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی»، به قلم مهناز اکبری (۱۳۹۲)، «بررسی نقش الگویی انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، تألیف محمدمهدی صابری (۱۳۹۷)، «نقش اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، از عارف بیژن (۱۳۹۵).

جنبه نوآوری بحث

پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته، غالباً به بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی پرداخته‌اند و برخی از پژوهش‌ها نیز نقش ایرانیان در ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام و نگرش‌های مربوط به آن را بررسی نموده‌اند، اما پژوهش حاضر با تأکید بر پیوند بیداری جهانی با زمینه‌سازی ظهور، نقش تعیین‌کننده انقلاب اسلامی را در تحقق این

بیداری در سطح بین‌المللی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

اهداف تحقیق

- بررسی زمینه‌های پیوند انقلاب اسلامی با ظهور حضرت مهدی (عج)
- شناسایی ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهانی
- تبیین مفهوم صدور انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی

روش تحقیق

روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد.

سؤال اصلی

نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهانی عصر ظهور چیست؟

سؤالات فرعی

- چه پیوندهایی بین انقلاب اسلامی با ظهور حضرت مهدی (عج) برقرار است؟
- ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در بیداری مردم منطقه و جهان چیست؟

مفاهیم کلیدی

۱. انقلاب

«انقلاب از ریشه قلب در باب انفعال بوده و به معنای حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تغییر، تحول و تبدل است.» (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۱۳، ص ۴۳) انقلاب در معنای اصطلاحی، دگرگونی بنیادی نسبت به آن چیزی است که پیش از انقلاب استوار بوده است؛ در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به‌ویژه سیاسی. این دگرگونی‌ها همیشه با سرنگونی نظام سیاسی حاکم پیش می‌آید و اغلب با کارهای خشونت‌آمیز و خونریزی همراه است.

استاد شهید مرتضی مطهری، انقلاب را «عصیان و طغیان مردم یک ناحیه یا سرزمین بر ضد نظم حاکم، برای ایجاد نظم مطلوب دانسته‌اند که با حس پرخاشگری و روحیه طرد ظلم و وضع نامطلوب همراه است.» (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۲۳-۴۳)

انقلاب باتوجه به میزان و نوع تغییراتی که به ویژه در داخل کشور پدید می آورد، به دو نوع اجتماعی و سیاسی تفکیک می شود. انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه است؛ اما انقلاب اجتماعی عبارت است از «انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماع و تحول در ایدئولوژی غالب کشور.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ص ۱۴).

۲. انقلاب اسلامی

«انقلاب اسلامی به معنای احیا و تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه، به صورت سریع و همراه با خشونت و خونریزی در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی است.» (حشمت زاده، ۱۳۷۸: ص ۳۵) انقلاب اسلامی یک انقلاب سیاسی یا دگرگونی اجتماعی محض نیست؛ بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجوه و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اساسی اسلام است. انقلاب اسلامی که بر مبنای ارزش های اسلامی صورت می گیرد یعنی حاکمیت الله، نظام توحید و اسلام، آثار و نتایج حاکمیت الله.

«نظام توحید و اسلام را می توان به این شرح خلاصه کرد: ۱. مشروعیت رهبری و ولایت؛ ۲. تکیه بر تنها قدرت حقیقی جهان یعنی خداوند متعال؛ ۳. نابودی قدرت و عظمت پوشالی حکومت های طاغوتی؛ ۴. رویارویی با کفر و الحاد؛ ۵. استقلال و عدم وابستگی؛ ۶. ارتباط و دوستی بین دولت و ملت؛ ۷. زندگی در یک فضای سالم، مشروع و سازنده؛ ۸. حذف مظاهر شرک و فساد؛ ۹. ایجاد مظاهر اسلام و تقوا و عفت؛ ۱۰. حرکت دادن مردم به سوی فرهنگ اسلام و انسانیت.» (آقابخشی، ۱۳۶۶: ص ۱۳۹-۱۴۰)

«به طور کلی در تعریف انقلاب اسلامی ایران، می توان این انقلاب را یک دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه دانست که موجب پیدایش یک نظام سیاسی منطبق بر جهان بینی با موازین و ارزش های اسلامی و نظام امامت می شود. این انقلاب براساس آگاهی و ایمان مردم، حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده های مردم شکل گرفت.» (عمید زنجانی، ۱۳۷۱: ص ۳۷۰)

۳. بیداری جهانی

«بیداری، ضد خواب است و به معنای فعال شدن هوش و آگاهی به کار می رود. بیداری در دو اصطلاح بیداری اسلامی و بیداری جهانی کاربرد دارد. بیداری اسلامی، به مفهوم زنده شدن

دوباره در پرتو اسلام اصیل است و به معنای دعوت مجدد به اسلام، احیای ارزش‌های اسلامی و دعوت به سوی احیای این ارزش‌ها به کار می‌رود.» (صوفی نیارکی، ۱۳۹۱: ص ۲۹) «بیداری اسلامی، خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به زندگی و فرهنگ اسلامی، بازگشت به مبانی و اصول اسلامی، فراتر رفتن دین از یک آئین اخلاقی و ورود آن به عرصه مدیریت اجتماع و سیاست و حاکمیت دین بر تمام شئون زندگی است.» (یزدان پناه، ۱۳۹۰: ص ۱۹)

بیداری جهانی، به معنای بیداری عموم افراد بشریت در سراسر جهان و بازگشت آن‌ها به عقل و فطرت انسانی است؛ فطرتی که با سلطه مستکبران و ظالمان و تحت تأثیر فرهنگ تاریک آنان، دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. بیداری جهانی یکی از مقدمات ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام است و باعث می‌شود عموم مردم جهان با نهضت آن حضرت همراهی کرده و علیه ظلم و استبداد قیام کنند.

۴. ظهور و قیام

در منظومه باورهای مهدویت، دو واژه «ظهور» و «قیام» مطرح است که از نظر کاربرد، نزدیک به هم هستند و بر آغاز حرکت و نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که بعد از غیبت رخ می‌دهد، اطلاق می‌شوند؛ ولی با نگرش دقیق، تفاوت‌ها و تمایزات اساسی میان آن دو به چشم می‌خورد.

«ظهور در لغت به معنای ظاهر شدن و آشکار شدن است.» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۳۷) ولی در اصطلاح به معنای ظهور حضرت مهدی علیه السلام و اعلان فرارسیدن روز موعود جهانی می‌باشد. به تعبیر دیگر وقتی خداوند فرارسیدن روز موعود را اراده کرد و به ولی خود، حضرت مهدی علیه السلام، اجازه ظاهر شدن داد و حضرت با اعلان جهانی، آمدن خویش را به گوش جهانیان رساند، در این هنگام ظهور رخ داده است.

«قیام» از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و در اصطلاح، به حرکت و نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور در برابر ستمگران، برای برپایی عدل در سراسر کره زمین اطلاق می‌شود. رهبر جهانی بعد از رخداد ظهور در مدت زمان معین با فراهم کردن شرایط و مقدمات با لشکریان عظیمی بعد از مراسم بیعت، از مکه خارج شده و با شروع نهضت، زمینه تثبیت و استقرار نظام جهانی را پی می‌گیرد که به این مرحله از نهضت، «قیام» گفته می‌شود.

قسمت اول: پیوند انقلاب اسلامی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ظهور به عنوان رخدادی بسیار عظیم و سرنوشت ساز، تاریخ بشریت را متأثر و متحول خواهد کرد و جوامع بشری را به سوی خوشبختی و عاقبت به خیری هدایت می کند. این تحول و تعالی عظیم، به حدی تأثیرگذار و سرنوشت ساز است که علاوه بر زندگی فردی، زندگی اجتماعی بشر را در همه ابعاد درنور دیده و تحت تأثیر خود قرار داده و برای اولین بار تجربه خوب زندگی کردن و سالم زیست کردن همراه با رفاه و آسایش را به ذائقه بشر می چشاند.

روشن است که گروه ها و افرادی که در این فرایند مقدس و سرنوشت ساز مشارکت می نمایند و با نقش آفرینی خود، بستر تحقق این پدیده مقدس را مهیا می کنند، باید دارای شاخصه های انحصاری و شخصیت بزرگ و صفات عالی باشند تا براساس قانون سنخیت، شایستگی این همراهی و این نقش آفرینی را داشته باشند. براساس داده های روایی که در منابع حدیثی اهل سنت و شیعه در میان نقش آفرینان این رخداد نقش ایران و ایرانیان، نقشی پررنگ و تأثیرگذاری بوده؛ به طوری که امیرمؤمنان علیه السلام شروع این حرکت و سرآغاز این تحول عظیم را از مشرق می داند:

میدؤه من قبل المشرق. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۳، ص ۳۰۴)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در این باره می فرماید:

يُخْرِجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْني سُلْطَانَهُ. (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۱۳۶۸)

در این روایت رسول اسلام صلی الله علیه و آله به نقش پررنگ مشرق زمینیان که اهل ایران باشند، اشاره کرده و آن ها را مفتخر به لقب زمینه سازان ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می کند. انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری، نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی بود و در سطح جهان و در ابعادی گوناگون پیام خود را طنین انداز ساخت. چنانچه مقام رهبری در این باره می فرماید:

با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و همچنین مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل در عالم به وجود آمد. تأثیرات این عصر جدید روی ملت ها و دولت های ضعیف و نیز روی دولت های قوی و ملت ابرقدرت ها محسوس است و حتی نقشه سیاسی دنیا عوض شده است. این عصر و این دوران جدید

را باید دوران امام خمینی رحمته الله علیه نامید.

از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، پدیده ظهور، یک رخداد فوق العاده و بی نظیر تاریخ بشریت به شمار می رود؛ ولی هرگز یک پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست؛ بلکه رخداد ظهور برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه جانبه دین اسلام و برای سامان دادن به اوضاع زندگی بشری است. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، مقدمات و بسترهای خاص خود را می طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است. اگر نهضت و انقلابی از نظر مکتب و ایدئولوژی دارای حد اعلای توانایی باشد، ولی از نظر نیروی اجرایی و پذیرش های اجتماعی کامل نباشد، طبیعی است که نهضتی موقت است و به نتیجه عمیق نمی رسد. (صدر، ۱۳۸۴: ص ۶۴)

تحولات جاری در عرصه بین الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج وسیع اسلام خواهی و بیداری اسلامی در جهان به ویژه دنیای غرب، مؤید این واقعیت است که امام خمینی رحمته الله علیه با هدایت و رهبری بزرگ ترین انقلاب مردمی، در واقع آغازگر کوششی در راستای زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

امام خمینی رحمته الله علیه در پیامی، ارتباط بنیادین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین بیان می کند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ص ۳۲۷)

امام خمینی رحمته الله علیه، هموارکردن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان را وظیفه خویش دانسته و در پیامی می نویسد:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هموار می کنیم. «(همان: ص ۳۴۵)

طرح جهانی انقلاب اسلامی و حمایت از تمام مستضعفان جهان، نشانه ای از حرکت در

راستای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امیدواریم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی شود و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. (همان: ج ۱۶، ص ۱۳۱)

شاید مهم‌ترین بخش از نظام معنایی دینی و مهدوی که در انقلاب اسلامی مطرح شد، لزوم تشکیل حکومت دینی، چارچوب‌های آن و ولایت فقیه است. این بخش از نظام معنایی که در همان آغاز انقلاب، وسایل انتقال خود را از راه‌هایی چون رفتارندم جمهوری اسلامی و غیره تولید کرد، به دلیل نقش محوری، بالندگی و اهمیتی که در نظام معنایی داشت، دیگر اجزا را نیز بر محور خود سامان داد و معناهای موردنیاز را آفرید. طرح مسئله زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور در چارچوب حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه و نیابت عام از امام غائب که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد، قابل درک است. حکومتی که اصالت و مشروعیت خود را از فرهنگ انتظار و امام غائب می‌گیرد و به نوعی طفیلی آن حکومت است، باید شکل آرمانی خود را در افق فرهنگ انتظار و جامعه موعود آخرالزمانی ببیند، ناگزیر به آن متعهد باشد و برای تحقق آن جامعه آرمانی بکوشد. (پرهیزکار، ۱۳۹۳: ص ۱۷۰)

قسمت دوم: ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در بیداری مردم منطقه و جهان

از حدود یک قرن پیش، سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و... منادی بازگشت به اسلام و استقلال از غرب و شرق بودند و جنبش‌هایی برای تحقق این هدف شکل گرفت؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای جهان اسلام دارای پیامی بود و آن پیام این بود که بازگشت به اسلام و اتکا به مفاهیم ناب آن، می‌تواند واقعیت پیدا کند. اسلام به عنوان یک دین غنی می‌تواند پاسخگوی تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها باشد. تأثیر عمیق انقلاب اسلامی، باعث شکل‌گیری بیداری اسلامی در جهان اسلام شد و ارزش‌هایی همچون ظلم‌ستیزی، آزادی خواهی، استقلال طلبی، عدالت خواهی و... را به ارزش‌های مسلط در جوامع اسلامی تبدیل کرد. ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در بیداری مردم سایر کشورها را می‌توان در چند مورد برشمرد:

۱. هوشیاری سیاسی و مبارزه با استبداد و استکبار

یکی از شاخصه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، ضدیت و مبارزه با رژیم‌های دیکتاتور و مستبد و ضداسلامی است؛ چرا که اساساً شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سرزمینی بود که یک حاکم مستبد و دیکتاتور بر آن جا حکومت می‌کرد و لذا اشاعه این انقلاب قدرت نرم انقلاب

اسلامی به انقلاب‌های عربی، دلیل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این انقلاب‌هاست. مردم تونس، مصر، لیبی و یمن حاکمانی را سرنگون کردند که ماهیت آن‌ها کاملاً دیکتاتوری و ضداسلامی بود و همگی دست‌نشانده غرب و آمریکا بودند.

«یکی از برجسته‌ترین عملکردهای انقلاب اسلامی، مبارزه با مظهر استکبار، یعنی صهیونیسم است. صهیونیسم، از جنبه توسعه‌طلبی و برتری‌طلبی نژادی، مورد نفرت و مخالفت کشورهای منطقه قرار گرفته بود؛ لیکن پیش از انقلاب اسلامی ایران، بیشتر کشورهای عرب برمبنای ایدئولوژی پان عربیستی، به مقابله با صهیونیسم پرداخته بودند و مسئله فلسطین را یک مسئله ارضی و سرزمینی قلمداد می‌کردند. انقلاب اسلامی توانست نشان دهد که مسئله فلسطین، مسئله‌ای مربوط به کل جهان اسلام است که بایستی همه ملت‌ها با اتکای به آرمان‌های اسلامی و انقلابی خود و در جهت مقابله با ریشه فساد تلاش کنند؛ از این رو امام رحمته‌الله علیه، مسئله را از بُعد ملی و ناسیونالیستی عرب خارج کرد و به آن چهره‌ای اسلامی بخشید. در این راستا ایشان روز قدس را اعلام کرد؛ روزی که در آن مسلمانان علیه ایادی امپریالیسم در منطقه، یعنی صهیونیسم به مخالفت برمی‌خیزند. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی، اسلام را به عنوان دینی جامع و متناسب با شرایط روز و دارای ایدئولوژی سیاسی عرضه کرد و به صدور معنویت به جهانیان، چهره واقعی اسلام ناب محمدی را ارائه کرد. به علاوه با ارائه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، توانست هویت سیاسی و دینی جدیدی براساس ارزش‌های دینی به مسلمانان ببخشد و با زنده‌نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کند.» (درگاهی، ۱۳۸۱: ص ۸۷)

۲. حجاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به حجاب اسلامی در اقصی نقاط جهان افزایش یافت. در کشورهای لبنان و الجزایر، چادر سمبل به عنوان حجاب ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. همچنین زنان فلسطینی گرایش بیشتری به حجاب پیدا کردند و حجاب حتی تا دل اروپا هم نفوذ کرد؛ تاجایی که مخالفت دولت فرانسه و گرایش به حجاب در مدارس فرانسه، منجر به جنگ روسری و منع حجاب در مدارس و اماکن دولتی فرانسه شد. (فضل الله، ۱۳۸۲: ص ۱۲)

دنیای اسلام، از الگوی حجاب اسلامی زنان پس از انقلاب ایران تأثیر بیشتری پذیرفته

است؛ ازجمله لیز مارکوس، از فعالان جنبش‌های زنان در اندونزی، بی‌پرده اعتراف می‌کند که به دلیل اثر مستقیم پخش تصاویر زنان ایرانی در رسانه‌های گروهی کشورش، استقبال از حجاب اسلامی در اندونزی بیشتر شده است؛ به گونه‌ای که به تدریج تقلید از حجاب بانوان ایرانی در آن کشور، به یک مد تبدیل شده و اینک در میان دانشجویان دانشگاه‌ها نیز هواداران بسیاری دارد. همچنین زنان انقلاب اسلامی به عنوان الگویی برای زنان ترک، آنان را به شعاردادن در خیابان‌ها و رعایت پوشش اسلامی واداشته است. پوشش زنان انقلابی و مسلمان ایران در برخی کشورهای خلیج فارس بر لباس، به ویژه روسری، به شکل عمیقی تأثیر گذاشته است. (شیرودی، ۱۳۸۸: ص ۸۵)

۳. تحکیم پیوند دین و سیاست

انقلاب اسلامی، نظریه تنوری پردازان لیبرال را باطل ساخت؛ آنان معتقد بودند که با دین نمی‌توان به اداره حکومت پرداخت و دین به تدریج اهمیت سیاسی و اجتماعی خود را از دست می‌دهد. انقلاب اسلامی به جهانیان آموخت اجتماعاتی که به دین روی می‌آورند، لزوماً همگام با مدرن شدن سکولار نمی‌شوند؛ به همین دلیل، هم در کشورهای پیشرفته و هم در جهان درحال توسعه، تعداد بی‌شماری از مردم دریافتند که می‌توانند با عضویت در گروه‌ها یا جنبش‌های دینی به صورت مؤثرتری هدف‌های مادی و معنوی خود را دنبال کنند. (وایت لیتل و اسمیت، ۱۳۸۱: ص ۶) در دنیای معاصر، جریان‌های اسلامی در میان مهم‌ترین گروه‌های سیاسی جهان قرار دارند. این جریان‌های مذهبی، بر این باورند که میان سیاست و مذهب، ارتباط تنگاتنگی برقرار است.

امام خمینی رحمته‌الله علیه با طرد نگاه حداقلی به دین، قلمرو آن را گسترده و جامع معرفی کرد؛ یعنی دینی یکپارچه با سیاست الهی که سکولاریزم در آن جایگاهی ندارد. حوزه قدسی از حوزه عرفی جدایی‌ناپذیر است و معنویت‌گرایی، تهذیب نفس و سلوک عرفانی، مغایر با حضور در متن سیاست و اجتماع نیست.

امام خمینی رحمته‌الله علیه از همان روزهای نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظریه جهان‌گرایی انقلاب اسلامی را به عنوان عالی‌ترین و گسترده‌ترین مظهر پیوند دین و دولت مطرح ساخت. وی براساس آموزه‌های دینی معتقد بود که سرانجام با اراده مستضعفان، رهبری جهان را به دست خواهیم آورد و حتی نوید می‌داد که وعده خداوند به زودی تحقق خواهد

یافت و محرومان، جایگزین ثروتمندان خواهند شد. (کیلی و مارفلیت، ۱۳۸۰: ص ۱۲۳)

۴. وحدت اسلامی

وحدت اسلامی از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که هر مسلمان آزاده از صدر اسلام تاکنون آن را فریاد زده است. پیامبر و دیگر پیشوایان الهی، هیچ‌گاه از مسئله وحدت غافل نبودند و آن را رمز موفقیت و سعادت جامعه اسلامی می‌دانستند. براساس این آموزه‌های سعادت‌بخش، گفتمان انقلاب اسلامی به مسئله وحدت در جهان اسلام، اهمیت زیادی می‌دهد. بعد از پیروزی انقلاب ایران، امام خمینی رحمته الله علیه وحدت اسلامی را به عنوان شعاری راهبردی برگرفته از عمق باورهای قانون اساسی مطرح ساخت. به علاوه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پیروان مذاهب اسلامی از آزادی کاملی در پایبندی به اعتقادات خویش برخوردار شدند؛ تا آن‌جا که پیروان دیگر مذاهب، حق دارند به دادگاه‌هایی مراجعه کنند که براساس دیدگاه آنان حکم می‌کنند.

۵. احیای فرهنگ جهاد و شهادت طلبی

«پس از انقلاب اسلامی، شهادت مفهوم واقعی خودش را در میان ملل مسلمان باز یافت. جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد، شهادت و ایثار جان را به عنوان اصول اساسی پذیرفته‌اند. این اصول که سمبل حرکت‌های انقلابی شیعیان و شعار انقلاب اسلامی بود، اکنون به عنوان اصل اساسی مبارزات این جنبش‌ها پذیرفته شده و به صورت تکلیف و فریضه اسلامی در آمده است. سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در دیدار با امام خمینی رحمته الله علیه در خطاب به ایشان گفت که با ظهور انقلاب شما، ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش راه جهاد و مبارزه است.» (جعفریان، ۱۳۷۸: ص ۲۳۸)

۶. مردم‌گرایی

«مردمی بودن به عنوان یکی از ویژگی‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی راه یافته است. این جنبش‌ها و گروه‌ها دریافته‌اند که اسلام، توانایی بسیج توده‌های مردم را دارد. براین اساس، آن‌ها با اتکا به مردم به جای اتکا به قشر روشن فکر، پایگاه مردمی خویش را گسترش داده‌اند.» (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۶)

«انقلاب اسلامی، اندیشه کار مردمی و استفاده از توده‌های مردم را به عنوان هدیه‌ای گرانبها به تجارب دعوت اسلامی در جهان اسلام ارزانی داشت. گرایش به اندیشه کار مردمی،

جنبش های اسلامی را به سوی وحدت طلبی مذهبی و قومی سوق داده است. این امر، جنبش های اسلامی - سیاسی را از اختلاف و تفرقه دور کرده و آن ها را از تشکیلات قوی تر، امکانات وسیع تر، حمایت گسترده تر و پایداری بیشتر بهره مند ساخته است.» (دهکردی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۹)

۷. عدالت طلبی و ظلم ستیزی

«انقلاب اسلامی درصدد برقراری عدالت در سطح بین المللی است. تحقق این عدالت، تنها از طریق استقرار نظام جهانی مبتنی بر آموزه های اسلامی امکان پذیر است. به علاوه مطابق ایدئولوژی اسلامی، گستره عدالت گرایی و دادگستری به قلمرو ایران و حتی جهان اسلام محدود و محصور نمی گردد؛ بلکه سراسر جهان را در بر می گیرد. از این رو می توان گفت فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، «استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی» است. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی، هر چند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومان را سرلوحه برنامه های خود قرار ندهد، غیر اسلامی و منافقانه است. تعقیب سیاست های عدالت جویانه در محیط منطقه ای خاورمیانه و شمال آفریقا که کشورهای حاضر در آن، همواره تحت سیاست های سلطه جویانه و ناعدالانه قدرت های بزرگ قرار داشته اند، زمینه های لازم را برای گسترش جذابیت و تعمیق نفوذ منطقه ای ایران فراهم می نماید و در پرتو آن، شاخص های قدرت نرم ایران همچون اعتماد و وفاداری بازتولید می شوند.» (ابوالفتحی و پیرمحمدی، ۱۳۹۳: ص ۴۶)

۸. دفاع از آرمان فلسطین

انقلاب اسلامی ایران، زمانی به پیروزی رسید که پیمان ننگین کمپ دیوید با تلاش آمریکا بین رژیم اشغالگر قدس و سران خائن فلسطین به امضا رسید و استعمارگران غربی تصور می کردند که به زودی سایر کشورهای اسلامی را نیز تحت نفوذ خویش در می آورند و آنان را نیز در اختیار می گیرند؛ اما وقوع انقلاب اسلامی، همه معادلات آنان را بر هم زد و با هدایت روشنگری و موضع گیری قاطعانه امام، شیوه مبارزه با اسرائیل، شکل دیگری به خود گرفت. به فرمان امام خمینی علیه السلام، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، «روز جهانی قدس» اعلام شد و سفارتخانه اسرائیل در تهران تعطیل و به سفارت فلسطین تبدیل گردید. همچنین

بیت المقدس به عنوان مکان مقدس مسلمانان و سایر ادیان آسمانی مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران، به مبارزان و مردم فلسطین اعتماد به نفس بخشید و پشتیبانی و حمایت از انتفاضه و آرمان مقدس فلسطین را سرلوحه برنامه های خویش قرار داد. همچنین جهانیان را به یاری و کمک های سیاسی مادی و معنوی مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین دعوت کرد و به رهبران مبارز فلسطینی در رویارویی با اسرائیل اشغالگر، دلگرمی و روحیه تازه ای بخشید.

۹. گسترش فرهنگ انتظار

اندیشه مهدی باوری و فرهنگ انتظار در طول تاریخ خود، دوره های پر فراز و نشیبی را پشت سر نهاده است که هر یک از آن ها، بخشی از روند تکامل تاریخی این فرهنگ را تشکیل می دهند. در هر دوره ای، بسته به شرایط و موقعیت های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان اسلام، بُعد یا ابعاد از فرهنگ انتظار، رشد و تعالی یافته است.

تا پیش از انقلاب اسلامی، برداشت منفعلانه و انزواگرایانه از مفهوم انتظار، یکی از عوامل رکود و انفعال و انزواگرایی سیاسی شیعیان بود. انتظار منفی و تعطیلی حکومت مشروع، مدتی طولانی بر اندیشه اندیشور شیعه چیره گشته بود. به نظر می رسد که تجربه تاریخی این نگاه، شیعه را به این ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد؛ حکومت امام معصومی و حکومت امیر ستمگر که نمی تواند مشروع باشد.

نگاه سطحی و عاطفی به آموزه مهدویت، رویکرد غالب در این دوران است. رهیافت نقل گرایانه محض و احساسی از آموزه مهدویت، سبب می شود که با نقلیات و روایات تاریخی «متهافت» و «متناقض» از مهدویت روبه رو شویم که اساساً تحلیل عقلانی درباره آن دیده نمی شود. این خود عاملی می شود تا به عمق اندیشه مهدوی نظر نداشته باشیم. عوامل تاریخی خاص، از جمله مهجوریت و مغلوبیت سیاسی - اجتماعی در قرون متمادی، عاملی شد تا شیعیان رویکردی عاطفی به آموزه مهدویت داشته باشند؛ در نتیجه از کانون اندیشه مهدویت کمترین بهره برداری معرفتی - معنوی انجام شد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آرمان های مهدوی سبب شد چارچوب های نظری و سنتی و همچنین رهیافت توصیفی و گزارش گونه از آموزه مهدویت دگرگون شود تا این آموزه، بیش از پیش در متن زندگی مردم وارد شود. آموزه مهدویت و فرهنگ سیاسی برآمده از آن، نقش مهمی

در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده است. به یقین، تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت، از یک مسئله فرعی به عنصری سیاسی - حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ هویتی که آدمی را به هدفی مقدس در جهت پیگیری آرمان‌های بلندش فرا می‌خواند. آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می‌سازد، بلکه رفتارها، کنش‌ها و هنجارهای جدیدی را پدید می‌آورد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال‌ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در یک کلمه، درج‌زدن به امید برآمدن دستی از غیب مرادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت. این بار انتظار نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. انقلاب اسلامی تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی‌عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان مشروع را به دنبال داشته است. امام خمینی علیه السلام، حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی مدرن می‌داند و انتظار ظهور حجت را استمرار اقتدار اسلام تبیین می‌کند. او می‌گوید:

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ج ۱۸، ص ۳۷۴)

انقلاب اسلامی باعث برانگیخته شدن شیعیانی شد که در جایگاه بخش خاموش جوامع مسلمان تا آن زمان، هیچ‌گونه الگوپذیری از آموزه مهدویت در سرنوشت خود و در ساختار سیاسی کشورهای خود نیاموخته بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، روح درهم شکسته و خسته شیعیان در مناطق مختلف جهان زنده شد و روحیه امید در کالبد آنان دمیده شد. پس از انقلاب، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان تقویت شد و آنان جرئت و شجاعت خود را بازیافتند. پیروزی انقلاب اسلامی به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی موعود به انتظار نشست؛ بلکه باید به انتظار ایستاد؛ به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار و آموزه مهدویت بوده و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ص ۹۸)

آموزه مهدویت از دیدگاه بنیان‌گذار انقلاب، فراتر از یک مسئله کلامی، اصلی است که در موضع‌گیری و اقدام یک مسلمان نقش اساسی ایفا می‌کند. غایت حاکمیت امامان معصوم، عدالت در جامعه بوده است؛ پس اگر انتظار به تحول خواهی و انقلاب‌زایی تفسیر شود، هر حرکت و تحوّل مطلوب نیست؛ بلکه تحول و تحرکی مطلوب است که زمینه‌ساز ظهور حجت الهی باشد. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرمودند:

ما تکلیف داریم. آقا این طور نیست حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان تسبیح را دست بگیریم و بگوئیم عجل علی فرجه. عجل با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۸، ص ۲۶۹)

۱۰. صدور انقلاب اسلامی در مقیاس جهانی

یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه که نشانگر ماهیت جهانی نظام جمهوری اسلامی است، بحث صدور انقلاب اسلامی است. صدور انقلاب و جهانی شدن آن، ریشه در ماهیت انقلاب دارد. اولین و مهم‌ترین ویژگی انقلاب که موجب صدور آن گردیده، اسلامی بودن انقلاب است. اسلام اختصاص به ایران ندارد، محدود به قلمرو جغرافیایی خاصی نیست و مخاطبین آن مسلمانان و مستضعفین سراسر جهان هستند؛ از این رو است که ارزش‌های این انقلاب می‌تواند سایر جوامع و کشورها، مخصوصاً مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد.

هدف اساسی از طرح اصلی صدور انقلاب، این بوده که ملت‌های محروم و مستضعف، مخصوصاً جهان اسلام و کشورهای اسلامی، از آموزه‌های الهی انقلاب اسلامی بهره‌جسته و به سلطه دیکتاتورهای امپریالیسم و استکبار پایان دهند؛ لذا نظام اسلامی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و پایه صدور انقلاب خود را بر این اصل استوار ساخت که با الگوسازی و آموزش و تبلیغ بدون دخالت در امور داخلی سایر کشورها و جوامع، زمینه خودجوش خیزش و حرکت ملت‌های مسلمان را فراهم آورد.

دشمنان انقلاب ایران تلاش بسیار کرده‌اند تا چهره‌ای منفی از مفهوم صدور انقلاب نشان داده و آن را نوعی دخالت نظامی ایران و حمایت تسلیحاتی از نهضت‌های اسلامی و آزادی بخش جلوه دهند.

امام خمینی رحمته الله علیه در مقام تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب اسلامی تصریح می‌کند:

ما که می‌گوئیم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک هم‌چون چیزی را نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم؛ اما آن چیزی که ما می‌توانیم این است که به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، یعنی همین صداوسیما، مطبوعات و گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست، معرفی می‌کنیم. اگر آن طوری که هست، معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ج ۱۸، ص ۲۴۳).

ایشان در خصوص صدور انقلاب می‌فرمایند:

ما می‌خواهیم این انقلابمان، انقلاب فرهنگی‌مان و انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم و این انقلاب هر جا صادر بشود، مشکل حل می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۴، ص ۳۰۷)

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) درباره معنای کلام امام رحمته الله علیه که فرموده بودند: «ما

انقلابمان را به همه عالم صادر خواهیم کرد»، چنین بیان می‌دارند:

چقدر تبلیغات جهانی این جمله امام عزیز و فقیدها را کوبیدند که فرموده بودند ما انقلابمان را به همه عالم صادر خواهیم کرد. صدور انقلاب، به معنای این نبود که ما برمی‌خیزیم و با قوت و قدرت به این طرف و آن طرف می‌رویم و جنگ به راه می‌اندازیم و مردم را به شورش و انقلاب وادار می‌کنیم. مقصود امام، به هیچ وجه این نبود. این کار جزو سیاست و اصول ما نیست؛ بلکه مردود است. آن‌ها این جمله را این گونه معنا کردند و آن را کوبیدند.

ایشان صدور انقلاب را به معنای صدور فرهنگ اسلام تعبیر نموده و فرمودند:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سردمداران تبلیغات جهانی روی اشاعه فرهنگ انقلابی اسلام جنجال راه انداختند و آن را به عنوان صدور انقلاب با معنای غلطی که از صدور انقلاب می‌کردند، مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند. همه رسانه‌ها در سرتاسر عالم، روی این نکته و کلمه تکیه می‌کنند که جمهوری اسلامی در صدد صدور انقلاب است! خبثات آن‌ها در این جاست که صدور انقلاب را به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد درگیری در گوشه و کنار عالم و از این قبیل کارها معرفی می‌کنند! که این هم مثل بقیه خبثات‌های تبلیغاتی دنیای غرب، یک ترفند رذیلانه است. صدور انقلاب، یعنی صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام، صدور صفا، خلوص، تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این، راه انبیاست و ما باید این راه را ادامه دهیم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۷)

ایشان همچنین درباره معنای صحیح صدور انقلاب می‌فرمایند:

چرا ما باید از صادر کردن توحید، اخلاق انبیا، روح فداکاری، اخلاص و تزکیه اخلاقی به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟ چرا باید شرم کنیم از این که غیرت و حمیت صحیح و ایستادگی در مقابل قدرت‌های باطل را به صورت درس علمی به ملت‌های دیگر ارائه و تعلیم بدهیم؟ ملت‌ها باور نمی‌کنند که بشود با عوامل مزدوران قدرت‌های استکباری در افتاد. ما در افتادیم و پیروز هم شدیم. چرا این عمل و تجربه خودمان را در اختیار افکار عمومی ملت‌ها نگذاریم؟ صدور انقلاب به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، ملت ایران و آن شخصیت عظیم و عالی قدری که دنیا را در مقابل عظمت خودش کوچک و خاضع کرد، نشان دادند که همه قدرت‌های عالم برای مقابله با چنین عزم و اراده معظم و بودلایینی که اسلامی است و متعلق به عموم ملت است، کوچک هستند. (همان: ص ۲۴۴-۲۴۷)

نتیجه‌گیری

ظهور، رخدادی بسیار عظیم و سرنوشت‌ساز است که تاریخ بشریت را متأثر و متحول خواهد کرد و زندگی اجتماعی بشر را در همه ابعاد، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در این عرصه، افراد و گروه‌هایی که با نقش‌آفرینی خود بستر تحقق این پدیده مقدس را مهیا می‌کنند، باید دارای شاخصه‌های انحصاری و برجسته باشند.

در پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدیم که انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری، نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی بود و در سطح جهان و در ابعادی گوناگون، پیام خود را طنین‌انداز ساخت و تأثیرات این نهضت بر بیداری جهانی و زمینه‌سازی ظهور، محسوس است.

این انقلاب با رهبری امام خمینی علیه السلام، موجب پیدایش نظامی سیاسی منطبق بر جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی شد. پایه‌های اساسی این انقلاب، آگاهی و ایمان مردم به رهبری، پیشگامان متقیان و نخبگان بود.

انقلابی که برگرفته از یک اندیشه جامع بوده و به قوم یا محدوده جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شود و از این رو ارزش‌های این انقلاب می‌تواند سایر جوامع و کشورها مخصوصاً مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد.

این انقلاب با رد اهداف مادی غرب و ارائه اهداف متعالی معنوی و انتقاد به الگوهای

غربی، هدف این جنبش‌ها را از تشکیل جامعه اسلامی، به سمت درخواست حکومت اسلامی در سرتاسر جهان سوق داد.

یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی که نشانگر ماهیت جهانی نظام جمهوری اسلامی می‌باشد، مسئله صدور انقلاب اسلامی است. هدف اساسی از طرح صدور انقلاب این بود که ملت‌های محروم و مستضعف، مخصوصاً جهان اسلام و کشورهای اسلامی، از آموزه‌های الهی انقلاب اسلامی بهره‌جسته و به سلطه دیکتاتورها، امپریالیسم و استکبار پایان دهند؛ بنابراین نظام اسلامی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و پایه صدور انقلاب خود را بر این اصل استوار ساخت که با الگوسازی و آموزش و تبلیغ بدون دخالت در امور داخلی سایر کشورها و جوامع، زمینه خودجوش خیزش و حرکت ملت‌های مسلمان را فراهم آورد. از این رو بسیاری از ملت‌های مسلمان با الگوگیری از این انقلاب، متناسب با شرایط جوامع خود نسبت به بهره‌گیری از مؤلفه‌های به‌کار گرفته شده در آن پرداختند.

منابع

- _ ابن ماجه، محمد (۱۴۱۸ق)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقي، بیروت: دارالجيل.
- _ ابوالفتحی، محمد؛ پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۳)، «تأثیر مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بر گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه»، فصل‌نامه سیاست دفاعی، شماره ۸۶.
- _ اخوان کاظمی، مسعود؛ شکرانه ارزنقی، امید (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه»، فصل‌نامه پژوهش ملل، شماره ۶۱.
- _ اکبری، مهناز (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی»، فصل‌نامه حقوق ملل، شماره ۸.
- _ انصاری، غلام مرتضی (۱۳۹۷)، نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری ملت‌ها و عکس‌العمل استکبار جهانی در مقابله با آن، همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- _ آقابخشی، علی (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر تندر.
- _ بریان، وایت؛ لیتل، ریچارد؛ اسمیت، میشل (۱۳۸۱)، دین در جهان، ترجمه: منیژه جلالی، روزنامه همشهری.

- __ بیژن، عارف (۱۳۹۵)، «نقش اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، فصل‌نامه سیاست، سال سوم، شماره ۱۲.
- __ پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۹۳)، *انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- __ جامعه مدرسین قم (۱۴۳۳ق)، *ویژه‌نامه تبلیغ (بیداری اسلامی)*، شماره ۱۴.
- __ جعفریان، رسول (۱۳۷۸)، *مقالات تاریخی*، قم: الهادی.
- __ جمالی، جواد؛ شفیع‌پور، ابراهیم (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳.
- __ جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*، قم: دفتر نشر معارف.
- __ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احدی، سیدعباس (۱۳۸۸)، «تبیین ژئوپلیتیکی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سیاسی شدن شیعیان جهان»، فصل‌نامه شیعه‌شناسی، شماره ۲۵.
- __ حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، *حدیث ولایت* «مجموعه بیانات و پیام‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)»، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- __ حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۸)، *چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- __ درگاهی، علی عمران (۱۳۸۱)، *انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان*، تهران: نیروی مقاومت بسیج.
- __ دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- __ دهکردی، حسین (۱۳۸۰)، «انتفاضه فلسطین مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر»، فصل‌نامه علوم سیاسی، شماره ۱۴.
- __ زنگانه، عزیزه (۱۳۹۷)، *انقلاب اسلامی ایران صدور افکار انقلابی و بیداری اسلامی جهانی*، همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- __ زنگانه، عزیزه (۱۳۹۷)، *نقش انقلاب اسلامی ایران در ظهور بیداری اسلامی*، همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- __ سیمبر، رضا؛ موسوی، سید نظام‌الدین؛ قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی

- ایران بر خیزش‌های مردمی در جهان عرب»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۱.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی تأثیرگذاری و نمونه‌ها»، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶.
- صابری، محمد مهدی (۱۳۹۷)، «بررسی نقش الگویی انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، نشریه گفتمان اندیشه، شماره ۱.
- صدر، محمد باقر (۱۳۸۴)، انقلاب مهدی و پندارها، ترجمه: سیداحمد علم‌الهدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صوفی نیارکی، تقی (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی هویت تمدنی و چالش‌های پیش رو، تهران: انتشارات نهضت نرم‌افزاری.
- عرفان، امیرمحسن (۱۳۸۹)، «نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت»، نشریه انتظار موعود، شماره ۳۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، العین، قم: نشر اسوه.
- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۳۸۲)، «منع استفاده از حجاب در مدارس فرانسه»، ترجمه: محمد جمعه امینی، مجله نگاه حوزه، شماره ۱۲.
- فهیمی، علی مدد (۱۳۹۷)، نقش انقلاب اسلامی ایران در گسترش فرهنگ انتظار، همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران.
- کیلی، ری؛ مارفیلت، فیل (۱۳۸۰)، جهانی‌شدن و جهان سوم، ترجمه: حسن نورائی بیدخت و محمد علی شیخ‌علیان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۰)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه.
- نعمانی، محمد (۱۳۹۷ق)، الغیة، تهران، نشر صدوق.
- الهی‌نژاد، حسین (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل نقش ایرانیان در تحولات فرجام جامعه بشریت؛

با تأکید بر مسئله ظهور و قیام»، فصل نامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۵).

_ یزدان پناه، مهدی (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات با موضوع بیداری اسلامی، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی وزارت علوم.



Islamophobia and its relationship with global developments with awaiting approach

Ali asghar Shaban dokht Zarmi ¹

Abstract

one of the most critical crises and fundamental challenges facing Islam in today's world, filled with tools and resources, is Islamophobia and the creation of an atmosphere of fear and terror among people worldwide regarding Islam. This crisis—alongside the global mission of Islam and its objectives for all people, as well as the duty that every Muslim bears toward the religion of God and the light of life on Earth—necessitates not only avoiding indifference but also developing comprehensive and effective strategies.

This article employs a descriptive-analytical library research method to examine the main factors and programs of Islamophobia and then presents the most practical and efficient solutions and operational strategies to counter them. The identified solutions and strategies in this study include:

- Effective use of art and media tools;
- Development of tourism;
- Training human resources;
- Efficiency of the religious system.

Furthermore, the most significant anticipated global developments in response to the Islamophobic onslaught, aligned with these strategies, are highlighted. These include:

- Greater convergence among fragmented groups;
- Moving toward harmonizing diverse systems;
- Engaging the perspectives of other nations and schools of thought.

Keywords: Islamophobia, Solutions and Strategies, Anticipated Global Developments

1. Level 4 scholar of Mahdavit, Moawud Specialized Center. (shabandokht1995@gmail.com)

اسلام هراسی و نسبت آن با تحولات جهانی با رویکرد انتظار

علی اصغر شعبان دخت زارمی^۱

چکیده

یکی از مهم ترین بحران ها و مشکلات اساسی بر سر راه اسلام در دنیای پر از ابزار و امکانات امروز، اسلام هراسی و ایجاد فضای رعب و وحشت در میان مردم دنیا نسبت به اسلام است. این بحران - در کنار رسالت جهانی دین اسلام و هدف گذاری آن نسبت به تمامی مردم دنیا و همچنین وظیفه ای که تک تک مسلمانان در برابر دین خدا و نور زندگی در زمین دارند - ایجاب می کند نسبت به آن نه تنها بی تفاوت نبود، بلکه برنامه ریزی جامع و کارآمدی نیز داشت. در این مقاله تلاش شده با روش توصیفی - تحلیلی کتابخانه ای، پس از بررسی عوامل و برنامه های اصلی اسلام هراسی، به ارائه مهم ترین راهکارها و راهبردهای عملیاتی و کارآمد در برابر آن ها پرداخته شود. مجموعه راهکارها و راهبردهای یافت شده در این جستار، عبارتند از: استفاده کارآمد از ابزار هنر و رسانه؛ توسعه گردشگری؛ تربیت نیرو؛ و کارآمدی نظام دینی. در ادامه، به مهم ترین تحولات جهانی منتظرانه، در برابر هجوم اسلام هراسانه و همسو با راهبردها اشاره خواهد شد که عبارتند از: همگرایی بیش از پیش گروه های پراکنده، حرکت به سوی هم صدایی نظام های گوناگون و به میدان کشاندن افکار سایر ملت ها و نحلّه ها.

واژگان کلیدی

اسلام هراسی، راهکارها و راهبردها، تحولات جهانی منتظرانه.

مقدمه

طبق جستجویی که صورت پذیرفت، مقالات زیر در موضوع اسلام هراسی یافت شد:
مقاله «اسلام هراسی و راهکارهای رسانه ای مواجهه با آن»، نوشته احسان آذرکمند.
مقاله «بررسی پدیده اسلام هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن»، نوشته مسعود اقبالی و فاطمه جعفری.

۱. دانش پژوه سطح ۴ مهدویت مرکز تخصصی موعود قم، ایران (shabandokht1995@gmail.com).

تاریخ دریافت: ؛ تاریخ پذیرش:

مقاله «عملیات روانی با تأکید بر اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی در رسانه‌های برجسته غرب»، نوشته بهنام رضاقلی‌زاده.

مقاله «اسلام‌هراسی در غرب و راهبرد مواجهه با آن»، نوشته حسن رضایی. چنان‌که از موضوع مقالات مورد اشاره مشخص است، رویکرد پردازشی و پژوهشی آن‌ها، اصل اسلام‌هراسی به عنوان یک مانع بر سر راه پایایی و پویایی اسلام است. در کنار این دغدغه شایسته است به نقش این مانع در برابر نقطه اوج و امیدآفرین اسلام، یعنی روزگار رهایی و جامعه موعود نیز پرداخته شود که در هیچ یک از مقالات فوق به آن اشاره و پرداختی صورت نپذیرفته؛ بنابراین در این مقاله تلاش شد، این بخش از مانع‌تراشی جبهه کفر در برابر آرمان جبهه حق، مورد پردازش و نگاه ویژه قرار گیرد.

مقدمه

پدیده شوم اسلام‌هراسی، تاریخی به درازای پیدایش اسلام دارد. از همان زمان که پیامبر خاتم صدا به توحید و دعوت به سوی حق را آغاز نمود، موج ویرانگر فتنه‌ها به سوی آن حضرت آغاز شد. فتنه‌هایی که تمامی ابعاد زندگی پیامبر و یاران همراه ایشان را نشانه گرفته بود. از شکنجه و آزار گرفته تا تحریم اقتصادی تا جنگ‌افروزی و خونریزی تا انواع تبلیغ‌ها و تهمت‌ها؛ برنامه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بودند که جبهه باطل شامل: مشرکان، یهودیان و مسیحیان و منافقان برای به نابودی کشاندن حرکت تازه آغاز شده به کار بستند و تلاش گسترده‌ای برای به بار نشستن آن‌ها از خود نشان دادند.

همان‌گونه که اشاره شد، بخش مهمی از این سیاست‌گذاری‌ها را حرکت نرم‌افزاری شکل می‌داد که در عنوان «اسلام‌هراسی» خلاصه می‌شود. بر این اساس، اسلام‌هراسی به مجموعه‌ای از تلاش‌ها و رفتارهای جبهه باطل اطلاق می‌شود که ذهن و روح مخاطبان غیرمسلمان را هدف گرفته و به دنبال ایجاد فضای رعب و وحشت نسبت به دین آسمانی اسلام و فاصله گرفتن سایرین از آن است.

پدیده اسلام‌هراسی، حاکی از نوعی تصویر بدبینانه و نفرت‌انگیز از اسلام و مسلمانان است که به بروز رفتارهای تبعیض‌آمیز و آزاردهنده علیه آن‌ها منجر می‌شود. اگرچه این پدیده در گذشته‌های دور ریشه دارد، با گذشت زمان و به خصوص طی سده‌های اخیر با مسائل و موضوعات تازه‌ای همراه شده است. طی سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مصادیق

اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در جهان غرب، افزایش محسوسی داشته است. بسیاری از فعالان سیاسی و رسانه‌های غربی از حملات ۱۱ سپتامبر به مثابه ابزاری برای ترویج اسلام‌هراسی استفاده کردند. به عنوان نمونه:

فراخوان تری جونز، کشیش کلیسای کوچکی در ایالت فلوریدا، برای برگزاری مراسم قرآن‌سوزی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ - مصادف با نهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر - یکی از جلوه‌های تازه این پدیده است. این کشیش - که انگیزه خود را از این اقدام و اقدامات مشابه، فرصت دادن به مسلمانان برای بازگشت از دین خود اعلام کرده بود - نهایتاً در ۲۰ مارس ۲۰۱۱ به تهدید خود، جامه عمل پوشاند و اعتراض‌های وسیعی در جهان اسلام را در پی داشت. به خشونت کشیده شدن برخی از فعالیت‌های اعتراضی، عواقبی از جمله به آتش کشیده شدن مقر سازمان ملل در مزار شریف افغانستان و قتل دوازده نفر از کارکنان آن را در پی داشت. در حال حاضر، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تبدیل به نمادی برای برخی گروه‌های تندرو ضد اسلامی شده است. (آذرکمند، ۱۳۹۵: ص. ۳۰)

با ظهور اسلام و گسترش آن به اطراف و اکناف، جنگ‌های صلیبی تشدید شد. این جنگ‌ها تنها معطوف به بعد نظامی، انسانی و اقتصادی نبود؛ بلکه بنیان‌های ستیز میان جهان غرب و اسلام را نهادینه کرد. در تصویری که غرب مسیحی از پیامبر اسلام ترسیم کرد، حضرت محمد ﷺ دشمن و مخالف حضرت عیسی معرفی و صفات دروغینی - همچون افسونگر - به ایشان منتسب شد. شکست فاجعه‌بار اروپائیان در مقابل مسلمانان سبب شد که آن‌ها حتی به تحریف نام حضرت محمد ﷺ دست بزنند و از او به نام «مخوند» [= اهریمن مجسم، پیامبر دروغین] نام ببرند. روند ستیز غرب و اسلام در قرون بعدی نیز ادامه یافت و گفتمان اندیشمندان غربی مانند «دانته»، «مونتسکیو»، «هگل»، «توماس مور»، «مارتین لوتر»، «ولتر» و «دیدرو» به اسلام‌هراسی دامن زد. این متفکران غربی، با تحریف تاریخ، پیامبر اسلام ﷺ را با صفات نکوهیده‌ای مانند فریبکار، چپاولگر، دجال (ضد مسیح) و ضد کتاب مقدس مسیحیان ترسیم کردند و شرق و اسلام را بدون تاریخ، اسیر خرافه و سنت و پر از امیال وحشیانه طبیعی نامیدند. (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: شماره ۶۶)

در ادامه، در دو عنوان کلی: الف. عوامل اسلام‌هراسی؛ ب. برنامه‌های اسلام‌هراسانه، به بررسی این پدیده شوم در طول تاریخ اسلام می‌پردازیم و در ادامه به راهبردها و راهکارهای مقابله با آن اشاره می‌نمائیم.

عوامل اسلام‌هراسی

یکی از منابع مهمی که می‌تواند ما را با عوامل اسلام‌هراسی آشنا کند گزارشی است با عنوان: «اسلام‌هراسی؛ چالشی علیه همه ما» که توسط کمیسیون مسلمانان بریتانیا و اسلام‌هراسی تنظیم شده است. کمیونی که در سال ۱۹۹۶ مؤسسه رانیمید تراست تأسیس کرده بود. در این گزارش، هشت برداشت درباره اسلام‌هراسی معرفی شده است:

۱. تمدن اسلامی بلوکی است یکپارچه، ایستا و بدون انعطاف در برابر تغییرات؛
 ۲. تمدن اسلامی جزئی مجزا است که عاری از ارزش‌های مشترک با فرهنگ‌های دیگر است، به نحوی که از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرد و در آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد؛
 ۳. تمدن اسلامی تمدنی است فرودست در برابر تمدن غرب و حاوی بربریسیم، بدویّت و جنسیت‌گرایی؛
 ۴. تمدن اسلامی تمدنی است خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده و حامی تروریسم که خود را در رویارویی تمدنی درگیر کرده است؛
 ۵. اسلام، نوعی راهبرد سیاسی است که از آن برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود؛
 ۶. انتقادهای مسلمانان از غرب، کهنه و منسوخ است؛
 ۷. دشمنی با اسلام، توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان و طرد آنان از جامعه است؛
 ۸. دشمنی با اسلام، امری عادی و متعارف است. (کاتبی، ۱۳۸۹: ص. ۱۰۳-۱۲۲)
- عوامل گوناگونی برای شکل‌گیری اسلام‌هراسی برشمرده شده است. در این میان، برخی به این عوامل اشاره دارند:

۱. ترس از گسترش اسلام در طول تاریخ؛
 ۲. جهل نسبت به اسلام؛
 ۳. تعارض و اختلاف در مبانی فکری و معرفتی میان اسلام و غرب؛
 ۴. برنامه‌ریزی اتاق‌های فکر غربی؛
 ۵. متصف کردن اسلام به تروریسم. (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ص. ۹۲-۹۷)
- در ادامه به بررسی مهم‌ترین عوامل یافت شده در زمینه اسلام‌هراسی می‌پردازیم:

اصالت داشتن

دین اسلام مبتنی بر فطرت بشری است:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم: ۳۰)؛

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

حتی از آن بالاتر، متناسب با هر فطرتی در آسمان ها و زمین است:

﴿أَفَعَبِّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (آل عمران: ۸۳)؛

آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آن که هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می شوند.

از این رو از اصالت و قوام کافی برخوردار است.

برخلاف سایر ادیان که به وضوح می توان رد پای ساختگی بودن را در آن ها رصد کرد. گذشته از آن که تعدادی از آن ها از اساس ساخته دست بشر هستند و در این زمینه نیازی به اثبات و استدلال ندارند؛ بنابراین روشن است که با وجود طلای ناب، مس فروشان و دلالان بازار انحراف و تحریف به تکاپو افتاده به دنبال بدنام کردن و از سگه انداختن آن باشند.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُونَ مِمَّا إِلَّا أَنْ أَمَرًا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَ أَنْ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ﴾ (مائده: ۵۹)؛

بگو: «ای اهل کتاب! آیا جز این بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و به آنچه به سوی ما نازل شده و به آنچه پیش از این فرود آمده است ایمان آورده ایم و این که بیشتر شما فاسقید؟»

مبتنی بر منطق و استدلال

از ویژگی های دین اسلام - در برابر تمامی ادیان دیگر - تأکید آن بر محوریّت عقل و تفکر در مبانی و زیرساخت های آن است. فراوانی نکوهش دوری از تفکر در آیات قرآن، شاهد گویای این مدّعاست.

از دیگر سو در آیات متعدد قرآن بر استحکام ادّعاها و مبتنی بودن آن ها براساس استدلال

تأکید شده است. به عنوان نمونه در یک آیه چنین تلاوت می‌کنیم:

«أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ» (انبیاء: ۲۲)؛

آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند؟ بگو: «استدلال‌تان را بیاورید. این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده.» بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند و در نتیجه، از آن رویگردانند.

همان‌گونه که اشاره شد، هیچ‌یک از سایر ادیان، از زیرساخت عقلانی برخوردار نیستند. این نکته را در آئین یهودیت و مسیحیت - به عنوان ادیان برجسته آسمانی - به وضوح شاهد هستیم. فاصله زیرساختی این ادیان از عقلانیت و منطق، آن قدر زیاد هست که اساساً برای توجیه و ماله‌کشی آن‌ها، دانشی به نام «هرمونیتیک» اختراع شد. دانشی که با تأکید بر نمادین دانستن گزاره‌های دینی، تلاش برای توجیه بسیاری از مطالب کودکانه و حتی خارج از عرف و عقل موجود در عهد عتیق و عهد جدید دارد. عجیب آن‌که اندیشمندان مسلمان بدون توجه به خاستگاه و ریشه این مسئله، آن را به عنوان یک جریان علمی، در میان خود پذیرفته و آن را به سرفصل‌های علمی و فکری خود افزودند؛ حال آن‌که نیاز چندانی به آن نداشتند و تلاش کردند با پرداخت و نگاه ارزشی به آن، گزاره‌های گویای اسلامی را نیز به چالش بکشانند!

اصرار بر معیارهای اخلاقی

از زیرساخت‌های اساسی دین، به عنوان برنامه زندگی، می‌توان به نگاه و دعوت آن نسبت به عوامل تأثیرگذار در بقاء زندگی فردی و اجتماعی افراد اشاره داشت. در ادامه به سه مورد از مهم‌ترین عوامل در این زمینه اشاره می‌نمائیم:

حیا و عفت

فرد و جامعه برای بقاء خود نیازمند رعایت حدود و مرزهایی هستند که در فرهنگ دینی از آن‌ها به حیا و عفاف یاد می‌شود. در سیطره این دو قانون است که خانه و خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی شکل گرفته و ادامه می‌یابد؛ بنابراین از هر دین آسمانی انتظار می‌رود که حساسیت ویژه‌ای در این زمینه داشته باشد.

اما آنچه ما امروزه در کلیسای مسیحی و مکتب یهودی شاهد هستیم هیچ رابطه‌ای با این فضا ندارد. آزادی دینی استفاده از مشروبات الکلی! از مهم‌ترین نمادهای دوری از فضای حیا و

عفاف در این دو دین بزرگ است. رهاشدگی زنان و مردان و سکوت حاکی از رضایت در برابر برهنگی آن‌ها نیز از دیگر نمادها در این زمینه است. اسفبار، آن جاست که ریشه این وادادگی اخلاقی را در کتاب مقدس آن‌ها شاهد هستیم! و نان و شراب، از دیرباز تا هم‌اکنون به عنوان گوشت و خون عیسی مسیح علیه السلام، از متبرکات ثابت کلیساها در هر مکتب و مرامی هستند! حال آن‌که حیا و عفاف، رکن اصلی خانه و خانواده در نظام اسلام است و رعایت حدود و موازین اخلاقی در این زمینه، از تأکیدهای ویژه دستورات دینی است. (مطهری، ۱۳۶۰: ص. ۵۵)

عدالت

عدالت، مهم‌ترین گمشده بشر در طول تاریخ است. گمشده‌ای که بشر از هر توانمندی انتظار برپایی آن را می‌کشد و توقع دارد که دغدغه اصلی هریک از تأثیرگذاران اجتماعی و سیاسی را شکل دهد. متأسفانه در نظام فکری یهودیان و مسیحیان، نشانی از عدالت و عدالت‌محوری یافت نمی‌شود. آن‌جا که تورات، اسرائیلیان را نژاد برتر دانسته و اولویت بقا را به آن‌ها می‌دهد؛ چه توقعی می‌توان از پیروان آن نسبت به برقرار عدالت داشت. حال آن‌که شعار اصلی قیام امام زمان را عدالت‌محوری و برپایی عدالت شکل می‌دهد. (ر.ک: به عنوان نمونه: صدوق، ۱۳۶۳: ص. ۶۵ و...)

ظلم‌ستیزی

شعار کلیدی اسلام در زمینه ظلم‌ستیزی در این جمله قرآنی خلاصه می‌شود:

﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۷۹)؛

نه ستم کنید و نه ستم ببینید.

شعاری کوتاه، گویا و صریح.

بنابراین جامعه اسلامی مکلف به پایداری در برابر ستم ستمگران و زیاده‌خواهان است. تکلیفی که هیچ‌گاه به مذاق جبهه باطل و بازیگردانان عرصه جهانی آن، خوش نیامده و نخواهد آمد.

توسعه اسلام

در تاریخ معاصر، شاهد خشن‌ترین و تند و تیزترین جبهه‌گیری‌ها از سوی جبهه باطل در برابر جبهه حق و اسلام ناب هستیم. بی‌تردید، اتفاقات رخ داده در دوران معاصر در این‌گونه

سوگیری و برخوردهای وحشیانه نقش به سزا و مهمی دارند. نگاهی به موفقیت‌های به‌دست‌آمده از سوی جامعه مسلمان بهترین گواه این مدعاست:

جغرافیایی

پیدایش و افزایش چشمگیر نیروی انسانی مسلمانان در تمامی مناطق دنیا نکته‌ای نیست که از دید هیچ‌کس پوشیده مانده باشد. این پیدایش و توسعه، رواج فرهنگ و تعلیمات دینی را در پی داشته و خواهد داشت؛ و همین رواج، ایجاد و تعمیق انگیزه‌های گرایشی در میان اقشار مختلف مردم در گوشه گوشه جهان را در پی خواهد داشت؛ و این چرخه هم‌چنان ادامه دارد...

بر این توسعه، جغرافیای کاری را نیز باید افزود. حضور شخصیت‌های مسلمان در بخش بیشتری از فضاها تأثیرگذار، لاقابل‌باعت تغییر نگرش عمومی نسبت به اسلام و مسلمانان در جوامع مختلف خواهد شد. از بازیکنان مسلمان در عرصه‌های مختلف ورزشی گرفته تا دانشمندان مسلمان در دانشگاه‌ها و جوامع علمی تا سرشناسان مسلمان در عرصه خدمات بهداشتی و اجتماعی و....

سیاسی

از مهم‌ترین اتفاقات تاریخ معاصر، تلاش کاملاً آشکار و پررنگ بسیاری از جوامع مسلمان در راه آزادی از یوق استعمار و تشکیل سرزمینی آزاد و آباد و مبتنی بر دستورات دینی است. این تلاش را می‌توان در کشورهای مستعمره مختلف - از شرق آسیا تا قلب آفریقا - رصد نمود. رشد استقلال‌خواهی در جوامع مسلمان، حتی اگر با انحرافات و خطاهای راهبردی نیز همراه باشد، گویای یک حقیقت تلخ برای جبهه باطل بود و آن این‌که دوران بیداری جوامع مسلمان، آغاز شده و دیگر نمی‌توان با ابزارهای پیشین، آن‌ها را به بردگی گرفت.

در تاریخ معاصر، شاهد استقلال و بیرون راندن اشغالگران از بسیاری از جوامع مسلمان هستیم. از مهم‌ترین این وقایع را می‌توانیم در کشور خودمان ایران شاهد باشیم. این موج بیداری اسلامی و اسلام‌خواهی، نکته‌ای قابل‌چشم‌پوشی و نادیده گرفتن از سوی جبهه باطل نیست. به‌ویژه که در این دوران، هر از چند گاه، شاهد شعله‌ور شدن این حس و احساس در میان یک یا چند جامعه مسلمان هستیم.

فرایند احیای هویت اسلامی و بیداری اسلامی که در سالیان اخیر شاهد آن هستیم، از عوامل

مهم ایجاد پدیده اسلام‌هراسی است. رفتارهای خصومت‌آمیز و ترس و نفرت از اسلام و مسلمانان، رشد و پیشرفت مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده و باعث طرد آن‌ها از جامعه شده و مسلمانان، دچار یأس و خودکم‌بینی شده بودند. پدیده بیداری اسلامی و تجدید حیات اسلامی بازگشتی نو به سوی اسلام در جهان امروزه است. به این معنا که همه عقب‌ماندگی‌ها ناشی از دور شدن از اسلام بوده است.

بعد از شکل‌گیری و ایجاد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته‌الله این بیداری اسلامی حرکت و رنگ و بوی دیگری به خود گرفته و با سرعت بیشتری نسبت به سابق در حرکت است به گونه‌ای که نتیجه آن در قاره آفریقا و کشورهای منطقه به خصوص کشورهای عربی که خودباوری‌شان را از دست داده بودند و تحت استعمار غربی‌ها بودند اکنون تلاش می‌کنند که خود را به ایران عزیز برسانند و البته این حرکت عظیم به وضوح قابل مشاهده می‌باشد و حتی خود غربی‌ها هم نمی‌توانند آن را انکار کنند. (اقبالی و جعفری، ۱۳۹۰: ص ۵۰-۵۵)

فرهنگی

توسعه سرزمین‌های مسلمانان در کنار توسعه گردشگری‌ها و رفت‌وآمدهای متقابل مسلمانان با سایر کشورها و ملیت‌ها، رواج فرهنگ اسلامی در بسیاری از جوامع را در پی داشت. وجود غذای اسلامی، یا محیط‌های متناسب با فرهنگ اسلامی در بسیاری از اماکن و جوامع، از آثار این توسعه و جاافتادگی فرهنگی است.

افزایش گرایش غیرمسلمانان به اسلام از ادیان مختلف - چه آسمانی و چه غیر آن - باعث شده است که روزه‌روز بر جمعیت مسلمانان و به خصوص شیعیان افزوده شود؛ و این امر موجب شده است که غربی‌ها دست به کار شوند و به تحرکات اسلام‌هراسانه خود بیش از پیش بپردازند تا بتوانند از حرکت و پیشروی دین مبین اسلام و مسلمانان جلوگیری کنند.

غربی‌ها از نظر فرهنگی، برای اسلام‌هراسی، از عملیات روانی استفاده کردند. عملیات روانی، عبارت است از استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و سایر امکانات، به منظور تأثیرگذاری بر افکار، احساسات، تمایلات و رفتار گروه‌های دوست، دشمن و بی‌طرف، برای دستیابی به اهداف اصلی.

عملیات روانی دارای دو بُعد است:

۱. ماهیت و منطق درونی که عبارت است از تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار، احساسات، تمایلات و سرانجام رفتار، با بهره‌گیری از ارتباط اقناعی؛
 ۲. و نتیجه کاربردی این تأثیرگذاری و تغییر رفتار که با توجه به هر دسته از مخاطبان (دوست، دشمن و بی‌طرف) کاملاً متفاوت و جداگانه است.
- بخشی از اهداف موردنظر در عملیات روانی را مسائل سیاسی تشکیل می‌دهند، نظیر تبلیغات فارسی رادیوهای غربی با هدف ایجاد تفرقه در جوامع اسلامی، به‌ویژه ایران. و بخش دیگر آن، مسائل نظامی هستند، نظیر تبلیغات دستگاه جنگ روانی یک واحد نظامی برای سست کردن انگیزه نبرد در نفرات نیروی مقابل. (رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۲: ص. ۱۵۱-۱۷۱)

برنامه‌های اسلام‌هراسانه

هوچی‌گری

پرداختن به راهبردها و راهکارهای رسانه‌ای در حوزه اسلام‌هراسی، از پرداختن به خود اسلام‌هراسی مهم‌تر است. (آذرکمند، ۱۳۹۵: ص. ۳۰)

هیاوه‌های بسیار برای برهم زدن تمرکز فکرها و فطرت‌ها، از ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهکارهای جبهه طاغوت در برابر جبهه حق بوده و هست.

نمونه‌ها

اتهام‌زنی

از دیروز که سنت همیشگی کافران و منکران پیامبران الهی، اتهام‌زنی به آن‌ها و دروغ‌پراکنی علیه ایشان بوده است:

﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ﴾ (ذاریات: ۵۲)؛
این‌گونه است که هیچ‌گاه پیامبری به‌سوی پیشینیان نیامد مگر آن‌که او را ساحر یا دیوانه خواندند.

﴿وَيَقُولُونَ أَأَنْتَ لَتَأْكُلَنَّاهُ أَهْتِنَا لِسَاعِرٍ مُجْنُونٍ﴾ (صافات: ۳۶)؛

می‌گویند: ما به خاطر شاعری دیوانه دست از خدایان مان برداریم؟!

﴿وَقَالُوا أَأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْنَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ (فرقان: ۵)؛

گفتند: «[این قرآن] افسانه‌های پیشینیان است که صبح و شام بر او دیکته می‌شود.»

و آیات فراوان دیگر...

و این که اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر سر کار بیاید به شما چیزی نخواهد رسید.

تا به امروز که دین اسلام را با انواع تهمت‌ها و بی‌مهری‌ها، در دید عموم مردم، زشت و پلید جلوه می‌دهند. تهمت‌هایی همچون: دین بی‌رحم و خشن، عقب‌مانده از شتاب خیره‌کننده دانش، مخالف آزادی‌های مشروع، باقیمانده در آداب و رسوم قرن‌ها پیش، و این که اگر حاکمیت دین برقرار شود، جامعه به سوی قهقرا و نابودی حرکت خواهد کرد.

در نمونه‌هایی عملیاتی‌تر، اقدام به کشتن نویسندگان نشریه شارلی ابدو و هجوم رسانه‌ای به اسلام و پیامبر رحمت و در پی آن نمایش سیاسی سیاستمداران در فرانسه و حمایت دولت‌های غربی از انتشار میلیونی نشریه شارلی ابدو با کاریکاتورهای موهن نشان از یک برنامه حساب شده داشت تا چهره‌ای منفی و سیاه از دین مبین اسلام به نمایش بگذارد. این حرکت به گونه‌ای چهره‌پردازی شده بود که تمام تاریخ سیاه غرب در قرون وسطا، جنگ‌های مذهبی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، برده‌داری، استعمار و کشتار مردم بومی استرالیا، آمریکا، آفریقا و چین، جنگ‌های جهانی با میلیون‌ها کشته و جنگ سرد و تب و تاب آن به دست فراموشی سپرده شود.

این در حالی است که تنها، هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا بارها و بارها مردم عادی را هدف قرار داده است. کشتار کودکان غزه، مردم عراق، زندان ابوغریب و شکنجه‌های سازمان یافته انسان‌ها و هزاران جرم و جنایتی که در همین ده سال اخیر انجام شده توسط سیاستمداران غربی به هیچ انگاشته شده است. (رضایی، ۱۳۹۳: ص. ۷-۱۴)

چند صدایی

از دیروز که سردمداران جبهه کفر و نفاق، در برابر صدای رسای اسلام، به سردادن صداهای دروغین اقدام کردند تا صوت دلنشین اسلام به گوش‌ها نرسیده و از دل‌ها دور بماند. برخی از اقدام‌ها در این زمینه عبارت بودند از:

سر و صدای فراوان در برابر تلاوت قرآن

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ﴾ (فصلت: ۲۶)؛

و کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید؛ شاید شما پیروز شوید.»

و ترویج برنامه‌های شب‌شعر و قصه‌سرائی تا آن‌جا که در میان مسلمانان صدر اسلام، شغلی به نام «قصه‌گویی» پدید آمد و افرادی از سرشناسان صحابه هرروز برای مردم، از قصه‌ها و ماجراهای پیشینیان می‌گفتند! (رضایی، ۱۴۰۰: ج ۱، ص. ۵۰-۵۵)

تا به امروز که جبهه استکبار با تکثیر صداها در دنیای امواج زمینی و هوایی، با عناوینی همچون تکثُرگرایی، پاسخ به تنوع‌طلبی انسان، بالا بردن حق انتخاب در برابر انسان مختار و آزاد، فرصت‌سازی برای شنیده شدن، ظاهراً به دنبال ترویج آزادی‌های مشروع انسانی است ولی در حقیقت با هدف گم شدن صدای دین و به گوش شنونده نرسیدن آن، به این اقدام‌ها دامن زده و دامنه آن نیز روزبه‌روز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد.

سیاست دوگانه غرب نسبت به اسلام و مسلمانان نشان می‌دهد اسلام‌هراسی در غرب، از سوی دولت‌های غربی، برنامه‌ریزی شده است. برای نمونه وقتی نشریه شارلی ابدو به ساحت پیامبر اسلام ﷺ و به عقاید حدود دو میلیارد انسان توهین می‌کند، با حمایت سازمان‌های غربی، حامی حقوق بشر خوانده می‌شود؛ اما هنگامی که موریس سین، کاریکاتوریست این نشریه در سال ۲۰۰۹ کاریکاتور فرزند یهودی رئیس‌جمهور این کشور را که به دلایل مالی به یهودیت گرویده بود، منتشر می‌کند محکوم و مجازات می‌گردد.

از طرف دیگر، آن‌ها به شدت با اندک تلاش مسلمانان برای بیان حقایق در مورد اسلام جلوگیری می‌کنند، مانند محدود کردن شبکه‌های ماهواره‌ای مستقل و یا جلوگیری از اکران فیلم‌های ارزشی، نظیر زندگانی پیامبر رحمت ﷺ در جشنواره برلین و... (رضایی، ۱۳۹۳: ص. ۷-۱۴)

تحلیل و نقد همدفدار

از دیروز:

به وسیله یهودیان و مسیحیانی که در داخل یا گوشه و کنار جامعه مسلمانان می‌زیستند و تلاش می‌کردند با استفاده از جایگاه و دانش دینی خود به نقد اسلام بپردازند.

﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَ اكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (آل عمران: ۷۲)؛

گروهی از یهودیان و مسیحیان گفتند: «ابتدای روز به آنچه بر مسلمانان نازل شده ایمان آورید و آخر روز، به آن کافر شوید. شاید به این شیوه، مسلمانان دست از دین خود بردارند.»

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ﴾ (احقاف: ۱۱)؛

کافران به مؤمنان گفتند: «اگر [اسلام] خوب بود، شما هیچ وقت از ما به آن پیشی نمی‌گرفتید.» و چون هدایت نیافتند خواهند گفت: «این دروغی قدیمی است.»

تا به امروز:

در قالب برنامه‌های پژوهش محور یا گفتگو محور و به ظاهر با رویکرد گفتگوهای آزاد و عقل‌گرایانه درباره دین و در واقع با رویکرد نقد دین به وسیله:

نشان دادن و بزرگ‌نمایی مسائلی از آن که با روندهای رایج در جامعه سازگار نیست و مواردی که به دروغ وارد دین شده است. این موارد که متأسفانه هم‌چنان در منابع مکتوب مسلمانان در دسترس است و علمای اهل تسنن در برابر آن‌ها هیچ موضع مشخص و قاطعی نداشته‌اند بهترین خوراک برای شاخه تحلیلی و ترویجی اتاق فکر جبهه باطل در برابر جبهه حق و به منظور به گل‌نشدن کشتی آن است. کتاب آیات شیطانی که برآمده از همین مطالب منابع اهل تسنن است نمونه گویایی از این تلاش مبتنی بر واقعیت‌های منابع مسلمانان است.

تلاش برای تحریف و انحراف

از دیرباز با تلاش یهودیان و مسیحیان برای تحریف آیات قرآن:

﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرِفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَغْلِبُونَ﴾ (بقره: ۷۵)؛

امید دارید [یهودیان] ایمان آورند؟ حال آن که گروهی از آن‌ها کلام خدا را به این هدف می‌شنوند که پس از فهم آن، آگاهانه به تحریفش بپردازند!

و نیز تحریف زندگانی انبیای الهی به گونه‌ای که با رفتار پیامبر اسلام ﷺ در تعارض نشان داده شود مثل اسرائیلی‌هایی که درباره حضرت موسی ﷺ و حضرت داود ﷺ و حضرت سلیمان ﷺ و سایر پیامبران الهی در کتاب‌های خود وارد کرده و از این طریق تلاش داشتند آن‌ها را به عنوان حقایق تاریخی به جامعه مسلمان وارد سازند و به این وسیله وجود هرگونه حریم و قداست برای پیامبر خاتم ﷺ را نفی و شکسته و ایشان را برای جامعه مسلمان در حد یک انسان معمولی پائین بیاورند. تلاشی که متأسفانه به بار نشست و در منابع اهل تسنن شاهد انواع بی‌حرمتی‌ها و هتاک‌ها نسبت به پیامبر خاتم ﷺ و حریم قدسی ایشان هستیم.

تا به امروز که اسلام‌هراسی در صد سال اخیر با هراس از اسلام سیاسی شروع شد.

احسان آذرکمند مدیر گروه هنر، ارتباطات و فضای مجازی اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه صداوسیما در چهاردهمین نشست تخصصی آرمان هیأت به موضوع «اسلام‌هراسی و راهکارهای رسانه‌ای مواجهه با آن»، یکی از اهداف غرب برای اسلام‌هراسی، تبلیغ مذاهب ساختگی در جوامع مسلمانان بوده و هست. در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی، غرب با نقشه‌های استعماری‌اش عملاً تمام سرزمین‌های کشورهای اسلامی را تحت سیطره و سلطه خود درآورده بود، لذا برای حفظ منافع استعماری و ادامه سلطه بر مسلمانان شروع به دسیسه و نفاق انداختن نمود و برای عملی شدن این توطئه خطرناک، مذاهبی را ایجاد کرد تا از این طریق، نیات شومش را که همانا از بین بردن یکپارچگی و همبستگی مسلمانان بود عملی نماید و با مشغول کردن مسلمانان به خودشان فرصت استفاده از حقائق و معارف اصیل را از آن‌ها گرفت؛ چراکه اگر مسلمانان به معارف اسلام و هویت اسلامی آشنا می‌شدند دیگر استعماری در سرزمین کشورهای اسلامی وجود نداشت. غرب برای ادامه و استمرار سلطه بر کشورهای اسلامی سه فرقه ضاله را در سه منطقه اسلامی تأسیس نمود:

۱. وهابیت در حجاز؛

۲. بهائیت در ایران؛

۳. قادیانیه در شبه قاره هند. (شفیق، ۱۳۹۷: ص. ۱۰-۱۹)

پرورش و توسعه نیروهایی دست‌آموز با ظاهری کاملاً منطبق بر یک شخص مسلمان و با هدف به لجن کشاندن دین اسلام در اذهان عمومی. القاعده، داعش، طالبان، تحریرالاشام و بوکوحرام؛ نمونه‌هایی از این لجن‌پراکنی‌ها در سالیان اخیر هستند که بیشترین کارایی آن‌ها سیاه‌نمایی چهره اسلام و نشان دادن توخّش حاکم بر مسلمانان است. توحشی که ریشه در دین و آموزه‌های آن دارد! تلاشی که نه تنها هیچ‌گاه از سوی جامعه مسلمانان محکوم و طرد نشد بلکه نادیده گرفته شدن یا سکوت در برابر آن از سوی بسیاری از عالمان مسلمان، راه را برای پذیرش این توخّش دینی هموارتر نمود. متأسفانه همراهی و بلکه پشتیبانی این جریان‌ها از سوی کشورهای مرجع مسلمان همچون عربستان سعودی و جریان وهّابی حاکم بر آن، همچون نفتی بر این آتش، بُعد تأثیرگذاری مخرب آن بر اذهان عمومی و افکار مردمان مختلف را به شدّت افزایش می‌دهد.

این در حالی است که بسیاری از این روشنفکران و کارشناسان اتاق فکر، آشنایی چندانی با تاریخ اسلام و معانی قرآن ندارند، به تفسیرهای غلط از واژه جهاد دست می‌زنند و به مردم و

سیاستمداران در غرب هشدار می‌دهند که القاعده، داعش و بوکوحرام با تبعیت از آموزه‌های قرآنی در پی استقرار خلافت اسلامی و شریعت در سراسر دنیا هستند و در این راه، از دست زدن به هیچ جنایت و خشونت‌ای ابا ندارند. (آجیلی و قاسمی، ۱۳۹۴: شماره ۶۶)

دلیل بررسی آشوب جهانی، این است که ابهامات و نتایج آن با آینده رفاه افراد در چهارگوشه جهان سروکار دارد و خاورمیانه، مرکز این آشوب و بی‌ثباتی است. تحولات سریع و درگیری‌های مختلف خاورمیانه باعث شد تا فضا را برای سرریز تنش‌های سیستمی قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل به این منطقه مهیا ساخت. در پی این فرایند، آشوب‌های منطقه در سطوح گوناگون شکل گرفته است در حالی که چشم‌انداز نظم پسین هم چنان تیره است. تحولات کنونی در خاورمیانه - شامل: وضعیت عراق، سوریه، لبنان و موضع‌گیری‌های متفاوت و متعارض کشورهای منطقه در قبال این تحولات - را باید در چنین بستری تحلیل کرد و باید گفت از دل همین بستر است که نظم بعدی شکل خواهد گرفت، نظمی که می‌تواند به صورتی آشکارا یا پنهان عناصر تنش‌زای منطقه‌ای را در خود پرورش دهد. (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ص. ۷۵-۹۲)

راهبردها و راهکارهای مقابله

اکنون و پس از بیان و آشنایی با عوامل اساسی اسلام‌هراسی، نوبت آن است که با راهبردها و راهکارهای منطقی و دینی مقابله با آن آشنا شویم. براساس جستار صورت گرفته، مهم‌ترین این راهبردها را در چهار گزینه می‌توان رصد و پیگیری نمود:

استفاده کارآمد از ابزار هنر و رسانه

پرداختن به راهبرد و راهکارهای رسانه‌ای در حوزه اسلام‌هراسی از پرداختن به خود اسلام‌هراسی مهم‌تر است. وقتی حرکت‌های تجددخواهی و روشنفکری در جامعه نخبگان مسلمان جهان و کشورهای مختلف شکل گرفت، عده‌ای به فکر افتادند که اگر با همین روند و معیارها و شاخصه‌ها مسلمانان بتوانند هویت خود را بازبایی کنند، این کار خطر بسیار بزرگی را برای کشورهای غربی رقم خواهد زد.

در هر حال، گوشه‌ای از توانمندی‌های در دسترس مسلمانان در برابر تمامیت اسلام‌هراسی عبارت است از:

سینمای مستند

تلاش در راه تولید مستندهای گویا و محکم درباره جوامع دینی موجود در گوشه و کنار دنیا. جوامعی که مبتنی بر ارزش‌هایی که از دین یافته‌اند، براساس چند اصل: احترام متقابل، دستگیری و همیاری، نشاط و پویایی و معتقد به آرمان‌های دینی، به مسیر خود در پیشبرد جامعه و همچنین در تعامل با سایر ملل و نحل ادامه می‌دهند. شخصیت‌های موفق و چهره‌های برتر نیز در این میان نباید مورد غفلت واقع شوند. در برابر، ارائه مستندهایی از پشت پرده جوامع به‌ظاهر پیشرفته و برخوردار از قلّه دانایی و سیاستمداری، بهترین مسیر برای به چالش کشاندن تمامی سیاست‌های اتاق فکر جبهه باطل در زمینه اسلام‌هراسی است. این‌گونه مستندها آن‌گاه به تأثیرگذاری حداکثری خود نزدیک‌تر می‌شوند که به سیاست‌گذاری‌های پیدا و پنهان جبهه جهانی استکبار در برابر جبهه حق پرداخته و با پرداختن‌ها و به تصویر کشیدن‌های مختلف نسبت به آن در گوشه گوشه جهان، بیشتر پرده از چهره پلید اسلام‌هراسان بردارند.

سینمای نمایشی

سفارش و ساخت فیلم‌هایی با موضوع معیارها و ارزش‌های دینی و به نمایش کشیدن تقابل آن‌ها با آنچه در دنیای امروز به‌عنوان ارزش، پذیرفته شده، راهکار مؤثر و بی‌بدیل دیگری در برابر تمام سیاست‌های جبهه باطل است. این تولیدات اگر براساس فرهنگ‌ها و رفتارهای حاکم بر جوامع مختلف ساخته و پرداخته شوند، از قدرت بازدارندگی و تأثیرگذاری بالاتری برخوردار خواهند بود.

توسعه خبری

جبهه حق برای بالا بردن تاب‌آوری افراد خویش در برابر هجوم رسانه‌ای دشمن نیازمند توسعه خبری است. توسعه‌ای که مبتنی بر چند اصل: صداقت، صراحت و سوگیری‌های منصفانه باشد.

با توجه به خلأ موجود در این زمینه در دنیای امروز، ضرورت توسعه خبری از این دست، کاملاً احساس می‌شود. به‌ویژه که رسانه‌های خبری جوامع مسلمان نیز عموماً از سه اصل یاد شده و یا لااقل برخی از آن‌ها تهی هستند. تا آن‌جا که جافتاده‌ترین رسانه‌های مسلمان،

آن‌هایی هستند که نه تنها بر مبنای سکولار حرکت می‌کنند، بلکه در جنبه‌هایی از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های خویش، پیرو محض جریان حاکم بر رسانه‌های جبهه باطل هستند.

توسعه گردشگری

با توجه به هجمه سنگین غرب به دین اسلام و مسلمانان، وظیفه اندیشمندان و متدینان ادیان آسمانی و آزادگان عالم است که با درایت و تدبیر علمی و عملی، جهان را متوجه این‌گونه حرکات ناصواب که ریشه در تفکر اومانیستی دارد، نموده با مقابله عاقلانه و حکیمانه، این تهدید را به فرصت تبدیل کنند. تردیدی نیست کسانی که چنین حرکت‌هایی را در قالب‌های فرهنگی و علمی، به جامعه بشری تحویل می‌دهند، به اصل و ریشه اسلام آگاهی کامل ندارند. (رضایی، ۱۳۹۳: ص. ۷-۱۴)

یکی از بهترین ابزارها در این زمینه، به توسعه گردشگری مربوط می‌شود. این برنامه از یکسو فرصت را برای برقراری ارتباط آزاد و مستقیم با متفکران و آزاداندیشان مسلمان و غیرمسلمان فراهم می‌آورد؛ و از سوی دیگر، بستری برای آشنایی با فرهنگ دینی مسلمانان است. این آشنایی فرهنگی از سه راه، قابل دسترسی است:

بوم‌گردی دینی

تشکیل گروه‌های کوچک از میان گردشگران و هدایت آن‌ها به مناطق سنتی و کمتر دست‌خورده دینی، یکی از راه‌های آشنایی دنیا با فرهنگ دینی کشورهای اسلامی است. مناطق بومی، با توجه به برخورداری بیشتر از آداب و رسوم دینی و سنتی به یادگار مانده از پیشینیان، جذابیت‌ها و هیجان خاص خود را دارند و برای هر بومگرد مسلمان و غیرمسلمانی جالب توجه خواهند بود.

روشن است که این کار، نیازمند برنامه‌ریزی کارآمد و سیاست‌گذاری خاص بر مناطق هدف گردشگری است.

گردشگری زیارت

این نوع از گردشگری از مهم‌ترین انواع گردشگری مطرح در دنیای گشت و گذار است. امروزه، جمعیت بسیاری، علاقه‌مند به بازدید از اماکن مذهبی مختلف و آشنایی با افکار و آرمان‌های مذاهب گوناگون هستند. بسیاری از کشورهای اسلامی با توجه به برخورداری از اماکن مذهبی جالب و جذاب، از ظرفیت بسیار بالایی در این زمینه برخوردار هستند. ظرفیتی که بدون تردید اگر به شکل یک جریان خاص در گردشگری در نظر گرفته شود - نه

این‌که در کنار طبیعت‌گردی و شهرگردی و... تعریف شود - می‌تواند نقش مؤثری در تغییر نگاه مردم جهان نسبت به اسلام و احکام و قوانین آن داشته باشد.

شاید از همین رو است که یکی از اهداف تعریف شده برای جریان‌های تکفیری، به هرگونه از سرزمین‌های مسلمان که پا می‌گذارند، نابودی مظاهر دینی و آثار به یاد مانده در این زمینه از روزگاران پیشین است.

گردشگری مناسب

اسلام در این نوع از گردشگری، سرآمد تمامی مذاهب و مکاتب دنیا است. وجود انواع مراسم‌ها و مناسبت‌های دینی در دین اسلام و همچنین در سرزمین‌های مختلف، باعث شده تا مجموعه‌ای از رفتارهای فرهنگی و دینی جذاب و جالب‌توجه به وجود آید که بسیاری از مردم دنیا از دیدن یا تجربه آن، به اوج هیجان و احساس خواهند رسید و فضایی کاملاً متفاوت از حال خوب و دریافت انرژی‌های روح‌افزا را درک خواهند کرد.

نمونه‌های فراوان این نوع از گردشگری را می‌توان در کشورها و مناطق مختلف شاهد بود. مثل مراسم مربوط به جشن غدیر، جشن نیمه شعبان، عزاداری عاشورا، پیاده‌روی اربعین و... بر این ظرفیت‌های بزرگ، باید ظرفیت‌های خرد مناطق مختلف همچون مراسم مشهد قالی را نیز افزود.

تربیت نیرو

از مهم‌ترین راهکارهای تبیین دین و جلوگیری از موفقیت جبهه باطل در لجن‌پراکنی علیه آن، ایجاد مجموعه‌های تربیتی بر پایه آموزه‌های اسلام در نقاط مختلف جهان است. این مجموعه‌های دینی که از مهدکودک تا دوره‌های پیش‌دانشگاهی را شامل می‌شوند نقشی اساسی در تربیت نسل منعطف به دین و مقاوم در برابر اسلام‌هراسی دارند.

اولویت در این مجموعه‌ها در مناطق مختلف، متفاوت است. به این‌گونه که در مناطقی که حساسیت‌ها کمتر و آزادی‌ها بیشتر است، می‌بایست به صورت رسمی و با استعدادیابی مناسب، از میان کودکان و نوجوانان بومی هر منطقه افرادی را گزینش نموده و در فضایی اسلامی و مطابق با دستورات دینی آن‌ها را تربیت نمود.

اما در مناطقی که حساسیت‌ها بیشتر و کارها سخت‌تر است می‌توان از ظرفیت کودکان کار یا کودکان بی‌سرپرست که در تمامی سرزمین‌ها و کشورها وجود دارند استفاده کرده و با شکل دادن انجمن‌های خیریه مردم‌نهاد، نسبت به استعدادیابی و جذب از میان آن‌ها با اهداف

انسان دوستانه بهره جست و سپس در فضایی مطابق با دستورات دینی به تعلیم و تربیت آن‌ها اقدام نمود.

کارآمدی نظام دینی

روشن است که مهم‌ترین گزینه برای خنثی‌سازی تمامی اقدام‌ها علیه دین، برخورداری از سیاست دینی سالم و کارآمد است. نظام دینی از آن‌جا که در پیشانی جامعه مسلمان قرار دارد، از هرسو و از سوی هر قشر و گروهی، مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد. از این رو موفقیت نظام دینی در شکل‌دهی و اداره جامعه دینی، بهترین و کارآمدترین راه در برابر تمامی سیاست‌گذاری‌های جبهه باطل در راه به بن‌بست کشاندن دین و معرفی غلط آن است. همچنین کاملاً مشخص است که به میزان ناکارآمدی نظام دینی، از میزان تأثیرگذاری آن بر سایر افکار و اذهان، کاسته شده و بر میزان موفقیت جبهه باطل در لجن‌پراکنی علیه دین و اسلام خواهد افزود.

تحولات جهانی منتظرانه

در کنار تمامی آنچه گذشت، هیچ‌گاه نباید از یک نکته که مهم‌ترین نکته نیز هست غافل شده و نسبت به آن سستی و کاهلی نمود. عرصه پیش روی بشریت، جهانی آکنده از عدالت و نورانیت را شکل می‌دهد. جهانی که اهمیت آن هیچ‌گاه نیازمند استدلال و برهان نبوده و قدیمی‌ترین آروزی بشر از ابتدا تاکنون است. جهان موعود، چنان پیچیدگی‌ها و سختی‌های خاص خود را دارد که بدون زمینه‌ها و مقدمات شایسته و بایسته خود، هیچ‌گاه قابل تحقق و دستیابی نیست.

از نکات مهم در این زمینه، این است که برخی از این مقدمات، براساس روند طبیعی جامعه بشری و در طول تجربه‌هایی که انسان، در طول قرن‌ها زندگی خویش به دست آورده فراهم می‌شوند. جالب‌تر آن‌که، برخی از این بسترهای مناسب، در سایه سیاست‌های دشمنانه و براندازانه جریان باطل و جبهه شیطان شکل می‌گیرند. سیاست‌های شیطانی جبهه باطل، در کنار تمامی آسیب‌ها و تلفاتی که برای حق و پیروان حقیقت به همراه دارد، از یک ظرفیت مناسب به نفع مظلومان و دین‌داران نیز برخوردار است که همان هموارسازی مسیر برای پیشرفت این جبهه است.

در سایه سیاست‌های ویرانگر جبهه شیطان است که جامعه متدینان و دینداران و

آزاداندیشان عالم، با حق و حقیقت، آشناتر شده مسیر درست تاریخ را راحت‌تر تشخیص خواهند داده و همراهی و همگرایی بیشتری نسبت به آن را تجربه خواهند نمود. آری، این‌گونه است که: عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.

﴿يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَالْمُؤْمِنِينَ فَاَعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ (حشر: ۲)؛

خانه‌های شان را به دست خود و همچنین به دست مؤمنان ویران می‌سازند. پس ای صاحبان چشم! پند بگیرید.

در ادامه به برخی از مهم‌ترین دستاوردهای مثبت سیاست‌های جبهه باطل برای جریان حق و حقیقت اشاره می‌کنیم:

همگرایی بیش از پیش گروه‌های پراکنده

در دنیایی که جبهه استکبار و باطل، تمام تلاش خود را به کار بسته تا جامعه مسلمان را هرروز پراکنده‌تر و تکه‌تکه‌تر از دیروز نماید، شاهد همگرایی و نزدیک‌تر شدن قلب‌ها و گروه‌ها به یکدیگر هستیم.

نکته جالب در این زمینه، همگرایی مشهود و چشمگیر جریان‌هایی است که از فرقه‌ها و نحله‌های مختلف هستند و هریک در فضای فکری خاص خود قرار دارد و حتی در پاره‌ای موارد، از نظر فکری و نظری، با جریان دیگر، تقابل و تضاد دارند.

این تحول چشمگیر و خیره‌کننده را می‌توان مهم‌ترین پدیده جهانی منتظرانه و در راستای جهان متحرک به سمت ظهور معرفی نمود.

همگرایی گروه‌های مختلف جهادی از فرقه‌های مختلف و حتی متعارض و همچنین به یکدیگر نزدیک‌تر شدن تشکّل‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در کشورهای مختلف اسلامی نمونه‌هایی گویا در این زمینه هستند.

از راهکارهای اساسی و بنیادین برای جلوگیری از اسلام‌هراسی، توجه به مبانی و اندیشه اسلامی چه از جهت خودآگاهی مسلمانان و چه از جهت جلوگیری از انتشار افکار غیرصحیح در میان جهانیان می‌باشد. قرآن کریم، تفاوت آراء و دیدگاه‌ها را کاملاً طبیعی می‌داند ولی از باقی ماندن و رسوب کردن این اختلافات و این‌که به رأی و نظر واحدی نرسد نهی می‌کند؛ زیرا باعث پراکندگی نیروها و از بین رفتن قوا و مانع از بهره‌گیری از تمام امکانات موجود در راه پیشرفت می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۴۶ انفال می‌فرماید:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

ترجمه: و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نیپوید که در اثر تفرقه ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد. بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است. (اقبال و جعفری، ۱۳۹۰: ص. ۵۰-۵۵)

حرکت به‌سوی هم‌صدایی نظام‌های گوناگون

در دنیای امروز، شاهد شکل‌گیری نظام‌های جدیدی از سوی مسلمانان هستیم. نظام‌هایی که زمانی از مسلمانان افراطی و متوحش به شمار می‌رفتند، رفته‌رفته و در طول زمان با درک این موضوع که زندگی در جهان امروز، اقتضائات و شرایط خاص خود را می‌طلبد، حرکتی قابل‌توجه به سمت سیاسی شدن و جهانی شدن را در پیش گرفته‌اند.

این پدیده هرچند می‌تواند از جنبه‌های دیگری به عنوان یک تهدید در نظر گرفته شود، ولی از این لحاظ که این گروه‌ها به این میزان از درک و شعور رسیده‌اند که دست از کشتارها و رفتارهای وحشیانه برداشته و اهداف پلید خود را از راه و قالب‌های سیاسی پیگیری کنند، حرکتی روبه‌جلو و در راه تکامل به شمار می‌آید که می‌توان به آن از دید یک فرصت‌نگریسته و بر روی تکامل هرچه بیشتر آن متمرکز شد و امیدوار بود.

این حرکت نیز حرکتی کاملاً موازی با ظهور و همچنین برچیدن بساط اسلام‌هراسی به شمار آمده و در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است.

به میدان کشاندن افکار و اذهان سایر ملت‌ها و نحل‌ها

در دنیای امروز و پس از وقوع جنایت‌های وحشتناکی که از سوی یهودیان صهیونیست رخ داد، جهان، شاهد خیزشی غیرقابل‌باور از سوی مردم گوشه و کنار دنیا در راستای محکومیت گسترده این رفتارها بود.

خیزش و خروشی که در هیچ حادثه و جنایت دیگری، نمونه ندارد. حتی به جرات می‌توان ادعا نمود، هیچ تحلیل سیاسی و اجتماعی دقیق و کاملی برای ایجاد و توسعه آن نیز ارائه نشده.

این خیزش و خروش که نشان‌دهنده اوج‌گیری و رواج نوعی از بلوغ اجتماعی در میان مردم

دنیا از شرقی‌ترین تا غربی‌ترین نقطه است، نویدبخش‌ترین حرکت جهانی منتظرانه به شمار می‌آید. منتظرانه از آن جهت که به دنبال براندازی ظلم و ستم به هم‌پیوسته قدرت‌های جهانی علیه بشریت است؛ و در واقع، صدا و فریاد خود را بر سر جبهه استکبار جهانی برآورده. از این رو این حرکت، حرکتی در راستای ظهور و انتظار پیدایش نظم نو در عالم، تحلیل و ارزیابی می‌شود. انتظاری که کاملاً همسو با آموزه‌ها و فرهنگ اسلامی است و هرگونه اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی را در این زمینه خنثی و نابود می‌سازد.

نتیجه‌گیری

براساس تمامی آنچه گذشت، این نتایج به دست می‌آید:

۱. مهم‌ترین عوامل اسلام‌هراسی به نقاط قوت اسلام باز می‌گردد که در برابر، نقاط ضعف سایر مکاتب و ادیان آسمانی و زمینی به شمار می‌آیند. عواملی همچون اصالت داشتن، ابتنا بر منطق و استدلال و اصرار بر معیارهای اخلاقی متناسب با فطرت بشری.
 ۲. مهم‌ترین برنامه‌های اسلام‌هراسانه در برابر حقانیت دین اسلام عبارتند از هوچی‌گری، تحلیل و نقد هدف‌دار و تلاش برای تحریف و انحراف.
 ۳. مهم‌ترین راهبردها و راهکارهای جبهه حق در برابر تمامیت سیاست‌های شیطان و جبهه باطل، عبارتند از: استفاده کارآمد از ابزار هنر و رسانه، توسعه انواع گردشگری معطوف به دین، تربیت نیروهای جهانی و کارآمدی نظام دینی.
- در کنار تمامی آنچه گذشت، باید به ظرفیت‌های به وجود آمده در اثر سیاست‌های ظالمانه و ویرانگر جبهه شیطان و باطل نیز توجه داشت. ظرفیت‌هایی که در صورت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب، بهترین فرصت‌ها را در اختیار جبهه حق برای پیشبرد هرچه بهتر و سریع‌تر اهداف خود قرار خواهد داد. مهم‌ترین این ظرفیت‌ها عبارتند از: همگرایی بیش از پیش گروه‌های پراکنده، حرکت به سوی هم‌صدایی نظام‌های گوناگون و به میدان کشاندن افکار و اذهان سایر ملت‌ها و نحله‌ها.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۶۳)، *کمال الدین*، قم: انتشارات اسلامی.
- اقبالی، مسعود؛ فاطمه، جعفری، *بررسی پدیده اسلام‌هراسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن*،

- مجموعه مقالات همایش کوتاه بررسی ابعاد اسلام‌هراسی.
- _ آجیلی، هادی؛ قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۴)، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال هجدهم، شماره ۶۶.
- _ آذرکمند، احسان (۱۳۹۵)، *اسلام‌هراسی و راهکارهای رسانه‌ای مواجهه با آن*، مجموعه مقالات آرمان هیأت.
- _ رضاقلی‌زاده، بهنام (۱۳۹۲)، *عملیات روانی با تأکید بر اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی در رسانه‌های برجسته غرب، مطالعات عملیات روانی*، شماره ۳۶.
- _ رضایی، حسن (۱۳۹۳)، *اسلام‌هراسی در غرب و راهبرد مواجهه با آن*، *نشریه جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل*، شماره ۵.
- _ رضایی، مجتبی (۱۴۰۰)، *تبار/انحراف*، اول، قم: شهید کاظمی.
- _ شفیق، مهدی (۱۳۹۷)، *اسلام‌هراسی و تبلیغات فرهنگی غرب در رسانه‌ها*، *نشریه معارف اسلامی و تبلیغ و ارتباطات*، شماره ۱۲.
- _ عیوضی، محمدرحیم؛ فلاح حسینی، مهسا (۱۳۹۶)، *اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش روی آن*، *نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۳.
- _ کاتبی (۱۳۸۹)، *جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱.
- _ مطهری، مرتضی (۱۳۶۰)، *نظام خانوادگی اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.



Challenges and obstacles to Mahdavi training and force building in today's changing world and providing solutions

Morteza Pourjafari¹

Seyyed Arsalan Habibi²

Hamidreza Rezaei³

Abstract

The doctrine of Mahdism, as one of the fundamental principles of Islamic thought, emphasizes the preparation of the individual and society for the realization of global justice and the emergence of the Imam Mahdi (PBUH). In this regard, education and empowerment, as two fundamental pillars of this doctrine, play a key role in shaping the waiting generation and laying the groundwork for the emergence. This research is based on an applied-developmental purpose and its approach is qualitative; it attempts to present operational solutions for Mahdist education and empowerment by using the data-based method and content analysis tools, and by citing the verses of the Holy Quran, the narrations of the Infallible (PBUT) and Shiite sources. The results of the research indicate that factors such as weakening religious values, neglect of Islamic educational principles, the influence of foreign cultures, the multiplicity of narratives and, as a result, the cognitive disorder of young people, media aggression, cyberspace, and news bombardment are considered as challenges and obstacles to Mahdist education and empowerment in today's changing world. In this regard, solutions to confront these challenges, including the application of revealed teachings in individual, social, and institutional dimensions, can provide an effective platform for the realization of a new Islamic civilization and the preparation for its emergence.

Keywords: Mahdism - Mahdist education - empowerment - active expectation - seeking justice

-
1. PhD in Strategic Defense Sciences (National Defense), National Defense University, (pjafarimorteza@gmail.com)
 2. PhD student in Physics, National Defense University (arsalan.habibi1368@gmail.com)
 3. PhD in Strategic Defense Sciences (Defense Policy), National Defense University, (h.rezaee99@sndu.ac.ir)

چالش ها و موانع تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز و ارائه راهکار

مرتضی پور جعفری^۱

سید ارسلان حبیبی^۲

حمیدرضا رضایی^۳

چکیده

دکترین مهدویت، به عنوان یکی از اصول بنیادین اندیشه اسلامی، بر آماده سازی فرد و جامعه برای تحقق عدالت جهانی و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه تأکید دارد. در این راستا، تربیت و نیروسازی به عنوان دو رکن اساسی این دکترین، نقش کلیدی در شکل دهی نسل منتظر و زمینه سازی برای ظهور ایفا می کنند. این پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی - توسعه ای بوده و رویکرد آن نیز کیفی است؛ که تلاش می کند با به کارگیری روش داده بنیاد و با ابزار تحلیل محتوا و با استناد به آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم السلام و منابع تشیع، راهکارهای عملیاتی برای تربیت و نیروسازی مهدوی ارائه نماید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که عواملی همچون تضعیف ارزش های دینی، غفلت از اصول تربیتی اسلامی، نفوذ فرهنگ های بیگانه، تعدد روایت ها و در نتیجه اختلال معرفتی جوانان، تهاجم رسانه ای، فضای مجازی و بمباران خبری به عنوان چالش ها و موانع تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز مطرح می باشند که در همین رابطه راه حل هایی برای مقابله با این چالش ها اعم از به کارگیری آموزه های وحیانی در ابعاد فردی، اجتماعی و نهادی می تواند بستری مؤثر برای تحقق تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی ظهور فراهم آورد.

واژگان کلیدی

مهدویت، تربیت مهدوی، نیروسازی، انتظار فعال، عدالت خواهی.

۱. دکتری علوم دفاعی راهبردی (دفاع ملی) دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)
(pjafarimorteza@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری فیزیک دانشگاه عالی دفاع ملی (arsalan.habibi1368@gmail.com).

۳. دکتری علوم دفاعی راهبردی (سیاست دفاعی) دانشگاه عالی دفاع ملی (h.rezaee99@sndu.ac.ir).

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

مقدمه

موضوع مهدویت و انتظار ظهور منجی موعود در اسلام، به‌ویژه در مکتب شیعه، جایگاهی بنیادین در شکل‌دهی نظام فکری، اعتقادی و اجتماعی داشته و نه‌تنها به ایجاد امید در جامعه کمک می‌کند، بلکه الگویی عملی برای تربیت انسان‌هایی متعهد و مسئول در راستای تحقق آرمان‌های الهی ارائه می‌دهد. در دکتربین مهدویت که ریشه در آموزه‌های قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) دارد، آماده‌سازی جامعه از طریق تربیت و نیروسازی یک وظیفه دینی، بلکه ضرورتی اجتماعی و حیاتی است؛ اما پرسش این است که چگونه می‌توان نیروهایی توانمند، بصیر و متعهد تربیت کرد که بتوانند در مقابل چالش‌ها و موانع موجود در دنیای متحول امروز در جهت تحقق اهداف مهدوی ایفای نقش نمایند؟ این امر مستلزم توجه ویژه به طراحی نظام‌های تربیتی جامع، تدوین برنامه‌های فرهنگی مؤثر، و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در مواجهه با چالش‌ها و موانع معاصر است. این پژوهش سعی دارد به روش علمی چالش‌ها و موانع موجود در مسیر تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز را احصاء نموده و در جهت رفع آن‌ها راهکار ارائه نماید.

در دوران غیبت که جامعه اسلامی با تهدیدهای متعددی ازجمله نفوذ فرهنگی، تضعیف باورهای دینی و گسترش فساد اخلاقی مواجه است، تربیت نیروهای مهدوی می‌تواند به تقویت هویت دینی و ارتقاء سطح آمادگی جامعه کمک نماید؛ همچنین می‌تواند از انحرافات فکری و عقیدتی پیشگیری و در عین حال جامعه را در مسیر درست هدایت کند. از سوی دیگر عدم توجه به تربیت مهدوی انسان‌ها، موجب غفلت آن‌ها از اصول و ارزش‌های اعتقادی در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی شده و در نتیجه مقدمات تحقق عدالت جهانی که از منظر مهدوی، هدف غایی تمام فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بشر است، محقق نمی‌گردد. همچنین غفلت از تربیت مهدوی، باعث می‌شود ضرورت حفظ امید و انگیزه در دوران غیبت که در آموزه‌های مهدوی از طریق تأکید بر ظهور منجی میسر شده و انگیزه‌ای قوی برای تلاش در مسیر اصلاح فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند، مغفول واقع شود.

پیشینه‌شناسی

سیدنقی موسوی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مؤلفه‌های تربیت مهدوی در اندیشه استاد مرتضی مطهری»، که در فصل‌نامه انتظار موعود به چاپ رسیده است، به تحلیل مفاهیم

کلیدی تربیت مهدوی پرداخته و پیشنهاداتی برای تقویت نظام تربیتی جامعه اسلامی براساس آموزه‌های مهدوی ارائه کرده و اشاره داشته که تربیت مهدوی نیازمند چارچوب‌های میان‌رشته‌ای است. ستاره موسوی (۱۳۹۹) در مقاله «تبیین کیفی تربیت نسل منتظر با رویکرد مهدوی»، که در فصل‌نامه مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده چاپ نموده، به مقایسه نظام‌های تربیتی و نقش آموزه‌های مهدوی در شکل‌دهی به این نظام‌ها پرداخته و پیشنهاد می‌دهد که آموزش مهدوی باید به‌عنوان یک مؤلفه اصلی در نظام آموزشی گنجانده شود. حسین سلیمانی (۱۴۰۰) در مقاله «ابعاد اجتماعی انتظار در جامعه‌سازی اسلامی» در مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی به تحلیل ابعاد اجتماعی انتظار پرداخته و ارتباط آن با ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و معنویت را بررسی کرده است. او نقش تربیت مهدوی را در تقویت همبستگی اجتماعی بسیار مهم می‌داند. حسین مقدس (۱۴۰۱) در مقاله «نقش تربیتی آموزه‌های مهدوی در اخلاق فردی و اجتماعی از منظر قرآن و حدیث» در فصل‌نامه علمی قرآن و علوم اجتماعی، آموزه‌های عملی تربیتی را که از آموزه‌های مهدوی الهام گرفته‌اند، تحلیل و دسته‌بندی کرده است. وی بر اهمیت هماهنگی میان نهادهای تربیتی در جامعه اسلامی تأکید دارد.

مطالعات متعددی در زمینه تربیت مهدوی و نیروسازی براساس آموزه‌های انتظار و مهدویت انجام شده است که این مطالعات، هر یک از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند و به‌عنوان منابع معتبر برای پژوهش حاضر استفاده شده‌اند. پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که مفهوم تربیت و نیروسازی مهدوی از زوایای مختلف، از جمله فردی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی مورد توجه قرار گرفته است. هرچند این مطالعات بر اهمیت تربیت مهدوی تأکید دارند، لیکن به چالش‌ها و موانع تربیت و نیروسازی در دکتربین مهدویت و ارائه راهکار برای تقویت این حوزه، نپرداخته‌اند.

مبانی نظری

این مفاهیم در راستای تحقق اهداف دکتربین مهدویت، یعنی ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، ایمان، و آمادگی برای ظهور منجی، تعریف و تبیین شده‌اند. از این‌رو، تدوین یک نظام تربیتی متمرکز بر این مفاهیم، به معنای عملیاتی کردن آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین علیهم‌السلام در زندگی روزمره است.

الف) مهدویت: مهدویت به معنای باور به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان منجی جهانی و برقرارکننده عدالت، یکی از اعتقادات اساسی در آموزه های اسلامی به ویژه در مذهب شیعه است. این مفهوم ریشه در قرآن کریم و احادیث دارد و تأکید دارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را از ظلم و فساد نجات داده و عدالت و صلح جهانی را برقرار خواهد کرد (جعفری، ۱۳۹۰)

ب) تربیت مهدوی: قرآن کریم به طور مکرر به وعده الهی درباره حکومت صالحان و استقرار عدالت اشاره کرده است. از جمله، در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء آمده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.

این آیه به وضوح بر ضرورت آماده سازی جامعه ای صالح و شایسته برای مدیریت زمین تأکید دارد. در همین راستا، روایات متعددی نیز بر اهمیت تربیت نسل منتظر اشاره دارند؛ به عنوان مثال، امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «مَنْ سَرَّةً أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ...» (مجلسی، ۱۴۴۰ق: ج ۵۲، ص. ۱۴۰)، که بر نقش تربیت فردی و اجتماعی در آمادگی برای ظهور دلالت دارد.

تربیت مهدوی فراتر از آموزش دینی صرف است و شامل آموزش اخلاق، معنویت، و توانمندی های عملی می شود (مطهری، ۱۳۸۹). چهار محور اصلی در تربیت مهدوی عبارت اند از:

۱. تقویت معنویت: انتظار منجی به عنوان فرآیندی برای تقویت ایمان و تقوا عمل می کند. این بُعد تربیت به کمک آموزش آیات و احادیث، زمینه ساز رشد روحانی افراد می شود. (طبرسی، ۱۳۷۹)

۲. ترویج عدالت خواهی: عدالت یکی از اصول محوری تربیت مهدوی است که به افراد یاد می دهد چگونه در زندگی فردی و اجتماعی به ارزش های عدالت محور پایبند باشند. (علامه مجلسی، ۱۴۴۰ق)

۳. آموزش مهارت های اجتماعی و فرهنگی: جامعه منتظر نیازمند افرادی است که مهارت های رهبری، مدیریت بحران، و تحلیل مسائل اجتماعی را داشته باشند. (مطهری، ۱۳۸۹)

۴. پرورش هویت اسلامی - مهدوی: هویت سازی براساس آموزه های دینی و ایجاد پیوند عاطفی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق برنامه های فرهنگی و آموزشی، از اولویت های این نوع

تربیت است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۰)

ج) **نیروسازی مهدوی:** نیروسازی مهدوی به معنای پرورش نسلی از افراد متعهد و متخصص است که توانایی نقش‌آفرینی در سطوح مختلف جامعه را داشته باشند. (موسوی، ۱۴۰۰)

۱. ویژگی‌های نیروی مهدوی:

- ایمان و تقوا (رعد: ۱۱)

- بصیرت و آگاهی اجتماعی (نهج البلاغه، حکمت ۳۹)

- توانمندی علمی و فنی (مقدس، ۱۴۰۱)

- آمادگی برای مبارزه با ظلم و فساد

۲. فرآیند نیروسازی:

- آموزش مبانی دینی و تربیتی در خانه، مدارس، و نهادهای اجتماعی

- تقویت روحیه جهادی و انقلابی در جوانان.

- بهره‌گیری از فضای مجازی برای ترویج فرهنگ انتظار. (مطهری، ۱۳۸۹)

د) **انتظار فعال:** انتظار فعال به معنای تلاش آگاهانه برای تحقق اهداف جامعه مهدوی است. این مفهوم افراد را به عمل و مشارکت در امور اجتماعی ترغیب می‌کند:

۱. ابعاد انتظار فعال

- اصلاح فردی (تقویت اخلاق و معنویت)

- تلاش اجتماعی (مشارکت در توسعه جامعه)

- مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران (جعفری، ۱۳۹۰)

۲. تفاوت با انتظار منفعل

- انتظار منفعلانه تنها به امیدواری و دعا محدود می‌شود، در حالی که انتظار فعال بر مشارکت در ایجاد بسترهای ظهور تأکید دارد.

ه) **عدالت‌خواهی:** عدالت‌خواهی به عنوان هسته اصلی دکتربین مهدویت، افراد را به مبارزه با ظلم و گسترش عدالت ترغیب می‌کند. این مفهوم بر سه اصل استوار است:

- عدالت فردی: رعایت انصاف در رفتار و تصمیم‌گیری

- عدالت اجتماعی: مبارزه با فساد و تبعیض در سطح جامعه

- عدالت جهانی: تلاش برای برقراری صلح و عدالت در مقیاس بین‌المللی (نهج البلاغه،

حکمت ۴۳۷)

روش تحقیق

با توجه به این که کاربرد این پژوهش در جهت تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز است، لذا از نوع کاربردی بوده و از آن جهت که به توسعه مفاهیم مرتبط با انتظار و مهدویت می پردازد، از نوع توسعه ای محسوب می شود؛ از این رو پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی - توسعه ای می باشد. رویکرد پژوهش و نیز نوع آن کیفی بوده که با ابزار تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل چالش ها و موانع تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز پرداخته و مبتنی بر آن راهکار ارائه می نماید. از این رو ابتدا با استفاده از منابع اولیه (آیات قرآن، روایات و متون اسلامی) و منابع ثانویه (کتاب و مقالات علمی) داده های مرتبط با تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز گردآوری شده و سپس در مرحله کدگذاری اولیه واحدهای معنایی کوچک تر که حاوی مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش بودند، به عنوان کدهای اولیه انتخاب شدند. در ادامه محورهای اصلی پژوهش که با اهداف و سؤالات پژوهش تطابق داشتند، به عنوان محورهای اصلی سازمان دهی شدند. در مرحله کدگذاری گزینشی نیز روابط میان کدها و گروه های کد بررسی شدند و در انتها پس از کدگذاری و دسته بندی داده ها و در مرحله تحلیل مضامین، این داده ها از نظر مفهومی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها

پس از بررسی و تحلیل داده ها، عوامل مشروحه ذیل به عنوان چالش ها و موانع تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروز، شناسایی شده اند که در این بخش از پژوهش به - تشریح آنها پرداخته می شود:

الف) پیچیدگی های عصر غیبت و ضرورت تربیت نسل منتظر

در عصر غیبت تهدیدهای فرهنگی و فکری ناشی از نفوذ جهانی شدن و ترویج فرهنگ های غیر اسلامی از یک سو و ضعف در ساختارهای تربیتی و آموزشی جامعه اسلامی از سوی دیگر، ضرورت توجه به تربیت نیروهای انسانی در راستای دستیابی به آرمان های مهدوی را دوچندان نموده است. نفوذ این فرهنگ ها، هویت دینی و اخلاقی جامعه را تهدید کرده و ضرورت بازنگری در رویکردهای تربیتی اسلامی را بیش از پیش آشکار کرده است.

ب) فقدان نظام تربیتی یکپارچه برای جامعه مهدوی

عدم وجود نظام تربیتی یکپارچه و کارآمد یکی دیگر از چالش‌ها و موانع در تربیت و نیروسازی مهدوی است. در بسیاری از جوامع اسلامی، تربیت دینی به صورت پراکنده و غیریکپارچه ارائه می‌شود که نمی‌تواند نیازهای عصر حاضر را پاسخ دهد. تربیت نیروهایی که علاوه بر تقوا و ایمان، توانایی تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده اجتماعی و فرهنگی را داشته باشند، نیازمند طراحی نظامی جامع و هدفمند است. لذا فقدان آموزه‌های اسلامی نظام‌مند مانع از تربیت دینی فردی و اجتماعی شده و شکل دهی باورها و ارزش‌های جوانان، را با موانعی جدی روبه‌رو می‌نماید.

ج) تعدد روایات و اختلال معرفتی جوانان

تعدد روایات و اختلافات معرفتی یکی از عوامل اساسی است که جامعه امروز به‌ویژه در میان جوانان با آن مواجه است. این مسئله از چندین جهت مورد توجه قرار می‌گیرد و به عنوان یک بحران معرفتی شناخته می‌شود که می‌تواند تأثیرات منفی عمیقی بر شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی افراد داشته باشد. یکی از دلایل اصلی این چالش، وجود منابع متنوع و گاه متناقض در حوزه روایت‌های دینی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی است. در تاریخ اسلام، تعدد نقل‌ها و تفاوت در تفسیرهای فقهی و کلامی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی - دینی شناخته شده است، اما این امر در شرایط کنونی، به دلیل گسترش فناوری اطلاعات و رسانه‌ها، ابعاد تازه‌ای یافته است. جوانان امروزی، به واسطه دسترسی آسان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، با حجم انبوهی از اطلاعات و روایت‌های دینی روبه‌رو هستند. برخی از این اطلاعات از منابع معتبر و قابل اعتماد نشأت گرفته‌اند، اما بسیاری دیگر به دلیل نبود نظارت کافی و انتشار غیرعلمی، اعتبار خود را از دست داده‌اند. این وضعیت، جوانان را در انتخاب مسیر صحیح دچار تردید و سردرگمی می‌کند و گاهی اوقات باعث می‌شود تا آن‌ها به کلی از مباحث دینی فاصله بگیرند. یکی دیگر از عوامل مهم در بروز این چالش، نبود رویکردهای آموزشی منسجم در تبیین روایت‌های دینی است. در حالی که در برخی جوامع اسلامی، تفسیرها و روایت‌های متناقض از مفاهیم بنیادین دینی به طور همزمان ارائه می‌شوند، ابزارها و منابعی برای تحلیل انتقادی و شناخت صحیح این مفاهیم در اختیار جوانان قرار نگرفته است. به همین دلیل، نسل جدید به راحتی تحت تأثیر شبهات معرفتی و تفاسیر سطحی قرار می‌گیرد.

پیامدهای این وضعیت، به شکل بحران هویت دینی، شک و تردید در باورهای اعتقادی و حتی گرایش به جریان‌ات افراطی یا سکولار قابل مشاهده است. برخی از جوانان که توانایی تحلیل و تفکیک اطلاعات درست از نادرست را ندارند، به‌سوی جریان‌هایی جذب می‌شوند که از این سردرگمی‌ها سوءاستفاده می‌کنند و روایت‌های انحرافی از دین ارائه می‌دهند.

د) تهاجم رسانه‌ای

تهاجم رسانه‌ای به‌ویژه در حوزه باورهای دینی و فرهنگی، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی و تغییر الگوهای فکری جوانان ایفا می‌کند. گسترش فناوری اطلاعات و دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جهانی، فرصت‌های بسیاری را برای ارتباطات بین‌المللی و آگاهی‌بخشی فراهم کرده است، اما هم‌زمان بستری برای انتشار گسترده اطلاعات نادرست، تفسیرهای انحرافی و تبلیغات مخرب ایجاد کرده است. رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی قدرت نرم، توانسته‌اند تأثیرات عمیقی بر باورها و ارزش‌های جوامع داشته باشند. در زمینه اعتقادات دینی، این تأثیرات گاه به شکل شبهات معرفتی، ترویج تفکرات سکولار و حتی ایجاد اختلافات مذهبی نمود پیدا می‌کند. این پدیده به‌ویژه در جوامع اسلامی، که در آن باورهای دینی جایگاه مهمی در زندگی اجتماعی و فرهنگی افراد دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تهاجم رسانه‌ای با استفاده از روش‌های گوناگون، از جمله تولید محتوای جذاب و احساسی، بهره‌گیری از تکنیک‌های روان‌شناختی و استفاده از نمادها و پیام‌های فرهنگی، تلاش می‌کند باورهای سنتی را تضعیف و جایگزین‌هایی مدرن و اغلب ناسازگار با فرهنگ بومی ارائه کند. این فرایند، جوانان را در معرض بمباران اطلاعاتی قرار می‌دهد که توانایی تحلیل و انتخاب اطلاعات صحیح را دشوار می‌کند. یکی از پیامدهای این تهاجم، ایجاد شکاف نسلی میان جوانان و نسل‌های پیشین است. رسانه‌ها با تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی و القای این باور که سنت‌ها و باورهای دینی قدیمی و ناکارآمد هستند، باعث تضعیف ارتباط جوانان با هویت دینی و ملی خود می‌شوند. این شکاف، زمینه‌ساز کاهش اعتماد به نهادهای دینی و فرهنگی و افزایش وابستگی به الگوهای وارداتی است در نهایت، باید تأکید کرد که تهاجم رسانه‌ای نه تنها یک تهدید، بلکه فرصتی برای بازنگری و به‌روزرسانی روش‌های تبلیغ دینی و فرهنگی است. اگر این چالش به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سطح آگاهی دینی و فرهنگی در جامعه و تقویت هویت اسلامی باشد.

هـ) فضای مجازی

فضای مجازی به عنوان یکی از پدیده‌های برجسته عصر حاضر، تأثیرات عمیق و چندجانبه‌ای بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی داشته است. این فضا، به واسطه سرعت انتقال اطلاعات و دسترسی آسان به منابع مختلف، به بستری تبدیل شده است که هم فرصت‌های بی‌نظیری برای رشد و یادگیری فراهم می‌کند و هم تهدیداتی جدی در حوزه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی به همراه دارد. از منظر دینی، فضای مجازی علاوه بر امکان ترویج آموزه‌های دینی و افزایش آگاهی عمومی، به مکانی برای انتشار شبهات، تبلیغ تفکرات انحرافی و تقویت جریان‌های ضد دینی تبدیل شده است. بسیاری از گروه‌ها و افراد با استفاده از ابزارهای موجود در این فضا، تلاش می‌کنند باورهای سنتی را به چالش بکشند و جایگزین‌هایی ارائه دهند که غالباً با هویت دینی و ملی جوامع اسلامی ناسازگار است. به‌ویژه در میان جوانان، این امر باعث سردرگمی معرفتی، کاهش اعتماد به نهادهای دینی و پذیرش تفکرات وارداتی می‌شود. در این فضا، کاربران به‌طور روزانه با حجم انبوهی از داده‌ها مواجه می‌شوند که شامل اخبار، تفاسیر، محتوای آموزشی و حتی اطلاعات گمراه‌کننده است. این امر، فرایند انتخاب و تحلیل اطلاعات را برای افراد، به‌ویژه جوانان، دشوار کرده و زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای سطحی و ناپایدار می‌شود. از سوی دیگر، الگوریتم‌های هوشمند در شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو به گونه‌ای طراحی شده‌اند که کاربران را در یک حلقه بازخوردی قرار می‌دهند. این حلقه‌ها اغلب محتوایی مشابه با علاقه‌مندی‌های گذشته کاربر ارائه می‌دهند که می‌تواند منجر به تقویت تعصبات و کاهش تنوع فکری شود. این وضعیت، علاوه بر محدود کردن دسترسی به اطلاعات متنوع، توانایی تفکر انتقادی کاربران را نیز تضعیف می‌کند.

و) بمباران خبری

بمباران خبری یکی از چالش‌های اساسی در عصر اطلاعات است که با افزایش روزافزون رسانه‌ها و ابزارهای انتقال پیام، شدت یافته است. این پدیده به معنای انتشار انبوه اطلاعات و اخبار، اغلب با اهداف خاص و به‌طور مداوم، در بازه‌های زمانی کوتاه است که می‌تواند مخاطبان را در معرض اطلاعات ضد و نقیض یا جهت‌دار قرار دهد. این وضعیت به‌ویژه در جوامع مدرن که دسترسی به منابع اطلاعاتی بسیار گسترده است، موجب سردرگمی، کاهش

اعتماد به منابع خبری، و ایجاد اختلال در فرایندهای شناختی افراد شده است. در سطح جهانی، بمباران خبری غالباً توسط دولت‌ها، سازمان‌های رسانه‌ای، و گروه‌های ذی‌نفع با اهدافی نظیر جهت‌دهی به افکار عمومی، تقویت ایدئولوژی‌های خاص، و ایجاد انحراف از موضوعات مهم صورت می‌گیرد. این امر به‌ویژه در فضای مجازی که مرزهای جغرافیایی معنای خود را از دست داده‌اند و اطلاعات با سرعت فوق‌العاده‌ای منتشر می‌شود، تأثیرات عمیق‌تری دارد. یکی از پیامدهای مهم بمباران خبری، کاهش توانایی تحلیل و ارزیابی اطلاعات توسط مخاطبان است. این حجم زیاد اطلاعات باعث می‌شود که افراد نتوانند میان اطلاعات واقعی و جعلی تمایز قائل شوند. علاوه بر این، کاربران در مواجهه با تناقض‌های موجود در اخبار، ممکن است دچار شک و بی‌اعتمادی به همه منابع خبری شوند که این امر به نوبه خود می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود.

پیامد چالش‌ها و موانع بر جامعه اسلامی

چالش‌ها و موانع ذکر شده پیامدهایی در ابعاد فردی، اجتماعی و نهادی بر جامعه اسلامی به دنبال دارند و می‌توانند روند تربیتی و نیروسازی مهدوی را مختل نمایند، که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند:

تُعد فردی

در سطح فردی، یکی از اصلی‌ترین موانع تربیت مهدوی، کمبود آگاهی و فهم دقیق از مفاهیم مهدویت و نقش آن در زندگی فردی است. بسیاری از افراد، به‌ویژه در جوامع مدرن، فاقد درک صحیحی از اهمیت مفهوم «انتظار» و «ظهور» هستند. این عدم آگاهی می‌تواند به بی‌تفاوتی و حتی انکار مفاهیم مهدوی منجر شود و در نتیجه تربیت فردی که دارای ویژگی‌هایی همچون عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری و آمادگی برای ظهور باشد، با مشکلاتی جدی مواجه می‌شود.

علاوه بر این، در جامعه‌ای که بیش از پیش به سوی فرهنگ مصرف‌گرایی و فردگرایی حرکت می‌کند، پرورش انسان‌هایی با ویژگی‌های مهدوی (مثل ایثار، فداکاری و تلاش برای عدالت اجتماعی) دشوار می‌شود. مشکلاتی نظیر مشغله‌های روزمره، ضعف در مدیریت زمان و همچنین فشارهای روانی و اجتماعی موجب می‌شود که افراد از خودسازی معنوی و اخلاقی باز بمانند و در مسیر تربیت مهدوی پیشرفت نکنند.

همچنین، بسیاری از افراد به‌ویژه جوانان به دلیل نداشتن حمایت‌های معنوی و خانوادگی قوی، از مسیر صحیح تربیت مهدوی خارج می‌شوند. این موضوع می‌تواند به بی‌اعتمادی و ناامیدی منجر شود که مانع از پیشرفت فردی و اجتماعی در راستای دکترین مهدویت خواهد شد.

بُعد اجتماعی

خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی قلمداد می‌گردد. در سطح خانواده، یکی از بزرگ‌ترین موانع، ناآگاهی والدین از نحوه تربیت دینی و مهدوی است. در بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه در جوامع شهری، والدین توجه کافی به آموزش و تربیت دینی فرزندان خود ندارند و بسیاری از آن‌ها درگیر مسائل مادی و روزمره زندگی هستند. به همین دلیل، مفاهیمی مانند «انتظار» و «مهدویت» در محیط خانواده به‌طور مؤثر منتقل نمی‌شود و این ضعف در تربیت اولیه، اثرات منفی بر روی نسل‌های بعدی خواهد داشت. این مشکلات در جوامعی که به‌ویژه تحت فشارهای اقتصادی قرار دارند، بیشتر خود را نشان می‌دهد. در شرایط اقتصادی سخت، خانواده‌ها بیشتر به تأمین نیازهای مادی توجه دارند و کمترین توجه را به آموزش‌های معنوی و مذهبی فرزندان خود دارند. در چنین فضایی، امکان ایجاد یک محیط معنوی و تربیت دینی برای نسل‌های آینده کاهش می‌یابد. در واقع، تربیت مهدوی نیازمند فضایی است که در آن مفاهیم معنوی در کنار نیازهای مادی افراد به‌طور همزمان رشد کنند. این فضای مناسب در بسیاری از خانواده‌ها وجود ندارد و این موضوع می‌تواند به عنوان یک مانع عمده در فرآیند تربیت و نیروسازی مهدوی مطرح شود.

در سطح اجتماعی، یکی از بزرگ‌ترین موانع برای تحقق دکترین مهدویت، تهاجم فرهنگی و سیطره فرهنگ‌های غربی است. در جوامع امروزی، به‌ویژه در کشورهای غیرشیعه، مفاهیم مهدویت به‌طور گسترده‌ای مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند و این غفلت موجب شده است که نسل‌های جدید از آنچه که به عنوان «انتظار» و «ظهور» شناخته می‌شود، بی‌خبر باشند. ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، فردگرایی و تضعیف ارزش‌های جمعی و اجتماعی، به‌ویژه در میان جوانان، یکی از چالش‌های عمده در مسیر تحقق دکترین مهدویت است. افزون بر این، در جوامع مدرن، رسانه‌ها و ابزارهای ارتباط جمعی نقشی اساسی در شکل‌دهی باورها و ارزش‌های عمومی دارند. متأسفانه، بسیاری از رسانه‌ها به جای ترویج ارزش‌های اسلامی و مهدوی،

محتوای مبتنی بر فرهنگ مادی و سکولاریسم را منتشر می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود که درک درست از دکتربین مهدویت در میان جوانان کم‌رنگ‌تر شود و نسل‌های جدید به جای پیروی از الگوهای اسلامی، به دنبال مدل‌های غربی بروند. علاوه بر این، در جوامع دچار بحران‌های اجتماعی و سیاسی، مانند فقر، جنگ و بی‌عدالتی، مفاهیم عدالت اجتماعی که در دکتربین مهدویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به فراموشی سپرده می‌شوند. در چنین جوامعی، مردم بیشتر به تأمین نیازهای اولیه خود می‌پردازند و امکان تمرکز بر مسائل بلندمدت مانند آماده‌سازی برای ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف محدود می‌شود.

بُعد نهادی

در سطح نهادی، یکی از چالش‌های بزرگ، ضعف در هماهنگی میان نهادهای مختلف آموزشی، فرهنگی و دینی است. در بسیاری از جوامع، به‌ویژه در کشورهای غیرشیعه، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی به‌طور مؤثر مفاهیم مهدویت را در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی خود گنجانده‌اند و این امر موجب بروز سردرگمی و ناآگاهی در میان افراد جامعه می‌شود.

همچنین، نبود سیاست‌های فرهنگی و آموزشی یکپارچه که در سطح ملی و بین‌المللی بر مبنای آموزه‌های مهدوی تنظیم شده باشد، یکی دیگر از موانع اساسی در مسیر تربیت و نیروسازی مهدوی است. این موضوع باعث می‌شود که اقدامات پراکنده‌ای در این زمینه انجام شود و نتایج آن‌ها به‌طور مؤثر بر روند تربیت و نیروسازی مهدوی تأثیر نگذارد. این ناهماهنگی‌ها در سطح نهادی و دولتی، موجب کاهش کارایی برنامه‌های تربیتی و آموزشی در راستای اهداف دکتربین مهدویت می‌شود.

چالش‌ها و موانع موجود در تربیت و نیروسازی مهدوی، در سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی، نیازمند توجه و اقدامات هماهنگ و مؤثر است. مقابله با این موانع و چالش‌ها نیازمند اصلاحات فرهنگی و آموزشی در سطوح مختلف جامعه است. برای تحقق دکتربین مهدویت و آماده‌سازی نیروی انسانی برای ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف، باید در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی، برنامه‌های دقیق و جامع‌تری تدوین شود که به‌طور مؤثر به رفع این چالش‌ها بپردازند.

دکتربین مهدویت با تأکید بر اصلاح فردی و اجتماعی و تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و

معنویت، به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم اسلامی شناخته می‌شود. این آموزه نه تنها به عنوان یک فرآیند انتظاری برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام مطرح است، بلکه به عنوان یک الگوی جامع برای تربیت نسل‌های آینده و ساخت نیروی انسانی مناسب برای تحقق یک جامعه عدالت‌محور و اخلاقی عمل می‌کند. در این راستا، مقاله حاضر با بررسی چالش‌ها، موانع و راهکارهای تربیت مهدوی به این نتیجه رسید که دکترین مهدویت نیازمند یک رویکرد جامع و همه‌جانبه در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی است.

راهکارهای تربیت و نیروسازی مهدوی در دنیای متحول امروزی

ترویج سواد رسانه‌ای در میان جوانان

اولین و اساسی‌ترین گام، آموزش مهارت‌های تحلیل و ارزیابی محتواهای موجود در فضای مجازی است. این آموزش‌ها باید شامل توانایی تشخیص منابع معتبر، تحلیل محتوای انتقادی و شناسایی اخبار جعلی باشد. آن‌ها باید بیاموزند که چگونه اطلاعات را ارزیابی و اعتبارسنجی کنند. این سواد باید شامل توانایی تفکیک اطلاعات صحیح از نادرست، شناخت تکنیک‌های تبلیغاتی و آگاهی از اهداف پشت پرده محتواهای رسانه‌ای باشد.

ایجاد پلتفرم‌های بومی

تولید و توسعه شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های بومی با محتوای جذاب و متناسب با ارزش‌های دینی و فرهنگی، می‌تواند جایگزین مناسبی برای استفاده از پلتفرم‌های جهانی باشد. این ابزارها باید با فناوری‌های روز و قابلیت‌های جذاب طراحی شوند تا کاربران به صورت داوطلبانه به استفاده از آنها تمایل پیدا کنند ایجاد و تقویت رسانه‌های بومی و اسلامی با استفاده از ابزارهای نوین و روش‌های خلاقانه، می‌تواند محتوای جذاب، علمی و قابل اعتماد ارائه داده و جایگزینی مؤثر برای رسانه‌های مخرب باشد و در نتیجه به ترویج ارزش‌های دینی و ملی کمک نماید.

نظارت هوشمند و هدفمند

نظارت بر محتوای منتشرشده در فضای مجازی، به‌ویژه در زمینه‌های دینی و فرهنگی، می‌تواند به شناسایی و حذف محتواهای مخرب کمک کند. این نظارت باید به‌گونه‌ای انجام شود که از نقض آزادی‌های مشروع کاربران جلوگیری کند.

طراحی الگوریتم‌های فیلترینگ هوشمند

ایجاد الگوریتم‌های پیشرفته با استفاده از فناوری‌های یادگیری ماشین و هوش مصنوعی که بتوانند اخبار معتبر را از اخبار جعلی و گمراه‌کننده تفکیک کنند، یکی از بهترین راهکارها برای مدیریت بمباران خبری است. این الگوریتم‌ها می‌توانند براساس معیارهایی نظیر منابع معتبر، سبک نگارش، و مقایسه با داده‌های موجود عمل کنند.

راه‌اندازی کمپین‌های آگاهی‌بخش عمومی

ایجاد کمپین‌های گسترده در سطح ملی و بین‌المللی برای افزایش آگاهی عمومی درباره خطرات رسانه‌ای و چگونگی تشخیص اخبار جعلی می‌تواند به کاهش اثرات این پدیده کمک کند. این کمپین‌ها می‌توانند در مدارس، دانشگاه‌ها، و از طریق رسانه‌های جمعی برگزار شوند.

تشویق به استفاده از رسانه‌های محلی و معتبر

حمایت از رسانه‌های محلی که با فرهنگ و نیازهای جامعه هدف آشنا هستند و شفافیت بیشتری دارند، می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و کاهش وابستگی به منابع غیرقابل اعتماد بین‌المللی کمک کند.

تدوین قوانین سختگیرانه در قبال انتشار اخبار جعلی

ایجاد چارچوب‌های قانونی که انتشار اخبار گمراه‌کننده را جرم‌نگاری نموده و برای مخاطبان مجازات‌های متناسبی تعیین کند، می‌تواند نقش بازدارنده‌ای در کاهش انتشار اخبار جعلی داشته باشد.

توسعه بازی‌های آموزشی مرتبط با سواد رسانه‌ای

طراحی بازی‌های آموزشی تعاملی که به افراد کمک کند در محیطی شبیه‌سازی شده مهارت‌های خود را در تشخیص اخبار واقعی و جعلی تقویت کنند، می‌تواند به ویژه برای نسل جوان جذاب و مفید باشد.

همکاری بین‌المللی در مقابله با اخبار جعلی

کشورها می‌توانند با ایجاد نهادهای مشترک و همکاری در سطح بین‌المللی، به مبارزه با انتشار اخبار جعلی در بسترهای جهانی بپردازند. این همکاری می‌تواند شامل تبادل اطلاعات و تجربیات، تدوین استانداردهای جهانی، و اشتراک گذاری فناوری‌های جدید باشد.

تقویت تعامل بین نهادهای دینی و رسانه‌ای

نهادهای دینی و رسانه‌ای می‌توانند با انتشار محتوای صحیح و شفاف، به رفع ابهامات کمک کنند. این مهم با هدف کاهش تناقض‌ها و تقویت فهم مشترک از مفاهیم دینی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء آگاهی دینی و تقویت هویت معرفتی در جامعه باشد. نهادهای دینی و فرهنگی باید به صورت فعال وارد فضای مجازی شوند و با تولید محتوای علمی، جذاب و کاربردی، نیازهای کاربران را پاسخ دهند. تعامل این نهادها با کاربران می‌تواند زمینه‌ساز ترویج آموزه‌های صحیح و مقابله با شبهات شود. این تعامل می‌تواند به تبیین دقیق‌تر و علمی‌تر مفاهیم دینی و پاسخگویی به شبهات کمک کند و به جوانان در درک صحیح مسائل دینی یاری رساند.

در مجموع، دکتربین مهدویت به عنوان یک الگوی جامع و الهام‌بخش برای تربیت انسان‌هایی با ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی بالا، نقش ویژه‌ای در شکل‌دهی به آینده جوامع بشری دارد. تربیت مهدوی، با نگاهی جامع و کل‌نگر، از اهمیت زیادی برخوردار است و نیازمند اهتمام جدی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی می‌باشد. رسیدن به این هدف مستلزم ارتقاء معنویت فردی و اجتماعی و همکاری گسترده و هماهنگ نهادهای مختلف است که از طریق آن‌ها، می‌توان بر مشکلات و چالش‌ها غلبه کرده و به سوی جامعه‌ای مهدوی و عدالت‌محور حرکت کرد. به همین منظور پیشنهادات زیر به منظور گسترش و تقویت تربیت مهدوی با توجه به راهکارهای پژوهش، برای بهبود فرآیند تربیت و نیروسازی مهدوی ارائه می‌شود:

الف) تربیت مهدوی در سطح فردی

- آموزش و تقویت فرهنگ خودسازی از طریق برگزاری دوره‌های معرفتی و معنوی در مساجد و مراکز فرهنگی
- مطالعه و تدبر در قرآن و احادیث معصومین، به ویژه مفاهیمی که بر انتظار و آمادگی تأکید دارند

- کسب بصیرت و آگاهی اجتماعی برای افزایش شناخت افراد نسبت به شرایط اجتماعی و سیاسی

- ترویج فرهنگ مطالعات میان‌رشته‌ای برای تحلیل بهتر مسائل روز، مانند عدالت و مبارزه

با ظلم

- تقویت روحیه جهادی و تشویق افراد به حضور در فعالیت‌های جهادی برای حمایت از نیازمندان
- پرورش توانایی‌های عملی در مدیریت بحران و مسئولیت‌های اجتماعی، در راستای آماده‌سازی برای نقش‌آفرینی در دوران ظهور
- ایجاد محیط معنوی در خانواده و ترویج عادات مذهبی مانند اقامه نماز جماعت در خانه و قرائت روزانه قرآن
- آموزش مفاهیم انتظار به کودکان و نوجوانان از طریق استفاده از داستان‌های قرآنی و روایت‌های مهدوی برای تربیت کودکان
- مشارکت اعضای خانواده در فعالیت‌های خیریه و اجتماعی

ب) تربیت مهدوی در سطح اجتماعی

- طراحی کتب آموزشی، برنامه‌های تلویزیونی و محتوای رسانه‌ای مناسب سنین مختلف برای آشنایی با مفاهیم مهدویت
- برگزاری کارگاه‌ها و اردوهای آموزشی ویژه نوجوانان با محوریت شناخت وظایف منتظران
- تقویت نقش نهادهای دینی و فرهنگی به خصوص مساجد جهت تبیین مفاهیم مهدویت
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای امامان جماعت و خطبا
- ترویج فرهنگ زیارت اماکن مقدس و احیای سنت‌های اسلامی مرتبط با انتظار
- بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی برای آموزش جوانان و نوجوانان درباره مفاهیم انتظار و ظهور
- ترویج عدالت اجتماعی در جامعه از طریق ایجاد نهادهای مردمی برای نظارت بر اجرای عدالت
- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از طریق برنامه‌های اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی

ج) تربیت مهدوی در سطح نهادی

- بازنگری در سیاست‌گذاری‌های آموزشی، فرهنگی، و پژوهشی برای توسعه و ارتقای فرهنگ مهدویت
- اصلاح نظام آموزشی براساس آموزه‌های مهدوی

- گنجاندن مفاهیم مهدویت و انتظار در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها؛ این برنامه‌ها باید بر مفاهیمی همچون انتظار، عدالت خواهی و آمادگی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام تمرکز داشته باشند.

- آموزش معلمان و اساتید در زمینه تربیت مهدوی و توسعه روش‌های آموزشی مرتبط

- ایجاد پژوهشکده‌های تخصصی مهدویت

- حمایت از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه مهدویت و تربیت نیروی انسانی

- انتشار کتب و مقالات علمی برای گسترش آگاهی عمومی از آموزه‌های مهدوی

- حمایت از نهادهای جهادی و انقلابی

- تأسیس مؤسسات جهادی برای پرورش جوانان در راستای اهداف دکتربین مهدویت

- تقویت پیوند بین حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، و مراکز فرهنگی برای نیروسازی

- ترویج فرهنگ انتظار در سطح جهانی به وسیله برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و

نشست‌های بین‌المللی با محوریت مهدویت جهت تعامل فرهنگی و دینی جوامع مختلف با

مفاهیم دینی و اجتماعی مهدویت

نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های اساسی در تربیت مهدوی در دنیای متحول امروز، ضعف در شناخت مفاهیم و آموزه‌های مهدوی در سطح جامعه است. بسیاری از افراد، حتی در جوامع اسلامی، به‌طور کامل با مفاهیم انتظار، عدالت خواهی و آمادگی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشنا نیستند. همین موضوع باعث ایجاد فاصله بین نسل‌های مختلف و آموزه‌های مهدویت می‌شود. همچنین، از آن‌جا که نهادهای آموزشی و تربیتی در بسیاری از کشورها در زمینه تربیت مهدوی چندان فعال نیستند، این شکاف‌های آموزشی به‌ویژه در میان جوانان، بیشتر به چشم می‌آید.

دومین چالش، مشکلات اجتماعی و اقتصادی است که افراد را از توجه به مسائل معنوی و تربیتی باز می‌دارد. در جوامعی که درگیر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی هستند، تربیت نیروی انسانی برای تحقق اهداف مهدوی معمولاً در اولویت پائین‌تری قرار می‌گیرد. این امر نیازمند طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی است که هم‌زمان با رفع مشکلات اجتماعی، به تقویت آگاهی‌های دینی و مهدوی نیز بپردازد.

تربیت مهدوی، به معنای آماده‌سازی فرد و جامعه برای تحقق اهداف مهدوی است. این فرآیند، نیازمند چارچوب‌های تربیتی و آموزشی منسجم است که در آن نقش نهادهای مختلف از جمله خانواده، مدارس، مساجد، و رسانه‌ها بسیار اهمیت دارد. چالش‌های موجود در این مسیر، مانند ناآگاهی عمومی از مفاهیم مهدویت، ضعف در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و ناهماهنگی میان نهادهای مختلف، باید به طور جدی برطرف شوند. بنابراین برای رفع موانع و چالش‌های تربیت مهدوی، نیاز به طراحی و اجرای یک چارچوب عملی و همگام با شرایط روز است. این چارچوب باید در سه سطح مختلف شامل فردی، اجتماعی و نهادی مورد توجه قرار گیرد. در سطح فردی، تقویت مهارت‌های خودسازی معنوی و اخلاقی، مانند مطالعه قرآن و احادیث معصومین و آشنایی با مفاهیم مهدویت، می‌تواند افراد را در جهت آمادگی برای دوران ظهور هدایت کند. در سطح اجتماعی، ترویج آموزه‌های مهدوی و تقویت دینی کودکان و نوجوانان در خانواده و توسعه و تعمیق فعالیت‌های مذهبی در سایر محیط‌های اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های در اختیار ساختارهای مسئول در حوزه‌های فرهنگی و مذهبی، نقش مهمی در شکل‌دهی به نسل‌های آینده دارد. بدیهی است این مهم با به‌کارگیری مشوق‌های فردی و اجتماعی محقق می‌شود. در سطح نهادی، از آن‌جا که رسانه‌ها و نهادهای دینی می‌توانند تأثیر زیادی بر آگاهی عمومی داشته باشند، باید برنامه‌های آموزشی گسترده‌ای از طریق این نهادها طراحی و اجرا شود. این برنامه‌ها می‌توانند از طریق تولید فیلم‌ها، مستندها و برنامه‌های تلویزیونی، مفاهیم مهدویت را به نسل جوان منتقل نمایند. در این راستا، رسانه‌های اجتماعی نیز می‌توانند نقش بزرگی در گسترش آموزه‌های مهدوی ایفا کنند.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۰) *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: دارالحدیث.
- جعفری، علی‌رضا. (۱۳۹۰) «مفهوم‌سازی تربیت در دکترین مهدویت». *فصل‌نامه اندیشه دینی و اجتماعی*، ۲(۴)، ۲۵-۴۵.
- سلیمانی، حسین. (۱۴۰۰) «ابعاد اجتماعی انتظار در جامعه‌سازی اسلامی»، *پژوهش‌های تعلیم و تربیت/اسلامی*، شماره ۸۳ (ص ۱۰۱ تا ص ۱۲۸).

- _ شریفی، رضا. (۱۳۹۵) / *اخبار جعلی و تأثیر آن بر افکار عمومی*، قم: انتشارات اندیشه اسلامی.
- _ طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹) *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
- _ عاملی، حسن. (۱۳۹۰) *جوانان و فضای مجازی*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- _ قاسمی، علی. (۱۳۹۸) *سواد رسانه‌ای و بمباران اطلاعاتی*، تهران: نشر فرهنگ و رسانه.
- _ مجلسی، محمدباقر. (۱۴۴۰ق) *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _ مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹) *انتظار، مهدویت و انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
- _ مقدس، حسین. (۱۴۰۱) «نقش تربیتی آموزه‌های مهدوی در اخلاق فردی و اجتماعی از منظر قرآن و حدیث»، *فصل‌نامه علمی قرآن و علوم اجتماعی*، پیاپی ۷.
- _ موسوی، ستاره. (۱۳۹۹) «تربیت نسل منتظر با رویکرد مهدوی»، *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده*، شماره ۳ (ص ۶۱ تا ص ۸۶).
- _ موسوی، سیدنقی. (۱۴۰۰) «واکاوی مؤلفه‌های تربیت مهدوی در اندیشه استاد شهید مرتضی مطهری»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، شماره ۷۴ (ص ۷۱ تا ۹۶).

Media Jihad in the Context of Mahdist Doctrines amid Accelerating Media Transformation

Ahmed Iftikhar Akmal ¹

Abstract

The contemporary media empire, through the exploitation of advanced technologies and the recruitment of commissioned artists, has assumed control over the beliefs and behaviors of the present generation, thereby exerting a covert hegemony over the global media environment. One of the fundamental strategies to confront and dismantle this concealed domination is the concept of Media Jihad.

This study, employing a descriptive-analytical approach and drawing upon diverse documentary sources, seeks to elucidate the major media strategies and interventions employed by adversaries in the domain of Mahdism. Furthermore, it aims to identify and articulate the defining characteristics of a desirable Mahdist media framework.

In pursuit of this sacred mission, it is essential to establish clear priorities for Mahdist media, and to develop a coherent, systematic plan delineating both the point of departure and the intended objectives. Within this framework, the foremost responsibility of Mahdist media is to cultivate awareness regarding the dominance of power-driven plutocrats, while simultaneously instituting effective management over the existing media landscape from a Mahdist perspective.

It is evident that such a decisive and transformative jihad cannot be realized without strengthening the position of art and artists, conducting managerial research in the field of media, reforming educational approaches, fostering human capacity, and cultivating a renewed sense of responsibility among policymakers.

Keywords: Media Jihad, Mahdism, Media Empire, Rapid Media Transformations, Religious Communication

1. Level 4 Scholar, Promised Specialized Institute (Aayandeh Roshan) (aeftekhari1353@gmail.com)

جهاد رسانه‌ای در عرصه‌ی آموزه‌های مهدوی با توجه به سرعت تحولات رسانه

احمد افتخاری اکمل^۱

چکیده

امپراطوری رسانه‌ای با بهره‌گیری از امکانات پیشرفته روز و به کارگیری هنرمندان مزدبگیر، به مدیریت اعتقادات و رفتارهای نسل امروزی مبادرت نموده و حاکمیتی مرموز بر فضای رسانه‌ای دنیا اعمال می‌نماید. جهاد رسانه‌ای یکی از راهبردهای اساسی برای شکستن این حاکمیت مرموز است. در این تحقیق که با شیوه توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد مختلف گردآوری شده است، می‌خواهیم اقدامات مهم رسانه‌ای دشمن در عرصه مهدویت را تبیین نموده و شاخصه‌های رسانه مطلوب مهدوی را بیان نمائیم. برای این جهاد مقدس لازم است؛ اولویت‌های رسانه‌ای مهدویت را مشخص نموده، نقطه شروع و پایان کار را در طرحی منسجم پایه‌ریزی نمائیم. بر این اساس مهم‌ترین اقدام رسانه مهدویت، آگاهی بخشی نسبت به حاکمیت زرسالاران قدرت طلب و اعمال مدیریت صحیح بر فضای رسانه‌ای جاری در رسانه‌های مهدوی است. مسلم است که این جهاد سرنوشت ساز، بدون تقویت جایگاه هنر و هنرمند، پژوهش‌های مدیریتی در عرصه رسانه، تحول در آموزش، نیروسازی و نگاه مسئولان، امکان پذیر نیست.

واژگان کلیدی

جهاد، رسانه، مهدویت، سرعت تحولات و امپراطوری رسانه.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تحولات جهانی تحول مدیریتی در عرصه رسانه است؛ که امروزه سرعتی غیرقابل پیش‌بینی به خود گرفته است. و همه افکار و عقاید و رفتارهای جامعه جهانی را با تحولات لحظه‌ای و فراگیر و عمیق مواجه ساخته است. امروز امپراطوری رسانه‌ای دشمن با تمام توان در حال مبارزه با معارف ناب مهدوی است. این امپراطوری ویژگی‌های

۱. دانش پژوه سطح ۴ مؤسسه تخصصی موعود(آینده روشن) قم، ایران(aeftekhari1353@gmail.com).

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

منحصر به فردی دارد و در سایه این ویژگی‌ها توانسته است به مدیریت افکار و عقاید جهانی دسترسی پیدا نماید. این امپراطوری حکمرانی خود را بر اذهان و افکار جهانیان تحمیل کرده و هر نوع عقیده‌ی مخالفی را تحمل نمی‌کند. در بین عقاید موجود در عرصه بین الملل، عقیده به منجی و یا مهدویت به عنوان عقیده‌ای راسخ و سرنوشت ساز، همواره مورد توجه ادیان مختلف و سردمداران امپراطوری رسانه بوده است. از این رو امپراطوری رسانه‌ای سعی دارد این عقیده پاک را براساس اهداف و عقاید شوم و انحرافی خود تفسیر کرده و آن را از اهداف واقعی خود دور سازد. این امپراطوری رسانه‌ای همه‌ی توان هنرمندان، رسانه‌های مختلف و ثروتمندان همسو را برای پیشبرد اهداف خود به بهترین شکل ممکن استخدام کرده و به شکل مرموزی مدیریت می‌کند. این امر ضرورت جهاد رسانه‌ای در عرصه منجی‌گرایی به ویژه معارف مهدوی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. غفلت برخی از مهدی‌باوران و یا منجی‌گرایان نسبت به این مدیریت باعث شده که بعضی از آن‌ها در دام این مدیریت ضدمنجی، گرفتار آیند و ناخواسته در زمین مدیریت شده‌ی آن‌ها بازی نمایند. کتاب رسانه و آموزه مهدویت امیرمحسن عرفان مهم‌ترین اثر در این خصوص است. که نگاهی جامع به رسانه و مهدویت داشته است. تأکید ما در این نوشتار بر بحث مدیریتی امپراطور رسانه‌ای است که کمتر به آن پرداخته شده است. کتاب شبکه عنکبوتی محمد کهنود به بحث مدیریتی و حاکمیتی رسانه‌ها پرداخته ولی کمتر به مباحث مهدویت پرداخته است. از این رو؛ به دلیل اهمیت جایگاه مهدویت و همچنین لزوم تغییر نگاه مهدی‌باوران، نسبت به رسانه‌های ضد‌مهدویت، لازم است با ارائه راهکارهایی مناسب جامعه‌ی مهدی‌باوران را با این مدیریت ضد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌الشریف آشنا سازیم و راهکارهایی مناسب را برای مدیریت مناسب فرهنگی در راستای «تعالیم ناب منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه‌الشریف» ارائه دهیم. مدیریت معارف ناب مهدویت تنها در سایه جهاد رسانه‌ای با رویکرد مهدویت و پیوند هنر با رسانه‌های مهدوی شکل می‌گیرد. این پیچیدگی‌ها، ضرورت جهاد در این عرصه را بر همگان هویدا می‌سازد و جهاد تنها وقتی جایگاه اصلی خویش را در این عرصه پیدا می‌نماید که بتوانیم با کار مطلوب رسانه‌ای در حوزه مهدویت امپراطوری رسانه‌ای مرتبط با این حوزه را به خشم در آوریم و راه آن‌ها را برای رسیدن به اهدافشان سد نموده و یا با چالش‌های جدی مواجه نمائیم.

مفاهیم کلی

الف) مفهوم جهاد رسانه‌ای

جهاد در لغت به معنای زمین سخت و نفوذناپذیر به کار رفته (جوهری، ۱۳۷۶: ج ۲، ص. ۴۶۱). توان و طاقت از دیگر معانی به کار رفته درباره این لغت است (ابن فارس، ۱۴۱۴: ج ۱، ص. ۴۸۶). در زبان فارسی هم به معنای «پیکار با دشمنان دین» و «کوشیدن» استعمال شده است (انوری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص. ۷۷۰).

رسانه در زبان فارسی وسیله‌ای است که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند مانند رادیو و تلویزیون، روزنامه، مجله و شبکه‌های رایانه‌ای (انوری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص. ۱۱۳۲).

مراد ما از جهاد در این مبحث با توجه به معانی لغوی مذکور «مبارزه حساب شده با دشمنان دین خدا در عرصه رسانه است به گونه‌ای که طاقت دشمن را در این عرصه تحت تأثیر قرار داده و راه‌های نفوذ آن‌ها را تا حد امکان مسدود سازیم. به عبارت دیگر؛ جهاد رسانه‌ای در صورتی به معنای واقعی خود نزدیک می‌شود که بتواند دشمن را در عرصه انتقال معارف ناب مهدویت عصبانی نماید» (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ص. ۱۱۱) بدیهی است که این امر مهم باید در راستای همان فعالیت دشمن باشد یعنی اگر دشمن از طریق بازی وارد میدان شده جهاد رسانه‌ای در عرصه بازی جلوه می‌نماید و اگر در قالب فضای مجازی نمود پیدا کرده، جهاد رسانه‌ای در همین راستا تبیین می‌شود. البته این بدان معنا نیست که ما باید همواره به دنبال دشمن حرکت نمائیم بلکه باید از رسانه در تقویت مبانی اعتقادی مهدی‌باوران، بهره بگیریم و در این خصوص از ابتکارات جوانان خوش فکر و اندیشمند با تمام توان استقبال نمائیم.

ب) سرعت تحولات رسانه

عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم عصر تحولات پر شتاب در عرصه‌های گوناگون زندگی است. در میان تمامی تحولات پر شتاب در عصر کنونی، تحولات رسانه‌ای نمود بیشتری داشته و همه‌ی افکار و تحولات را تحت تأثیر خود قرار داده است. تحولاتی که در گذشته در دوره‌های چندین ساله رخ می‌داد امروزه در کسری از ثانیه رخ می‌دهد. بنابراین سرعت تحولات بسیار بالا بوده و به مرز غیرقابل تصور نزدیک شده است. سرعت تحولات رسانه در حوزه‌های گوناگونی همچون؛ سخت‌فزاری، نرم‌فزاری، تولید محتوا، توزیع محتوا، سرعت اثرگذاری و اثرپذیری، مصرف تولیدات و مدیریت رسانه‌ای در حال افزایش است. با توجه به این حجم از سرعت

تحولات لازم است؛ تحقیقات و پژوهش‌های مختلف خویش را همسو و متناسب با این تحولات، تنظیم نمائیم. در این تحقیق برای روشن شدن مراد خویش از سرعت تحولات به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌نمائیم:

سرعت توسعه فناوری‌های نوین نیز جالب و غیرقابل تصور است. در این باره باید گفت که ۳۸ سال طول کشید تا تعداد مخاطبان رادیو به ۵۰ میلیون نفر برسد و تلویزیون در ۱۳ سال موفق به کسب این تعداد مخاطب شد. این درحالی است که تعداد کاربران آیفون تنها در طول ۳ و نیم سال به ۵۰ میلیون نفر رسید. فیس‌بوک یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در سراسر جهان نیز در مدت ۲ سال موفق به جذب ۵۰ میلیون کاربر شد و جالب‌تر از آن، اپلیکیشنی است که می‌توان آن را رکوردشکن دانست. گیم «پوکمون گو» Pokémon Go در تابستان دو سال پیش، تنها در مدت ۱۹ روز موفق شد تعداد کاربران را به ۵۰ میلیون نفر برساند. البته وقتی نوبت به دنیای تجارت می‌رسد انقلاب واقعی ربطی به میزان جست و جوی مردم در گوگل یا حضورشان در شبکه‌های اجتماعی ندارد. این‌جا دیگر داده‌ها (دیتا) است که خبر از انقلابی بزرگ در این حوزه می‌دهد. اکنون روزانه حدود ۲۰۵ کوئینتیلیون بایت (عدد ۲۵ با هفده صفر مقابل آن) اطلاعات در جهان تولید می‌شود که این رقم را می‌توان معادل ۱۰ میلیون دیسک بلو-ری دانست. جالب این‌جاست که ۹۰ درصد همه اطلاعات و دیتای فعلی موجود در جهان در دو سال گذشته تولید شده است که خود نشان از انقلاب بزرگ تکنولوژی در این زمینه دارد. (میترا جلیلی، <https://ifoeh.com>، فدراسیون سلامت اقتصاد ایران)

اقدامات رسانه‌ای دشمن علیه مهدویت

غرب اقدامات رسانه‌ای گوناگونی را در خصوص آخرالزمان انجام داده و همزمان با سرعت تحولات رسانه‌ای بر اقدامات رسانه‌ای خود در این خصوص افزوده است. این امر حتی در تدوین دائرةالمعارف‌هایی مانند بریتانیکا، بازی‌های رایانه‌ای، مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری و تصویری و شبکه‌های اجتماعی و تمامی ابعاد رسانه‌ای در جهان امروز صادق است. مهم‌ترین اقدامات رسانه‌ای دشمن عبارتند از:

۱. حاکمیت و مدیریت رسانه‌ای

یکی از مؤثرترین اقدامات رسانه‌ای غرب علیه مهدویت اعمال حاکمیت رسانه‌ای است. این امر بسیار مهم از دید بسیاری از کارشناسان پنهان مانده است. چرا که آن‌ها در تعریف‌هایی که برای رسانه مطرح می‌کنند این عامل مهم را نادیده می‌انگارند.

مدیریت دشمن بر رسانه در سه عرصه‌ی تولید، توزیع و مصرف محصولات رسانه‌ای اعمال می‌شود. دشمن در هر سه عرصه از طرح‌های حساب شده بهره می‌گیرد؛ در حالی که رسانه‌های جبهه حق بیشتر در عرصه مصرف فعالیت دارند و نقش کم‌رنگی در دو عرصه‌ی دیگر ایفا می‌نمایند (کهوند: ۱۳۹۵، ص. ۳۱).

به عنوان نمونه در سال ۱۹۸۲ «توماس گوبک» و «تاپیو واریس» اطلاعاتی گردآوری و صنعت برنامه‌های ضبط شده صوتی و فیلم فرا ملی را تحلیل کردند و بدین نتیجه رسیدند که شرکت‌های عمده آمریکایی فیلم، تنها شبکه یکپارچه جهانی برای توزیع فیلم‌های سینمایی هستند (حمید مولانا: ۱۳۹۱، ص. ۱۸۹).

«براساس تحقیقات صورت گرفته حاکمیت فضای مجازی از سه لایه‌ی حاکمان، مدیران و مجریان تشکیل یافته است» (کهوند: ۱۳۹۵، ص. ۳۱).

۲. موعود نشان دادن آمریکا و صهیونیست

بررسی سه فیلم «بابل پس از میلاد»، فیلم «کتاب ایلائی»، و فیلم «۲۰۱۲» به طور کاملاً واضحی نشان می‌دهد که سینما و هنر «زرسالاران قدرت طلب» به دنبال موعود نشان دادن آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل هستند: «آنچه که از آخرالزمان در این سه فیلم تصویر شده پایان حیات انسان در روی زمین است که در بابل پس از میلاد شاهد آن هستیم. منجی برای هدیه آوردن خوبی و خیر به جهان پر از خشونت و شر آمده است. در ۲۰۱۲ منجی کسی است که حیات بشریت را نجات می‌دهد. در بابل پس از میلاد منجی، پیامبر صلح و خیر به دنیای خشونت‌بار امروزی است. و در کتاب ایلائی منجی پیام الهی را به انسان‌هایی که پس از حادثه بزرگ مدنیت و خدا را فراموش کرده‌اند، می‌آورد. در این سه فیلم سه نوع منجی قابل تمییز است:

نوع اول: ناجی حیات بشر

نوع دوم: ناجی انسان از دست شر

نوع سوم: ناجی به عنوان حلقه اتصال میان بشر و خدا

هر سه ناجی در این فیلم‌ها آمریکایی هستند» (آخوندی، ۱۳۹۱: ص. ۱۵۱).

هالیوود در سال ۲۰۰۰ فیلم ماتریکس را ساخت که فروش و استقبال غیرمنتظره‌ای داشت در این فیلم هویت انسان آینده که به ماشین تبدیل شده است زیر سؤال می‌رود، اما نجاتی که

برای فرار از این بحران ذکر می شود شهری است به نام صهیون (zion) (مجله بازتاب اندیشه، شماره ۱۵، گفتگو با حسن بلخاری، ۱۳۸۷).

۳. اتهام خشونت و جنگ طلبی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

این اتهام توسط رسانه های تصویری، فیلم ها و سریال های مختلف و بازی های رایانه ای به شدت ترویج می شود. تمدن غرب دشمن شماره یک خود را تمدن شیعی و مهدوی می داند از این رو برای از بین بردن این تمدن قوی و مؤثر از تمامی امکانات مادی و رسانه ای خود و نوکران حلقه به گوشش بهره می گیرد. به عنوان نمونه «در بازی (پرنس آف پرشین) با ظرافت خاصی القاب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را روی شمشیر شخصیت اصلی داستان می نویسند و به صورت غیرمستقیم به کاربر این گونه القا می شود که امام زمان فردی خونریز و آدم کش است که جز این کار، چیزی دیگر نمی داند» (کهوند، ۱۳۹۵: ص. ۲۴۴).

«در سناریو مسیحیان صهیونیست وظیفه و مأموریت همه عناصر اصلی و مؤثر مشخص شده است از جمله مسیح موعود. وظیفه او در هم کوبیدن مردم و پر کردن زمین از لاشه مردگان و قرار دادن تمام ملل جهان تحت تسلط بنی اسرائیل و جانشینی یهود به رهبری مسیح و به جای یهود برای حکومت بر جهان یا برپایی ملکوت یهود بر روی زمین است (جرجی کنعان، ۱۳۸۶: ص. ۲۲۱) «از دهان او شمشیر تیزی بیرون می آید تا با آن اقوام بی ایمان را سرکوب کند او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد کرد و با پاهای خود شراب خشم خدای توانا را در چرخشت خواهد فشرد...» (جرجی کنعان، ۱۳۸۶: ص. ۲۲۲).

«یهودیان بر این اعتقاد پا می فشارند که مسیح قبلاً نیامده است در حالی که مسیحیان اعتقاد دارند یسوع ناصری، همان مسیح است که پیشگویی های عهد قدیم (یهود) مژده او را داده بودند و هم او مسیح موعود است که همگان منتظر دومین ظهورش هستند.» (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۵: ص. ۱۸۸) چهره ارائه شده از مسیح موعود در «سفر یوحنا» بیشتر به مسیح یهودی یا مسیح فرمانده جنگ شبیه است تا یسوع مسیح یوحنا در این رؤیا مسیح را یک یهودی جنگجو توصیف می کند: «چشمانش چون شعله های آتش است و لباس خون آلود در بردارد.» (جرجی کنعان، ۱۳۸۶: ص. ۲۲۲)

مقام معظم رهبری می فرماید:

امروز شما سیاست های رسانه ای مسلط دنیا را ملاحظه کنید مصلحت آن ها اقتضا می کند که اسلام را با تروریست مساوی بدانند این کار با سرعت هر چه بیشتر و با استفاده هر چه

بیشتر از فناوری‌های پیشرفته انجام می‌پذیرد (بیانات حضرت امام خامنه‌ای در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶).

۴. استفاده از دروغ و شیوه‌های فریب‌کارانه

استفاده از دروغ در رسانه‌های مکتوب غربی از دیگر شیوه‌های رسانه‌ای مجموعه زرسالاران قدرت طلب است. انواع و اقسام دروغ‌های مطرح شده در خصوص جنگ مهدی باوران با مسیحیان در آخرالزمان، ارتباط‌دهی موضوع هسته‌ای ایران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه‌ه، داستان پردازی‌ها و گمانه‌زنی‌ها در خصوص خشونت طلبی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه نشان از یک طراحی هوشمندانه و دقیق در عرصه رسانه‌های مکتوب با هدایت لابی پر قدرت صهیونیسم دارد رسانه‌هایی که هر سه جنبه مهم پیام یعنی محتوایی، ساختاری و بعد روان‌شناسی را به دقت طراحی و اجرا می‌نمایند (طالعی‌فر، ۱۳۹۹: سایت فرارو).

مقام معظم رهبری در خصوص دروغ‌های بزرگ رسانه‌ای می‌فرمایند:

دروغ‌های بزرگ مثل حقیقت در امواج رادیویی، تلویزیونی، اینترنتی و غیره منعکس می‌شود (بیانات حضرت امام خامنه‌ای در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶).

البته همان‌طور که بیان شد یک کشور یا دولت خاص مدیریت و حاکمیت این امر مهم را بر عهده ندارد بلکه بازوها و سرمایه‌های اسلام آمریکایی نیز به خوبی در این راستا به ایفای نقش می‌پردازند. اهم دروغ‌پردازی‌های آنان عبارت است از:

الف) ساخت و توزیع شبهات درباره اعتقادات اصیل مهدوی

پخش کتاب‌های ضاله مانند «عجیب‌ترین دروغ تاریخ» علیه معارف مهدویت در مراسم حج ابراهیمی یکی دیگر از زاویه‌های این طراحی پیچیده است. طراحی که در آن «داعش» برآمده از اسلام آمریکایی و غرب‌گرا و «تشیع‌لندنی» مکمل و متمم «حاکمیت و مدیریت» زرسالاران قدرت طلب برجریان‌های منجی‌گرایی و مهدی‌گرایی هستند. با دقت در نکات فوق راز دشمنی زرسالاران اقتدار طلب با جریان انقلاب اسلامی و مقاومت پیروزمندانه حامیان‌ش آشکار می‌شود چرا که مقاومت مقتدر همواره با طراحی تشکیلاتی، علیه امپراطوری رسانه‌ای، اقدامات قالب تقدیری انجام داده است.

ب) ترویج تفکر اشتباه لزوم نابودی جهان قبل از ظهور منجی

یکی دیگر از دروغ‌هایی که مدام بر طبل آن می‌کوبند نابودی جهان قبل از روز موعود است: جهان باید نابود شود تا روز موعود فرا رسد و بشر می‌تواند فرا رسیدن این قیامت را سرعت بخشد (شفیعی سروستانی، ۱۴۰۱: ص. ۱۸۳).

ج) ترویج خرافات در خصوص آرمگدون و تخریب مسجد الاقصی

مسیحیان صهیونیست در تمامی تبلیغات و منابع خود بر این نکته پا می‌فشارند که: آرمگدون الزاماً جنگی فراگیر و جهانی و هسته‌ای و حتمی‌الوقوع خواهد بود که طی آن میلیون‌ها نفر کشته خواهند شد. این عقاید را ارتشی از مبلغان و مبشران با استفاده از مجموعه بزرگی از رسانه‌های صوتی و تصویری، دانشگاه‌ها، مدارس، شرکت‌های فیلم‌سازی، نشریات، مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و حتی شرکت‌های تجاری تبلیغ می‌نمایند. اینان تخریب مسجد الاقصی و برپایی هیکل سلیمان را به جای آن به عنوان یکی از وقایع مهم و لازم قبل از واقعه آرمگدون می‌شناسند و از همین رو طی دهه‌های گذشته سعی وافری برای تخریب این مسجد و تأسیس معبد معجول بنی اسرائیل به کار گرفته‌اند. آن‌ها حتی ماکت این هیکل را ساخته و به نمایش گذاشته، اشیاء و ادوات مورد نیاز معبد را تهیه کرده و با گزینش جمعی از یهودیان خاص، خدمتگزاران ویژه معبد را هم آموزش داده‌اند و لباس مخصوص آن‌ها را نیز طراحی کرده‌اند. این مبلغان بیان می‌کنند که این ظهور مسیح به وقوع نخواهد پیوست مگر در سرزمین فلسطین و زیر سقف هیکل سلیمان (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۵: ص. ۱۹۱).

د) کتمان حقایق و معارف اصیل مهدوی

امپراطوری رسانه‌ای حاکم بر عالم، همواره برکتمان حقایق اصیل مهدویت به طور مستقیم و غیرمستقیم تأکید دارند. از این رو هیچ صحبتی از مهربانی، حقیقت‌جویی، عدالت‌خواهی، مبارزه با ظلم و کشتار و خشونت، ریشه‌کن شدن فقر، گسترش عبودیت و بندگی خدا، برچیده شدن بساط شرک، حقوق بشر، انسان‌سازی براساس دستورات خداوند متعال، مبارزه با نژادپرستی، معرفی معیار اساسی تقوا برای کرامت انسانی، ایثار و از خود گذشتگی، محافظت حقیقی از محیط زیست، زندگی عاشقانه انسان‌ها، برچیده شدن اختلافات و منازعات خانوادگی، برچیده شدن بساط دیکتاتورهای عالم و حاکمیت توحید و سایر بینش‌ها، احساسات و رفتارهای متعالی مورد نظر حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف صحبتی به میان نمی‌آورند. برای مثال هر آنچه ترویج و تبلیغ فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت که غیرمستقیم با معارف مهدویت ارتباط دارد را از رسانه‌های خود حذف می‌نمایند و مفاهیم ضد این فرهنگ را به

منتظران و مهدی‌باوران نسبت داده و ناب‌ترین‌ها و نجات‌بخش‌ترین‌ها را در مورد منجی بودن آمریکا و صهیونیست و اعتقادات آن‌ها را به کام مخاطبین بی‌خبر از همه جای خویش می‌ریزند. حذف تصاویر سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی عزیز را باید در همین راستا ارزیابی نمود.

کتمان حقایق و معارف اصیل مهدوی و وارونه جلوه دادن معارف اصیل شیعی در قالب قمه‌زنی و خشونت‌طلبی بزرگ‌ترین دروغ رسانه‌ای غرب است که لازم است با جهاد رسانه‌ای، افسران رسانه‌ای آن حضرت هرچه زودتر برملا شود تا جهانیان با معارف اصیل مهدوی آشنا شوند.

راهکارهای مقابله با رسانه‌های ضد مهدوی

بدون داشتن معیار درست و فهم صحیح از رسانه‌ی مطلوب در عرصه معارف مهدوی، نمی‌توانیم راهکارهای مناسبی در این عرصه ارائه نمائیم. شاخصه‌های رسانه‌ی مطلوب مهدوی عبارتند از:

۱. حاکمیت و مدیریت صحیح

آنچه مسلم است این است که خلاقیت و نوآوری در عرصه رسانه‌ای بدون آشنایی با شیوه‌های صحیح مدیریتی رسانه امکان‌پذیر نیست و لذا مهم‌ترین شاخصه رسانه مطلوب مهدوی مدیریت جهادی و صحیح عناصر اصلی ارتباطات است. مدیریت و حاکمیت، مغز متفکر رسانه بوده و رسانه بدون حاکمیت و مدیریت و یا با حاکمیت و مدیریت ضعیف و وابسته، همواره محکوم دیگر مدیران خواهد شد. به عبارت دیگر اگر رسانه‌ای از سوی متفکران خود مدیریت نشود، توسط متفکران رقیب به بهترین شیوه مدیریت خواهد شد و این امر به معنای پیروزی قطعی رقیب در این عرصه خواهد بود. و لذا مسئولین مرتبط موظفند که زیر ساخت‌های مدیریتی لازم در این عرصه را فراهم نموده و حاکمیت اسلامی و انقلابی خویش را بر رسانه‌های مهدوی و رسانه‌های همسو با تمدن اسلامی و مهدوی بازایی نمایند. این امر بدون آموزش، پژوهش و کار جهادی متخصصان در این عرصه امکان‌پذیر نیست.

«حاصل تلاش زرسالاران اقتدارطلب - که عمدتاً صهیونیست و آمریکایی هستند - موجب شده نظریه پردازان و اساتید ارتباطات و اطلاعات درباره عناصر اصلی ارتباطات نظر واحدی داشته باشند، و آن عبارت است از فرستنده، محتوای پیام، ابزار، گیرنده و بازخورد. چنین القای

موظفانه‌ای موجب غفلت همگان، از بازیگر اصلی دنیای ارتباطات و اطلاعات شده است. در علوم ارتباطی دیگر کسی بازیگر نقش اول ارتباطات یعنی مدیریت و حاکمیت فضای مجازی را نمی‌بیند. بدین معنی که مدیر می‌تواند با حذف کاربر، حذف محتوا، تقویت، ترویج و گسترش یک محتوای خاص و یا تضعیف محتوای دیگر به ارتباطات جهت بدهد. وی می‌تواند ساختار رسانه را به گونه‌ای طراحی کند که کاربرانش محتوای مورد نظر او را ببینند و یا تولید نمایند مدیر رسانه می‌تواند سیاست حاکم بر رسانه و قوانین رابه گونه‌ای کنار هم بگذارد که در نهایت بهره بیشتر را نصیب خود سازد و به تولید محتوا و نوع ارتباطات جهت بدهد» (کهوند، ۱۳۹۵: ص. ۵۶).

مدیریت دشمن بر رسانه در سه عرصه ی تولید، توزیع و مصرف محصولات رسانه‌ای اعمال می‌شود.

به عنوان نمونه در سال ۱۹۸۲ «توماس گوبک» و «تاپیو واریس» اطلاعاتی گردآوری و صنعت برنامه‌های ضبط شده صوتی و فیلم فراملی را تحلیل کردند و بدین نتیجه رسیدند که؛ شرکت‌های عمده آمریکایی فیلم، تنها شبکه یکپارچه جهانی برای توزیع فیلم‌های سینمایی هستند (حمید مولانا: ۱۳۹۱، ص. ۱۸۹).

«براساس تحقیقات صورت گرفته حاکمیت فضای مجازی از سه لایه ی حاکمان، مدیران و مجریان تشکیل یافته است» (کهوند: ۱۳۹۵، ص. ۳۱).

رسانه‌های مهدوی برای به دست گرفتن نبض حیاتی فضای مجازی لازم است در هر سه لایه ی حاکمیتی، طرح‌های خوب ارائه داده و از مجریان و مدیران قوی بهره‌مند گردند. باید بدانیم که پشت پرده مدیریت و حاکمیت مجازی، کشور و یا دولت خاصی نیست. مقام معظم رهبری در زمینه معرفی طراحان و حاکمان استعمار فرا نو می‌فرماید:

یک مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه بر نفت، حق و تو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی، می‌خواهد همه ی باورها و چارچوب‌های مورد پسند خودش برای ملت‌ها و کشورهای دیگر را به آن‌ها تحمیل کند. در این جا رهبر معظم انقلاب به جای به کاربردن واژه دولت یا کشور، از مجموعه فرهنگی استفاده می‌کنند...

اگر دشمنان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدیریت رسانه‌ای برای تحریف معارف مهدوی بهره می‌برند ما نیز باید ضعف‌های مدیریتی خود را در این عرصه شناسایی کرده و تلاش‌های خویش را مضاعف نمائیم.

امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید:

باید در برابر سیطره صهیونیسم تلاش خویش را دو برابر نمائیم. در این خصوص بیش از آنچه که به پول و مجهز شدن به ادوات مدرن نیاز داشته باشیم به تلاش دلسوزانه و حفظ حالت تهاجم و احساس این که دستگاه‌های خبری دنیا می‌خواهند انقلاب ما را در اذهان مردم جهان محکوم کنند و ما را دفن کنند، نیاز داریم ما باید با این احساس به میدان بیائیم یعنی تلاشی مضاعف. باید تحقیقاً دو برابر تلاش کرد، نه یک خرده بیشتر از تلاش معمولی (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ص. ۸۸).

به عبارت دیگر مقام معظم رهبری جهاد خالصانه و مضاعف را راهکاری اساسی برای مقابله با سیطره صهیونیست‌ها بر رسانه‌های خبری قلمداد نموده‌اند و این امر برای تمامی رسانه‌های آنان نیز صادق است.

۲. تقویت نقش هنر و هنرمند

جایگاه هنر و اثرات شگرف آن بر کسی پوشیده نیست. تفکیک رسانه از هنر و هنرمند غیرممکن است. برای مبارزه با اقدامات رسانه‌ای دشمن در عرصه‌های گوناگون بویژه مهدویت لازم است بیش از پیش به هنر و هنرمندان متعهد بها دهیم و با کارهای جهادی و خستگی‌ناپذیر زمینه را برای بهره‌مندی از آثار فاخر و ارزشمند هنرمندان فراهم سازیم. هنر اگر به ما بال پرواز به سوی تو و خدایت را عطا کرد که برترین هنر است، وگرنه هنری که مرا از مولایم جدا سازد، عین بی‌هنری است، هنر باید عشق بازی با مولای حقیقی را بیاموزد، باید راه را به هنرجو بنماید، باید دستگیر و اماندگان کوی عاشقی باشد، باید شوق پرواز به آستان حضرت دوست را در قلب جامعه جهانی بکارد، هنر باید زیبایی‌های معشوق‌مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به رخ جهانیان بکشد، هنر باید زیبایی‌های کلام امام‌مان را نمایان سازد، زیبایی راه و منش کریمانه‌اش، زیبایی خلق و متانتش را ترسیم کند، زیبایی دولت کریمه‌اش، زیبایی عدالت و صلح جهانی‌اش، زیبایی انسانیت و الایش، زیبایی دوری‌اش از آلودگی‌های مادی و معنوی، زیبایی مهربانی‌اش با مؤمنان راستین، و زیبایی جهادش با داعش صفت‌ها، زیبایی امنیتش در ابعاد مختلف و زیبایی بی‌حد و حصرش در عالم هستی، آری او خلاصه تمام زیبایی‌هاست، نه نه، بلکه او عین تمام زیبایی‌هاست، چرا که «عین الله» است، «خلیفه الله» است، «أذن الله» است و...، آیا هنری هست که بتواند این همه زیبایی را به تصویر بکشد، آیا صوت زیبایی هست که بتواند زیبایی کلامش را تفسیر نماید! آیا صورتگری هست که بتواند این

همه زیبایی را به رخ دیگران بکشد، باید اعتراف کرد که هنرمندان عاجز خواهند ماند، سخنوران در مدحش لال خواهند گشت، و تمامی هنرمندان در برابر هنرش بی‌هنر خواهند گشت چرا که او عدل قرآن است و اگر همه‌ی هنرمندان جمع شوند و از جن و انس مدد گیرند که بتوانند مثل او هنرنمایی کنند، هرگز نخواهند توانست، چرا که او حقیقت قرآن است و خلایقی که توان آوردن مانند قرآن صامت را ندارند چگونه می‌خواهند مثلی برای قرآن ناطق بیاورند! هرگز نمی‌توانند ﴿وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾ (اسراء: ۸۸) اما باید گفت آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید، پس باید قلم‌هایی ساخت که نویسنده‌ی فضایلش باشند و کتاب‌هایی نوشت که بیانگر کرامتش باشند، و هنرمندانی ساخت که با هنر مهدویت آشنا باشند. مربیانی تربیت کرد که خود تربیت یافته کوی نجاتش شوند. آیا کتاب‌های درسی فرزندان این مرز و بوم رنگ هنر مهدوی را به خود خواهند دید؟! و یا هم‌چنان در حسرت این رنگ، رنگ خواهند باخت! به امید آن که هنر و هنرمند، رنگی الهی به خود بگیرند که به فرموده قرآن مجید «رنگ الهی» برترین رنگ است. آری انتخاب رنگ، خود بالاترین هنر است! تمام کارهای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رنگی الهی دارند؛ بنابراین، رنگ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ماندگارترین رنگ است، و اگر لباس تقوایمان با این رنگ آشنا شد، هرگز حاضر نخواهیم شد آن را با لباس‌های دیگر تعویض نمائیم، که قرآن فرموده است ﴿وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾ (اعراف: ۲۶) به عنوان نمونه می‌توانیم به تمثیلات آیت‌الله حائری شیرازی اشاره نمائیم، ایشان بسیاری از معارف ناب مهدوی را با استفاده از این شیوه تربیتی تبیین فرموده‌اند که به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم:

الف) گرد قافله

«قافله‌ای که از راه می‌رسد، ابتدا گرد و خاک می‌کند اگر امروز جور و جفا عالم را فرا گرفته است بسان همان گرد خاک است که دلیل بر آمدن قافله ظهور است» (حائری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص. ۱۵).

ب) نور ماه و خورشید

امام هم‌چون «ماه» است در شب غیبت، دوره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل شب است. وقت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل روز است. زمین وقتی پشت به خورشید می‌کند می‌شود شب، رو به خورشید می‌کند می‌شود روز. مردم وقتی پشت به امام زمان شان می‌کنند می‌شود غیبت، رو به

امام زمان شان می‌کنند می‌شود ظهور... (حائری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص. ۱۵).

ج) آمادگی برای مهمانی

«امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف منتظر ماست؛ نه که ما منتظر امام زمان باشیم؛ چون همیشه آدم آماده منتظر، آدم نا آماده است. فرض کنید دو نفر می‌خواهند بروند به یک مجلسی، یکی آماده و لباس پوشیده است، اما یکی دیگر دنبال کفش یا کلاه می‌گردد حالا واقعاً کدامشان منتظرند؟» (حائری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص. ۱۵).

د) ای مثل روز آمدنت روشن

«ای روزهای خوب که در راهید! ای جاده‌های گمشده در مه! ای روزهای سخت ادامه! از پشت لحظه‌ها به در آئید! ای روز آفتابی! ای مثل چشم‌های خدا آبی! ای روز آمدن! ای مثل روز آمدنت روشن! این روزها که می‌گذرد هر روز در انتظار آمدنت هستم! اما با من بگو که آیا من نیز در روزگار آمدنت هستم؟» (قیصر امین پور، www.namaktab.blog.ir)

ه) انتظار معصوم

آه ای انتظار معصوم! تا کی در سایه دیوارها و در پناه فواره‌ها بایستم و نیامدن تو را تماشا کنم چه اندازه به تمنای تو پرده‌ها را کنار کشم و فانوس فرو مرده نگاهم را بر سقف بی پنجره یأس آویزان کنم... به چشمانم نگاه کن! زائران زاری تو اند... کبوتر دلم برای پشت بام تو له له می‌زند (عزیزی، ۱۳۸۰: ص. ۱۲۴).

۳. اولویت‌شناسی (مفید بودن) و مخاطب‌شناسی

«مراد از مفید بودن برنامه‌های رسانه‌ای به این معناست که نیاز خاصی را مرتفع سازد و دارای فایده و ارزش باشد. مفید بودن لزوماً به معنی کاربردی بودن نیست بلکه مراد از آن اثر بخشی برنامه مهدوی در دو سطح بنیادی و کاربردی است. هدف در برنامه‌های کاربردی رسانه، ناظر به تغییر عملی گرایش‌ها و بینش‌های مهدوی موجود در جامعه است. منظور از دارای اولویت بودن یک برنامه مهدوی رسانه این است که علاوه بر مفید بودن ضرورت داشته باشد. مهم‌ترین شاخصه‌های دارای اولویت بودن یک برنامه مهدوی عبارت است از:

پاسخگو بودن به مبهم‌ترین نیاز مخاطب، رفع فوری‌ترین خلل هنری و علمی در این زمینه، داشتن عمیق‌ترین تأثیر و مسبوقیت آن به تحقیقات غنی» (عرفان، ۱۳۹۴: ص. ۱۳۶).

البته رسانه مطلوب رسانه‌ای است که مخاطبین خود را هم از جهت اولویت‌ها مشخص

نماید چه بسا برنامه‌هایی که مناسب سالمندان هستند ولی برای جوانان و نوجوانان اولویت ندارند. رسانه مطلوب قوی‌ترین و اثرگذارترین کار خود را متناسب با مخاطبین جوان و نوجوان طراحی می‌نماید.

اولویت‌های مفید معارف مهدوی

پیش از سخن گفتن درباره قالب‌های جذاب هنری لازم است رسانه‌ها از آنچه باید در قالب هنر ارائه شود آگاهی کامل داشته باشند. بر این اساس باید اهم پیام‌های مهدوی، در قالب محتواهای پر بار برای ارائه به مخاطبین رسانه توسط مراکز ذیصلاح آماده شود. چه بسا رسانه ابزار و شیوه‌های مناسبی داشته باشد ولی محتوای دقیق و صحیح معارف مهدویت را در اختیار نداشته باشد. پس گام نخست در بحث رسانه‌های مهدوی تهیه محتواهای جذاب، مفید و دارای اولویت است. رسانه باید بداند کدام معرفت از معارف مهدویت دارای اولویت است، چه معرفتی نیاز روز جامعه و پاسخگوی مسائل جدی آن است. آنچه از بین مسائل مهم مهدویت دارای اولویت است عبارت است از:

الف) انتظار و زمینه‌سازی

یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که رسانه باید برای انتقال آن عزم خویش را جزم نماید مفهوم انتظار است. انتظار برترین عمل و برترین جهاد است. انتظار در روایات برترین نوع جهاد شمرده شده است «و قَالَ أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص. ۳۵) جهاد در این روایت شریف به صورت مطلق بیان شده است. اطلاق در این روایت هر نوع جهاد مرتبط با انتظار فرج را شامل می‌شود. بنابراین می‌توان جهاد رسانه‌ای در امر انتظار فرج را از مهم‌ترین انواع جهاد در خصوص انتظار فرج برشمرد. مفهوم عالی و مترقی انتظار بدون جهاد رسانه‌ای ممکن نیست در اختیار اذهان تشنه و جویای حقیقت قرار بگیرد. از یک سو امر انتظار فرج بسیار مترقی است و همه اذهان با توجه به اختلاف استعدادها، توانایی دریافت همه حقیقت آن را بدون کار رسانه‌ای ندارند. کار رسانه‌ای مطلوب در عرصه معارف مهدوی می‌تواند با توجه به اختلاف استعدادها و با بهره‌برداری از هنرهای گوناگون، جذابیت‌های لازم را در پیام ایجاد کرده و زمینه فهم و به‌کارگیری این آموزه مهم و کاربردی را به خوبی فراهم نماید.

مفهوم انتظار

انتظار از ریشه نظر است؛ در معنای انتظار نظر أخذ شده است. گاهی نظر ما به یک چیز برای حراست و نگهبانی از آن چیز است؛ در چنین جایی بیشتر از کلمه رقب استفاده می‌شود و نوعی معنای حراست و نگهبانی از آن چیز مدنظر است «الرَّقِيبُ: الحارس يشرف على رُقْبَةٍ، يحرس القوم» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۱۵۴) و گاهی نگاه شما به یک چیز از آن جهت است که آن چیز در آینده اتفاق خواهد افتاد و شما برای رسیدن آن امر لحظه شماری می‌کنی «التَّنْظَرُ: توقع من ينتظره» (همان: ص ۱۵۴) و گاهی انتظار طلب آن مقداری است که می‌تواند واقع شود «فهو طلب ما يقدر أن يقع» (عسکری، ۱۴۰۰: ص ۶۷) گاهی هم مراد از نظر؛ نگاه به امری است در یک دوره خاص اتفاق می‌افتد که از آن به تربص یاد می‌کنند «التَّرْبُصُ: الانتظار بالشئ يوماً» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ص ۱۲۰).

انتظار با ترجی متفاوت است در ترجی انتظار خیر ویژه و مخصوصی مراد است و تنها در صورت شک است که کاربرد دارد ولی انتظار این گونه نیست، یعنی برای تحقق آن نیازی به شک نیست، چنان که هم برای خیر و هم برای شک به کار می‌رود «أن الترجی انتظار الخیر خاصة ولا يكون الا مع الشک، و أما الانتظار و التوقع فهو طلب ما يقدر أن يقع» (عسکری، ۱۴۰۰: ص ۶۷).

مرحوم مصطفوی انتظار را اثرپذیری همراه صبر و بصیرت دانسته و آن را مرادف با اختیار نظر قلمداد نموده است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ص ۱۴۴)^۱

مرحوم طریحی در مجمع البحرین نظر را همان انتظار دانسته و نظر به یک امر را مشاهده آن امر دانسته است. ایشان در ادامه معنای دیگری برای نظر بیان کرده‌اند:

نظر، همان تأمل و درنگ در چیزی با استفاده از چشم است^۲ (طریحی، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۴۹۷).

با توجه به مطالب بالا می‌توانیم در معنای انتظار از حیث لغت چنین بگوئیم: در انتظار معنای نظر أخذ شده و نوعی اثرپذیری و انتخاب نظر به اندازه توانایی و اختیارات شخص در آن لحاظ شده است. بر این اساس اگر کسی زندگی و نگاه خود را به امام زمان علیه السلام بدوزد و در

۱. و الانتظار هو المطاوعة فی النظر و الأبصار صبراً، أی اختیار النظر.

۲. و التَّنْظَرُ: الإِنتِظَارُ وَ التَّنْظَرُ إِلَى الشَّيْءِ: مشاهدته وَ التَّنْظَرُ: تأمل الشَّيْءِ بالعین.

طول زندگی خویش از اعتقاد و اقدام و عمل برای آن حضرت چشم پوشی نکند، منتظر امام زمان علیه السلام خواهد بود چرا که همواره در طول زندگی نگاهش به امام عصر علیه السلام دوخته شده است.

تبیین ویژگی های اساسی منتظران در قالب رسانه

آنچه در بحث انتظار مهم است تبیین ویژگی های منتظران حقیقی حضرت در قالب فیلم های کوتاه، سرودهای اثرگذار، شعر، داستان و کارهای جذاب رسانه ای مانند مسابقه های هنری در بین هنرمندان مشهور رسانه و دعوت از آنان برای کارهای مهدوی است. البته مسئولین امر باید توجه ویژه ای به هنرمندان در خصوص برطرف نمودن مشکلات آن ها داشته باشند. تا انگیزه کافی برای ساخت فیلم ها و اثرهای رسانه ای مؤثر در آن ها پیدا شود. به عنوان مثال همان گونه که جشنواره ای تحت عنوان فجر برگزار می شود باید جشنواره هایی بین المللی در خصوص رسانه اثرگذار مهدوی برگزار شود و از ظرفیت های افراد گوناگون حتی منجی گرایان در این خصوص بهره برداری کرد.

ب) تقویت ارتباط با امام زمان علیه السلام

یکی از نیازهای اصلی بشریت داشتن راهنما در زندگی است. بهره بردن از این راهنما بدون ارتباط معنوی و علمی امکان پذیر نیست. از این رو خداوند متعال در برخی از آیات شریفه قرآن مجید مؤمنین را به این امر دعوت نموده است. همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام نیز در روایات شریفه مؤمنین راستین را به برقراری و توجه به این رابطه سرنوشت ساز تشویق نموده اند.

همان گونه که مردم باید راهی برای ادای فریضه حج پیدا نمایند و در صورت استطاعت باید این فریضه مهم و اساسی را به جای آورند باید به دنبال پیدا کردن راهی برای برقراری رابطه معنوی با امام خویش باشند و رسانه با توجه به خصوصیات منحصر به فردش می تواند به بهترین وجه راه را برای برقراری این وصال ثمربخش فراهم نموده و بستر تقویت آن را به بهترین صورت فراهم نماید.

ج) نیاز به امام و تبیین جایگاه نظارتی آن

امام زمان علیه السلام ناظر اعمال ماست و طبق آیه ۱۰۵ از سوره توبه و روایات معصومین اعمال

هر انسانی در عصر غیبت بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می‌شود.^۱ فهم این امر مهم و انتقال آن به مخاطبین جهاد رسانه‌ای می‌طلبید. از دیگر نگاه معشوق، شوق عاشق را مضاعف می‌کند، باخبر بودن و توجه به نگاه معشوق، انگیزه را در وجود آدمی زنده می‌کند، توجه به این نکته مهم، تحمل مشکلات و سختی‌های راه عاشقی را، آسان می‌نماید؛ از این طریق ما با قسم کوچکی از محاسن کلام «امام حسین علیه السلام» پس از شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام آشنا می‌شویم، سیدالشهداء پس از قربانی شدن طفل شیرخواره‌اش فرمودند:

آنچه این مصیبت را بر من آسان می‌کند این است که این مصیبت در برابر دیدگان خداوند رخ داده است.^۲ (ابن طاووس، ۱۳۹۲: ص. ۱۵۸).

این رسانه است که می‌تواند نظارت امام بر رفتارهای آحاد جامعه را در مخاطبین خود پرورش دهد. و مهم‌ترین وجوه نیاز به امام در عصر غیبت را برای نسل آشنا با رسانه‌های نوین تبیین نماید.

د) دولت کریمه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و شاخصه‌های محوری آن

تشکیل حکومت اسلامی و برقراری عدل و قسط از مهم‌ترین اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌آید. امری که باید در رأس اولویت‌های رسانه‌ای یک رسانه تراز مهدویت باشد. این امر به اندازه‌ای مهم و سرنوشت ساز است که امام باقر علیه السلام در خطبه اول از خطبه نماز جمعه خویش بر آن تأکید ورزیده و برقراری دولت کریمه را از خداوند سبحان مسئلت نموده است. این دولت آخرین دولت و زیباترین دولت تاریخ است و همه انبیا و اوصیای الهی آرزوی آن را در وجود خویش پرورش داده‌اند.^۳ بر این اساس رسانه باید تبیین شاخصه‌های دولت کریمه را در اولویت کاری خویش قرار دهد. چرا که امام فرموده‌اند... «وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص. ۴۲۴) رسانه مطلوب مهدوی می‌تواند بهترین و

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْخُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ شَوْيْدٍ، عَنِ يَحْيَى الْخَلْبِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْخَمِيدِ الطَّائِي، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «اعْمَلُوا فَمَا يَسِّرُ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» قَالَ: «هُمُ الْأَيِّمَةُ» (كافي، ج ۱، ص. ۲۱۹).

۲. قَالَ لِرَزِينِ بْنِ نَافِلٍ وَلِدِي الصَّغِيرَ حَتَّى أَوْدِعَهُ ... ثُمَّ تَلَّقَى الدَّمَ بِكَفِّهِ فَلَمَّا امْتَلَأَتْ رَمَى بِالدَّمِ نَحْوَ السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ «هَوْنٌ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ يَغْنِي اللَّهُ» (ابن طاووس، اللهوف على قتلى الطفوف، ص. ۱۵۸).

۳. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي خُطْبَةٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الْخُطْبَةُ الْأُولَى الْحَمْدُ لِلَّهِ تَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا الْإِثْمَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ...

اثرگذارترین دعوت‌کننده به سوی دولت کریمه حضرت باشد و مخاطبین خویش را به نحو شایسته‌ای مدیریت نماید «وَالْقَادَّةُ فِي سَبِيلِكَ» (همان).

با توجه به این روایت شریف مدیریت و رهبری در دولت کریمه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از خواسته‌های امام باقر علیه السلام بوده است. و این قاعده و رهبری عام است و هر نوع مدیریت از جمله مدیریت حساس و سرنوشت ساز بر فضای مجازی را در بر می‌گیرد.

داشتن طرح و برنامه در حوزه مهدویت

رسانه در دنیای امروز باید در حوزه‌های مختلف از طرح‌ها و برنامه‌های کارشناسی شده در حوزه مهدویت و رسانه بهره بگیرد.

۱. آشنایی با نقطه شروع و پایان

رسانه در صورتی می‌تواند مدیریت خویش را اعمال نماید که با نقاط شروع و پایان برنامه‌های رسانه‌ای آشنا بوده و بتواند برای برنامه‌های خود نقاط شروع و پایان مناسبی طراحی نماید. در حقیقت رسانه مطلوب رسانه‌ای است که بتواند به عنوان یک مربی موفق عمل نماید و مناسب‌ترین نقطه‌ی شروع و پایان را به مربی خویش بیان نماید. «هنر مربی در این است که به انسان بیاموزد از کار آسان و راحت شروع کند که با انجام آن بر انجام کارهای بزرگ‌تر و سنگین‌تر موفق گردد. بسیار مهم است که بداند از کجا شروع کند تا بر انجام کارهای بزرگ‌تر موفق شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۰).

۲. طرح جامع آموزش

رسانه قوی هم در بحث مدیریت رسانه‌ای و هم در بحث آموزش معارف مهدوی نیازمند تحول است علم سلطان است. علم مدیریت‌آفرین است بر این اساس لازم است در حوزه‌های ذیل دارای طرح و برنامه باشیم و با تلاشی مضاعف به جهاد رسانه‌ای جلوه‌ای دیگر ببخشیم: آسیب‌شناسی شیوه‌های موجود مدیریتی، شناسایی و استفاده از شیوه‌های بروز آموزشی، تدوین برنامه آموزشی منسجم جهت ایجاد تحول در مدیریت رسانه‌ای شناسایی بهترین جایگاه‌ها و بهترین زمان‌ها برای انتقال معارف مهدوی مانند پادگان‌های نظامی، تربیت نیروی متخصص و متعهد در حوزه آموزش معارف مهدوی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود مانند آموزش و پرورش و آموزش عالی، تقویت و ارتقاء قانون‌های موردنیاز از راه طرح یا

لایحه در مجلس و دولت.

۳. طرح جامع مقابله با شبهات

رسانه مطلوب مهدوی در صورتی در حوزه مدیریتی موفق عمل کرده که بتواند اقدامات زیر را به خوبی اجرایی نماید.

الف) تحول در شیوه‌های مواجهه با شبهات

شناسایی و تقویت شیوه‌های کارآمد فعلی بسیار مهم و ضروری است اما لازم است متناسب با سرعت تحول در القای شبهات از سوی دشمن ما نیز سرعت مواجهه با شبهات را متحول نمائیم. تقویت بنیادهای اعتقادی مرتبط با امام مهدی می‌تواند زمینه‌های انحراف را در افراد ضعیف از بین برده و یا به طور چشمگیری کاهش دهد.

راهکار مهم دیگر این که باید بتوانیم راهی را برای سلب مدیریت دشمن از فضای مجازی پیدا نمائیم. این امر باید با فراهم نمودن زیر ساخت‌های فرهنگی و علمی و کارهای فراوان تبلیغاتی صورت بپذیرد. دشمن نباید سلطه حاکمیتی بر فضای مجازی و رسانه‌های بومی ما داشته باشد. شبکه ملی اطلاعات از مهم‌ترین راهکارها در این خصوص است که باید از سوی اقشار مختلف جامعه از مسئولان مطالبه شود. این شبکه می‌تواند سلطه مستکبران را در این عرصه از بین برده و حاکمیت ملی بر رسانه را به طور چشمگیری افزایش دهد.

ب) رصد شبهات مهدوی

مهدویت از جایگاه مهمی در جهان اسلام برخوردار است و دشمنان چنانچه بیان شد با تمام توان برای مبارزه با آن در حال اقدام هستند. عدم اطلاع از شبهات روز مهدوی رسانه‌های همسورا از وظیفه و تکلیف خود در این زمینه عقب نگه می‌دارد. بنابراین لازم است به صورت تشکیلاتی تیم‌های رسانه‌ای شبهات بروز مهدویت را رصد نموده و همکاری خود را با مراکز تخصصی مرتبط روزافزون نمایند.

ج) آسیب‌شناسی پاسخ‌های موجود به شبهات مهدویت

جهاد تبیین در عرصه پاسخ به شبهات و آسیب‌شناسی پاسخ‌های موجود به شبهات مهدویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ارائه پاسخ‌های قوی و بیان نقاط ضعف در شیوه‌های پاسخگویی، راه را بر تضعیف اعتقاد به مهدویت سخت نموده و جامعه را نسبت به شبهات احتمالی آینده واکسینه می‌نماید.

د) شبهه‌سازی جهت سست کردن اعتقادات دشمن

تا چه زمانی ما باید تنها به پاسخ شبهات بپردازیم و در این عرصه از هجوم مؤثر بهره نبریم باید با سیاست بهترین دفاع حمله است پیش برویم. البته این مهم به صورت جداگانه و تفصیلی نیازمند تحقیق و طراحی حساب شده است.

نتیجه‌گیری

رصد رسانه‌های صهیونیسم بین‌الملل امری لازم در عرصه تحقیقات آخرالزمانی است. با این رصدها باید اقدامات رسانه‌ای دشمن را زیر ذره‌بین برده، اهداف، روش‌ها و برنامه‌های پیدا و پنهان آن‌ها را برملا نمائیم. برای مبارزه مطلوب در این عرصه لازم است مدیریت و حاکمیت پیچیده امپراطوری رسانه‌ای را با چالش‌های جدی مواجه نمائیم. این امر تنها در سایه جهاد رسانه‌ای در عرصه انتقال معارف ناب مهدوی و نیروسازی مؤثر در عرصه جهاد رسانه‌ای امکان‌پذیر است بدین منظور لازم است با جهاد پژوهشی، آموزشی و تربیتی جایگاه مدیریت رسانه‌ای خود را ارتقاء داده و از این طریق آگاهی بخشی عمومی و اعمال مدیریت صحیح، تارهای شبکه عنکبوتی دشمن در عرصه رسانه و فضای مجازی را از فضای روح و روان حق طلب جامعه بشری کنار بزنیم. این امر در سایه تقویت جایگاه هنر و هنرمند در این عرصه و استفاده از خلاقیت‌های فراوان اهل فن امکان‌پذیر است. بنابراین لازم است طرحی جامع برای استفاده درست از توان هنرمندان در این عرصه تهیه نموده و با استفاده از رسانه به تقویت بنیادهای اعتقادی اندیشه مهدویت در میان بشریت اقدام نمائیم.

جامعه جهانی امروز تشنه معارف ناب مهدوی است چرا که تمامی مکتب‌های مادی جهان به بن‌بست کامل رسیده‌اند. تقویت و مدیریت صحیح رسانه نقشی اساسی در تبیین معارف منجی رستین بشریت ایفا خواهد نمود و کویر تشنه کمان عصر تکنولوژی را با شراب زلال مهدوی سیراب خواهد کرد.

منابع

قرآن کریم

- _ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، اول.
- _ ابن زکریا، احمد ابن فارس (۱۴۱۴ق)، معجم المقاییس فی اللغة، بیروت: دارالفکر.

- _ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، دوم.
- _ ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۲)، *اللهوف علی قتلی الطفوف*، مترجم: علیرضا رجالی تهرانی، انتشارات نبوغ، نوزدهم.
- _ افتخاری اکمل، احمد (۱۴۰۲)، بررسی دیدگاه‌های عثمان الخمیس در زمینه ادله عقلی امامت و مهدویت نزد امامیه و نقد دیدگاه وی، *دوفصل نامه علمی-ترویجی پژوهش نامه موعود*، سال پنجم، شماره ۹.
- _ انوری، حسن (۱۳۸۵)، *فرهنگ فشرده سخن*، تهران: انتشارات سخن، سوم.
- _ آخوندی، مطهره (۱۳۹۱)، استعاره‌های تصویری آخرالزمانی در سینمای هالیوود، *فصل نامه علمی-پژوهشی مشرق موعود*، سال ششم، شماره ۲۱.
- _ بلخاری، حسن (۱۳۸۷)، گفتگو با حسن بلخاری، *مجله بازتاب اندیشه*، شماره ۱۵.
- _ جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، محقق: عطار احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، اول.
- _ حائری شیرازی، محیی‌الدین (۱۳۹۳)، *تمثیلات اعتقادی و علمی*، تنظیم و تدوین: علیرضا محمدی، قم: چشمه حکمت، اول.
- _ حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت، اول.
- _ حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵)، *بیانات ایشان در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف*.
- _ حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۲)، *روبه پایان*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، اول.
- _ شفیعی سروستانی (۱۴۰۱)، *غرب و آخرالزمان*، تهران: هلال، پنجم.
- _ طالعی فر، رضا (۱۳۹۹)، *نقش رسانه‌های غربی در مهدویت ستیزی*، اسفند <https://fararu.com>.
- _ طریحی، فریدالدین (۱۳۷۸)، *مجمع البحرین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سوم.
- _ عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۴)، *رسانه و آموزه مهدویت*، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، اول.
- _ عزیزی، احمد (۱۳۸۰)، *رؤیای رویت*، تهران: سروش، اول.
- _ عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، دارالآفاق الجديدة، اول.
- _ فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: نشر هجرت، دوم.

- _ کلینی، محمد (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، مصححین: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
- _ کنعان، جورجی (۱۳۸۶)، *میراث اسطوره‌ها*، ترجمه‌ی مؤسسه فرهنگی موعود، تهران: هلال، اول.
- _ کهوند، محمد (۱۳۹۵)، *شبکه عنکبوتی؛ روش‌های جذب، نفوذ و تأثیرگذاری در فضای مجازی*، قم: انتشارات ذکری، اول.
- _ مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱)، *راهیان کوی دوست*، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی، ششم.
- _ مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
- _ مولانا، حمید (۱۳۹۱)، *اطلاعات عالم‌گیر و ارتباطات جهانی*، ترجمه محمدحسین برجیان، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی، دوم.
- _ هاشمی نژاد، سید عبدالکریم (۱۳۴۷)، *مشکلات مذهبی روز*، تهران: انتشارات فراهانی، اول.
- _ قیصر امین‌پور، www.Namakta.Blog.ir
- _ www.resalatnews.com ، ۱۳۸۹/۱۲/۹
- _ میترا جلیلی، <https://ifoeh.com> (فدراسیون سلامت اقتصاد ایران)



How to Raise and Safeguard Children Against the Threats and Harms of the Pre-Age of Advent Era, with an Emphasis on the Contemporary Period

Dr. Pouyan Larizadeh ¹

Abstract

This article aims to explain strategies for the upbringing and safeguarding of children against the threats and harms of the pre-revelation era, with an emphasis on the complex conditions of the present age. The research method is descriptive-analytical, utilizing library resources including Islamic religious texts and works on educational sciences. Findings indicate that the period before the revelation is characterized by features such as the spread of moral corruption, the weakening of the family institution, cultural-media assaults, and distancing from authentic religious teachings, which pose profound challenges to the upbringing of the younger generation. In response to these challenges, six key educational strategies have been extracted: Providing lawful sustenance, Empathy and companionship, Self-cultivation of parents, Emulation of superior role models, creating a suitable educational environment, and facilitating timely marriage. The conclusion of the research emphasizes that success in raising protected children in this era requires the aware and active role of parents as the first educators, and the practical integration of these strategies within a family based on religious values.

Keywords: Religious Education, Apocalypse, The era before the advent, Safeguarding Children, Family

1. PhD in Persian Literature and Mystical Literature (Mystical Literature Orientation),
(larizadehpouyan@gmail.com)

چگونگی تربیت و ایمن سازی فرزندان در مواجهه با تهدیدها و آسیب های دوران قبل از ظهور با تاکید بر دوران کنونی

پویان لاری زاده^۱

چکیده

این مقاله با هدف تبیین راهکارهای تربیت و ایمن سازی فرزندان در برابر تهدیدها و آسیب های دوران پیش از ظهور، با تأکید بر شرایط پیچیده ی عصر حاضر، انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای شامل متون دینی اسلامی و آثار علوم تربیتی است. یافته ها نشان می دهند که دوران قبل از ظهور با ویژگی هایی همچون گسترش فساد اخلاقی، تضعیف نهاد خانواده، تهاجم فرهنگی رسانه ای و دوری از معارف اصیل دینی عجین شده که تربیت نسل جوان را با چالش های عمیقی مواجه ساخته است. در پاسخ به این چالش ها، شش راهکار تربیتی کلیدی استخراج شده است: تأمین لقمه حلال، همزادپنداری، خودسازی والدین، همانندسازی با الگوهای برتر، ایجاد محیط تربیتی مناسب و تسهیل ازدواج به هنگام. نتیجه گیری تحقیق بر این نکته تأکید دارد که موفقیت در تربیت فرزندان مصون در این عصر، مستلزم نقش آفرینی آگاهانه و فعال والدین به عنوان نخستین مربیان، و تلفیق عملی این راهکارها در خانواده مبتنی بر ارزش های دینی است.

واژگان کلیدی

تربیت دینی، آخرالزمان، دوران قبل از ظهور، ایمن سازی فرزندان، خانواده.

مقدمه

نشانه های عمومی عصر قبل از ظهور بیانگر غرق شدن بیشتر انسان ها در انحراف و معصیت است. بعضی از دین داران نیز، دین را از مسیر اصلی خود خارج می کنند و تنها به ظواهر امر و تجلیات بسنده دارند. در این دوران، دین داری حتی در میان قشر به ظاهر مذهبی

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات عرفانی (larizadehpouyan@gmail.com).

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

رو به کاستی و افول رفته و این در تربیت دینی کودکان نیز اثر زیادی دارد که یکی از ریشه‌های اصلی آن پدر و مادر هستند. لذا چگونگی تربیت فرزندان و ایمن‌سازی ایشان در برابر آسیب‌ها، تهدیدها و هجمه‌های شیاطین جنی و انسی در انحراف آدمیان از مسیر اصلی دین، بسیار حائز اهمیت بوده و وظیفه والدین را در این دوران بسیار سنگین‌تر از هر دوران دیگری کرده است.

بخش اول) مفهوم‌شناسی

قبل از پرداختن به بحث اصلی لازم است تا پیرامون مفاهیم و متغیرهای این موضوع، تبیینی صورت گیرد:

تربیت

تربیت یعنی پرورش دادن چیزی از حالتی به حالت دیگر تا این که کامل و تمام شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج: ۱، ص. ۳۳۶) و در اصطلاح تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و به فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه درون او و آن‌گاه که با پسوند خانواده بیاید، بدین معناست که در این نهاد کوچک، افرادی به عنوان مربیان و کسانی در جایگاه تربیت‌شوندگان وجود دارند.

غلامحسین شکوهی اصطلاح تربیت را به تأثیر ارادی بزرگسال بر خردسال، به منظور سوق دادن او به سوی حالت بزرگسالی تعبیر می‌کند (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۸۸: ص. ۲۳). علی‌اکبر شعاری نژاد در کتاب فلسفه جدید تربیت در معنای تربیت می‌نویسد:

تربیت عمل آمادگی فرد برای سازگاری مثبت با محیط است. یعنی تربیت وقتی انجام می‌گیرد که رفتار موجود فرد در نتیجه تجربه و یادگیری تغییر یابد که اگر این تغییر به نفع فرد و جامعه باشد، آن را تربیت سودمند یا تربیت مثبت گویند و در صورتی که فرد را از جامعه دور کند یا سازگاری مطلوب او را با محیط دشوار سازد، یعنی او از زندگی اجتماعی لذت نبرد و جامعه نیز از وجود او استفاده نکند، گوئیم تربیت وی تربیت منفی بوده است (شعاری نژاد، ۱۳۸۸: ص. ۲۳۲).

دکتر خسرو باقری می‌گوید:

آنچه را به اصطلاح تربیت اسلامی گفته می‌شود می‌توان چنین تعریف کرد: شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (باقری، ۱۳۸۶: ص. ۴۴)

دکتر علی‌اکبر سیف معتقد است:

بنا به تعریف، پرورش (تربیت) به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به‌طور کلی هدایت رشد همه‌جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای موردپذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفاشدن استعدادهای آنان است (سیف، ۱۳۹۸: ص ۳۷).

آخرالزمان (دوران قبل از ظهور)

به منظور فهم و کشف احوالات و شرایط قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، بررسی و تتبع در روایات ائمه معصومین علیهم السلام لازم و ضروری به شمار می‌رود. از آن جایی که بیشتر روایات مربوط به دوران قبل از ظهور با اصطلاح «آخرالزمان» آمیختگی زیادی داشته و با هم عجین شده‌اند، لازم است ابتدا مفهوم «آخرالزمان» را مورد بررسی قرار داد تا مقصود بعدی که همان فهم شرایط قبل از ظهور است، در پی آن حاصل شود.

در معارف ارزشمند اسلامی، اصطلاح «آخرالزمان» در دو معنای کلی به کار رفته است:

۱. مدت زمانی طولانی که با ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آغاز و با شروع رستاخیز بزرگ پایان می‌یابد. از این رو آن پیامبر الهی را پیامبر آخرالزمان نیز نامیده‌اند. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ص ۱۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۰، ص ۱۷۷ و ج ۲، ص ۸۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ص ۳۰۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۵۵۷)

۲. مدت زمانی که با ولادت واپسین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له مقارن شده و زمان غیبت و ظهور را در بر گرفته، با شروع قیامت به انجام می‌رسد. کلیات عقاید مربوط به «آخرالزمان» تقریباً از سوی همه فرقه‌های بزرگ اسلامی پذیرفته شده است؛ ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه له و نیز هویت او اختلاف نظر وجود دارد. شیعیان دوازده امامی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و حکومت جهانی او را حُسن ختام حیات بشر در کره زمین و او را همان موعود امت‌ها می‌دانند. در نظر آنان، با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، برخی از ائمه و نیکان و صالحان و نیز بدان و تبه‌کاران تحت عنوان «رجعت» به دنیا باز می‌گردند و زندگی دنیایی پایان می‌یابد.

بخش دوم) تهدیدها و آسیب‌های دوران قبل از ظهور

امام جعفر صادق علیه السلام ضمن روایت مفصلی، از برخی اخلاقیات و عادات‌ها و مناسبات فردی و اجتماعی که دامن‌گیر شماری از مردمان آخر زمان خواهد شد، به اشاره و فهرست‌وار یاد

کرده‌اند. این انحرافات رفتاری آخرالزمانی که امام در کلامشان برشمرده‌اند، موارد متعددی را در بر می‌گیرد که هریک به نوعی تهدید یا آسیب در مسیر تربیت فرزندان در دوران کنونی نیز به شمار می‌رود. اگر بخواهیم نمونه‌وار این توصیف‌ها را برشماریم، می‌توان به چند موردی که در ادامه آمده است، اشاره کرد.

حضرت امام صادق علیه السلام در توصیف خوی‌ها و عادت‌هایی که در آخر زمان بین مردمان رائج می‌شود، فرموده‌اند که در آن روزگار:

[دستورهای] قرآن کهنه شود و چیزهایی که در آن نیست، در آن پدید شود و [آیات آن] طبق دلخواه توجیه شود؛ هر که را به کار بد بستایند، خندان و خشنود شود و اعتراضی نکند؛ همجنس‌بازی مردان و زنان رایج و مرسوم شود؛ خانه کعبه تعطیل شود و دستور به نرفتن به آن داده شود؛ پولدار، عزیزتر از مؤمن باشد؛ ربا، آشکار شود و بر آن سرزنش نشود؛ مرد باایمان غمناک، پست و خوار شود؛ شراب را آشکارا بنوشند و آنان که از خدای عزوجل نمی‌ترسند، برای نوشیدنش گرد هم آیند؛ با شراب مداوا کنند و برای بیمار نسخه کنند و بدان بهبودی جویند؛ بدعت و زنا آشکار شود؛ مؤمن نتواند کار بد را جز در دل خویش انکار کند؛ زمامداران به کافران نزدیک شوند و از خوبان دوری گزینند؛ شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران آید، درحالی که شنیدن چیزهای ناروا برای آنان آسان و مطلوب است؛ برای اذان گفتن و نماز پول گیرند؛ همسایه از ترس زبان همسایه‌اش او را گرامی دارد؛ فرمانروایان در داوری رشوه گیرند؛ بچه کوچک، مرد بزرگ را خوار شمارد؛ مسجدها، طلاکاری و نقاشی شود؛ مردم خونریزی را آسان شمارند و برایشان عادی شود؛ انسان برای غرض دنیایی، ریاست طلبد و خود را به بدزبانی مشهور سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذارند؛ با حیوانات، نکاح کنند؛ آن که روزی حلال جوید، سرزنش شود و جوینده حرام، ستایش شود؛ مرده را به مسخره گیرند و کسی برای مرگ او غمناک نشود؛ ناسپاسی پدر و مادر آشکار شود و پدر و مادر را سبک شمارند. حال آنان نزد فرزند، از همه بدتر باشد و فرزند خوشحال است که به آنها دروغ بدهد. فرزند آنان را نفرین کند و از مرگشان خشنود شود؛ تمام غم و اندوه مردم درباره شکم و شهوتشان باشد و باکی ندارند که چه بخورند و با چه نکاح کنند؛ هرکه مال یتیمان را بخورد، او را به شایستگی بستایند؛ وقت نماز را سبک شمارند؛ نشانه‌های آسمانی پدید آید، اما مردم از آن هراس نکنند؛ اهل قرآن و تفسیر خوار شوند و هرکه آنان را دوست دارد نیز خوار شود؛ زندگی مرد، از کم‌فروشی اداره شود؛ اگر شخصی سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند، دیگران او را نصیحت کنند و بگویندش که این کار بر تو لازم نیست؛ نمازخوان، برای ربا و خودنمایی نماز خواند؛ قماربازی، آشکار شود؛ صدقه را به وساطت دیگران به اهلش دهند و برای رضای خدا ندهند؛ بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آن‌ها بپردازند؛ در حرمین (مکه و مدینه)

کارهایی که خدا دوست ندارد انجام گیرد؛ دل مردم سخت و چشمانشان خشک شود و یاد خدا بر آنان سنگین آید؛ حرام، حلال شود و حلال، حرام گردد؛ فقیهانی پیدا شوند که برای غیردین مسئله آموزند و طالب دنیا و ریاست باشند؛ مردم غیبت را سخن خوش مزه و نمکین شمارند و یکدیگر را بدان مزده دهند؛ شر و سخن چینی، آشکار شود؛ سوگندهای به ناحق، به نام خدا بسیار شود. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص. ۵۴-۶۰)

در این روزگار عجیب و غریب، غالب مردم بیش از آن که توجه خود را به سرای ابدی و جهان آخرت معطوف بدانند، در دنیای فانی و ظواهر و زینت‌های آن غرق شده‌اند؛ آن قدر از خدا و دین او دوری می‌کنند تا حدی که رحمت خدا از آنان برداشته شده و مشمول عذاب الهی می‌شوند. رسول خدا ﷺ فرمودند:

سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عَلَانِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا وَلَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفُ يَعْظُمُهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص. ۳۰۶، ح ۴۷۶؛ صدوق، ۱۴۰۶ق: ص. ۲۵۳)؛

زمانی بر امت من می‌آید که در آن زمان، درون‌های مردم پلید می‌شود؛ ولی ظواهرشان به طمع مال دنیا آراسته می‌گردد، به آنچه در پیشگاه خداوند هست، دل نمی‌بندند. کارشان ریا و تظاهر است. خوف از خدا به دل‌شان راه نیابد و خداوند آنان را به عذابی فراگیر دچار سازد. آنها چون غریق، خداوند را می‌خوانند؛ ولی او دعای‌شان را مستجاب نمی‌کند.

آنچه که از روایات مربوط به دوران قبل از ظهور برمی‌آید، وضعیت دین‌داری مردم در این دوران، وضعیت مطلوبی نداشته و غالب مردم از دایره اصلی دینداری خارج شده‌اند. این که دلایل ضعف و سستی مردم در حفظ و عمل به دین در این دوران چیست، در جای دیگری به آن اشاره خواهد شد، اما آنچه که به طور قطعی می‌توان به آن اذعان نمود، خروج درصد زیادی از مردم، از عرصه دینداری است. پیامبر اسلام ﷺ در این خصوص می‌فرمایند:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ وَهُمْهُمْ بُطُونُهُمْ وَقَبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ يَرْكَعُونَ لِلزَّغِيفِ وَيَسْجُدُونَ لِلدِّرْزَمِ حِيَارَى سُكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱، ص. ۳۷۹، ح ۱۳۳۰۵)؛

زمانی بر مردم خواهد آمد که درهم‌های آنان دین‌شان خواهد بود و همت ایشان شکم‌شان و قبله آن‌ها زنان‌شان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می‌آورند. آنان همواره در حیرت و مستی خواهند بود. نه بر مذهب مسلمانی‌اند و نه بر مسلک نصرانی.

رواج ظلم و فساد در دوران قبل از ظهور

این موضوع در بسیاری از روایات اسلامی تحت عنوان «کما ملئت ظلماً و جوراً؛ همان گونه که جهان از ظلم و جور پر شده باشد» آمده است. حضرت علی (علیه السلام) در ضمن حدیثی می‌فرماید:

یازدهمین فرزند من مهدی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان طور که پر از ظلم و جور شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص. ۳۳۸)

حضرت عبدالعظیم فرمود:

خدمت حضرت جواد (علیه السلام) مشرف شدم و می‌خواستم از آن جناب سؤال کنم آیا قائم که مهدی موعود است اوست یا غیر او؟ پس آن بزرگوار ابتداء فرمود و گفت: ای ابوالقاسم، قائم ما آن مهدی است که انتظار غیبت او واجب است، و وقتی که ظاهر می‌شود مطاع است، و سوّم از فرزندان من است. به حق آن کسی که محمّد را به نبوت فرستاد و مخصوص کرد ما را به امامت! اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند طولانی می‌کند این روز را تا آن که بیرون آید آن بزرگوار، و پُر کند زمین را از عدل و داد چنان که از جور و ستم پر شده باشد. و خداوند سبحان امر او را اصلاح می‌کند در همان شبی که فردای آن ظاهر می‌شود چنان که اصلاح فرمود امر حضرت موسی (علیه السلام) را در وقتی که رفت آتش از برای عیالش بیاورد، پس مراجعت کرد در حالتی که پیغمبر خدا بود بعد از آن فرمود: افضل اعمال شیعه ما انتظار فرج است. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ص. ۳۷۷؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ص. ۲۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص. ۱۵۶)

استفاده و به کارگیری از واژه «ظلم» و فراگیری آن در دوران قبل از ظهور، آن قدر زیاد است که تبیین دقیق تر ابعاد آن ضروری به نظر می‌رسد. از دیدگاه اسلام عدل بر سه قسم است: عدل عقیدتی، عدل فردی، عدل اجتماعی و ظلم نیز دارای همین اقسام است:

ظلم عقیدتی

ظلم عقیدتی عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی امور در عقیده و باور. کسی که معتقد به چیزی می‌شود که واقعیت ندارد، جایگاه و قانون واقعی آن چیز را در نظام هستی از نظر عقیدتی رعایت نکرده است. بر این اساس از دیدگاه اسلام توحید عدل است و شرک ظلم؛ توحید عدل عقیدتی است و شرک ظلم عقیدتی. موحد از نظر عقیده و باور، عادل است؛ چون جایگاه واقعی آفریدگار جهان را در نظام هستی رعایت کرده است، ولی مشرک ظالم است، زیرا جایگاه واقعی آفریدگار هستی را در عقیده رعایت نکرده است. قرآن

کریم از شرك به عنوان ظلمی عظیم و ستمی بزرگ یاد می کند و می فرماید:

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳)؛

شرك قطعاً ستمی بزرگ است.

ظلم فردی

ظلم فردی عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی امور در مورد حقوق خود. کسی که کاری می کند که برای جسم و یا جان او در حال حاضر و یا در آینده زیان آور است، به حق فطری و طبیعی خود تجاوز کرده، از قانون نظام هستی در مورد خویش تخلف ورزیده و به خود ستم روا داشته است. در متون اسلامی از نافرمانی خداوند به ظلم به نفس و ستم به خویش تعبیر شده است.

علت این که نافرمانی خداوند ظلم به نفس است، این است که انسان برای استیفای حقوق طبیعی خود راهی به جز اجرای فرمان های الهی ندارد که اوامر الهی در جهت تکامل انسان، و نواهی او در جهت جلوگیری از انحطاط اوست و کسی که خدا را نافرمانی می کند، یا جسم او زیان می بیند یا جان او و یا هر دو. نافرمانی خداوند موجب می شود که انسان جایگاه واقعی امور را در مورد حقوق خود رعایت نکند و بالاخره نافرمانی خداوند برای خدا ضرری ندارد، بلکه ضررش مستقیماً متوجه شخص نافرمان و عاصی می گردد. در این مورد امام صادق (ع) از ابوذر سخن جالبی را بدین مضمون نقل کرده است:

مردی به ابوذر نامه ای نوشت و از او خواست که هدیه ای از مسائل علمی برایش بنویسد، ابوذر در پاسخ نوشت: «إِنَّ الْعِلْمَ كَثِيرٌ، وَلَكِنْ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تُبْسِيَّ إِلَى مَنْ تُجِبُهُ فَأَفْعَلْ؛ علم بسیار است، ولی اگر می توانی به کسی که او را دوست می داری بدی نکنی، چنین کن.» پاسخ ابوذر بسیار دقیق و جالب بود، ولی سؤال کننده، معنای این سخن ظریف را نفهمید. این بود که از ابوذر پرسید: مگر کسی را دیده ای که نسبت به فرد مورد علاقه خود بدی کند که این توصیه را به عنوان يك هدیه علمی به من تعارف می کنی؟! ابوذر پاسخ داد: «نَفْسُكَ أَحَبُّ الْأَنْفُسِ إِلَيْكَ، فَإِذَا أَنْتَ عَصَيْتَ اللَّهَ فَقَدْ أَسَأْتَ إِلَيْهَا؛ خودت محبوب ترین افراد نزد خود هستی و وقتی تو خدا را نافرمانی کنی، قطعاً به خود بدی کرده ای.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص. ۴۵۸، ح ۲۰)

از این رو، امام چهارم در دعا می فرماید:

أَيُّ رَبِّ، بِأَنْفُسِنَا إِسْتَحَقَّقْنَا عِنْدَ مَعْصِيَتِكَ لَا بِعِظَمَتِكَ... وَحَقَّنَا أَصْغَنَا لَا كَبِيرَ حَقِّكَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۴، ص. ۱۲۵، ح ۴)؛

خدایا ما به خودمان اهانت کرده ایم هنگام نافرمانی از تو، نه به عظمت تو... و حق خود را ضایع کرده ایم، نه حق بزرگ تو را.

ظلم اجتماعی

ظلم اجتماعی عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی حقوق مردم و تخلف از قوانینی که موجب تأمین نیازهای واقعی جامعه است. کسی که حق را که مربوط به دیگری است غصب می کند، جایگاه واقعی آن حق را رعایت نکرده، از قانون نظام جامعه تخلف کرده و بدین جهت مرتکب ظلم اجتماعی شده است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾ (نساء: ۱۰)؛
آنان که اموال یتیمان را به ظلم می خورند، همانا آتش در شکم های خویش می کنند.

ناترازی در ارتباط مردم با دین

احوالات بیان شده در مورد مردمی که در دوران قبل از ظهور زندگی می کنند، بیانگر آن است که اختلالات و ناترازی های زیادی در آن زمان نسبت به رابطه مردم با دین شان ایجاد شده است. این ناترازی، انواع مختلفی را در برمی گیرد. ناترازی هایی از جنس اعتقادات، باورها، رفتارها و... در حوزه های مختلفی همچون اخلاقیات، عبادات و باورهای قلبی که همگی بخشی از وجود یک مسلمان مؤمن را تشکیل می دهند. اگر تمام آنچه را که در روایت مفصلی از امام صادق (علیه السلام) ذکر شد مرور نمائیم، هریک به نوعی حاکی از ناترازی و فاصله گرفتن عموم مردم از بطن حقیقی دین است.

سؤالی که به طور جدی در این جا مطرح می شود آن است که دلیل این همه ناترازی و فاصله گرفتن از حقیقت دین و فلسفه خلقت که همان عبودیت است، چیست و چرا جامعه مسلمانان در شرایطی قرار می گیرد که حفظ دین در آن این قدر سخت بوده و مؤمنین در اقلیت قرار بگیرند؟

چالش های فرزندان در دوران کنونی

وضعیت دینداری در آخرالزمان سخت و شکننده و میزان رویگردانی اغلب مردم از دستورات الهی، زیاده تر است. این مسئله دلایل مختلفی می تواند داشته باشد، از جمله:

تحریف در آموزه های متعالی و راستین دین در این عصر فزونی می گیرد و ادیان و مکاتب مختلفی شکل می گیرد؛ این ادیان ساختگی، رنگ و بویی از حقیقت ندارند و تهی از معنویت و

باورهای راستین حق گرایانه هستند.

در روایات نیز اشاره شده که سرگردانی در عقاید دینی، نتیجه جریانبات باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت ظاهر می شود (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ص. ۲۲۸).

غول های ارتباط جمعی و رسانه ای، به شدت با اسلام درگیر می شوند و با انواع تخریب ها و تحریف ها و سیاه نمایی ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام و دین نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطنت آمیز واقعیت ها را تحریف و تخریب می کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می شوند و گاه از دین خود شرمند می شوند و از طرفی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می کنند، به گونه ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان کنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می شود که برخی، همه چیز را به فراموشی می سپرند و حتی انسانیت را زیر پا قرار می دهند روشن است که با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.

تأثیرات مخرب سایت های مستهجن بر روی فرزندان (کودکان و نوجوانان): دستیابی به تصاویر و فیلم های غیراخلاقی یا همان هرزه نگاری در سنین پائین، یعنی کودکی و نوجوانی، امروزه، آن هم با توجه به فناوری های جدید مانند اینترنت، از مباحث بسیار جدی و نگران کننده است که خانواده ها و سایر اقشار فرهنگی و فرهیخته جوامع، به خصوص متخصصان علوم رفتاری و روان شناسان را به چالش کشیده و نگران ساخته است.

گزارش مرکز تحقیقات فورستر در سال ۱۹۹۸، حجم درآمد سالیانه صنعت پورنوگرافی را از طریق اینترنت بین ۷۵۰ میلیون دلار تا ۱ میلیارد دلار تخمین می زند و نکته بسیار مهم در این میان روش ها و راه هایی است که گروه ها و جریان های صهیونیستی برای رسیدن به این اهداف انتخاب می کنند. به طور کلی اصلاً برای این جریان ها اخلاقی بودن و یا انسانی بودن یا نبودن این راه ها و شیوه ها مهم نیست، بلکه تنها چیز مهم همان اهداف همیشگی صهیونیست است. (پورخاتون و نیک طبع، ۱۳۹۰: ص. ۷)

تشخیص وظیفه: وظیفه یک مسلمان معتقد، آن است که تکالیف دینی خود را به خوبی بشناسد و به آنها عمل کند. هنگام حضور ظاهری امام در جامعه در میان مردم، امر تشخیص وظیفه، راحت تر است؛ چراکه فرد به خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خود می رسد و کسب تکلیف

می‌کند، ولی در زمان غیبت، این امر به صورت کامل، بر عهده خود شیعیان است. طبیعی است که وظیفه، دوجندان می‌شود و کار مشکل‌تر می‌گردد؛ چراکه تشخیص وظیفه، مسئله بسیار مهمی است که امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد. البته امامان، شیعیان را به حال خود رها نکرده‌اند، بلکه از آنان خواسته‌اند که به عالمان و کارشناسان دین و اسلام‌شناسان فقیه مراجعه کنند و برای تشخیص وظیفه، از آنان مدد جویند. در توقیعی که از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است، آمده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، باب ۴۵، ح ۴)؛

و اما حوادثی که واقع می‌شود، پس در آنها به راویان حدیث ما (علما و فقهای اسلام‌شناس) رجوع کنید که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنان هستم.

مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن دور می‌شوند. این دور شدن به چند شکل اتفاق می‌افتد. توجه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام؛ یعنی، مردم به جای این که دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش بدهند. (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۹۰)

همچنین به قدری معانی مختلف و برداشت‌های غیرمعقول از قرآن عرضه می‌شود و به قدری اختلاف قرائت‌ها و تکرگرایایی رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن در بین مردم گم شود و کسی نداند که منظور خداوند از نزول فلان آیه یا سوره یا کل قرآن و اسلام چیست. در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند، زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد.

تلاش صهیونیست برای فروپاشی خانواده: یکی از اهداف پلید جامعه صهیونیستی، فروپاشی بنیان خانواده است. در این راه برنامه‌ریزی کردند و هم‌چنان در حال تلاش هستند. خانواده اساس جامعه است و جامعه تابع تحولاتی است که در فرد و خانواده رخ می‌دهد. بنابراین اگر در خانواده‌ای، پدر و مادر مؤمن باشند، خانواده طیب و عقیفی شکل می‌گیرد.

اساس تفکر حاکم بر جریان صهیونیستی جهان، فروپاشی خانواده است. این فروپاشی و تلاش صهیونیست معطوف به ایران نبوده و جهانی است. مرکز تحقیقات پیو (Pew)، یک اندیشکده آمریکایی مستقر در واشنگتن، اخیراً نتایج یک نظرسنجی را درباره ساختار «خانواده

مدرن آمریکایی» به اشتراک گذاشت. در این گزارش آمده بود:

خانواده آمریکایی در دهه های اخیر دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. دیگر یک شکل خانواده غالب وجود ندارد و آمریکایی ها زندگی خانوادگی را به شیوه های گوناگونی تجربه می کنند. کارشناسان معتقدند افول مسیحیت با فروپاشی ازدواج و خانواده مرتبط است.

طبق گزارش «پیو»، در مقایسه با سال ۱۹۷۰، خانواده آمریکایی متشکل از مادر، پدر و فرزندی که با هم زندگی می کنند از ۶۷ درصد به ۳۷ درصد کاهش یافته است. براساس گزارش ها، بخش عمده ای از این کاهش به دلیل عادی شدن زندگی مشترک بزرگسالان مجرد است. مطالعه دیگری که Communio، یک سازمان غیرانتفاعی مذهبی مستقر در واشنگتن که به کلیساها مشاوره می دهد انجام داد، نتایج مشابهی به همراه داشت و استدلال می کرد: زوال دین با فروپاشی ازدواج و پدربودن مرتبط است و فروپاشی ازدواج در نتیجه انقلاب جنسی، انفجار در میزان طلاق و تک فرزندی ساختار خانواده ها را تغییر داد و با انجام این کار، نیمکت های کلیسا را خالی کرد. (خبرگزاری برنا، ۱۴۰۲، از فروپاشی خانواده تا افول دین)

«جی پی دیگانس»، رئیس سازمان Communio، گفت:

این یک واقعیت واضح است که رشد کنونی بی دینی بین اواسط دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، حدود ۲۵ تا ۳۰ سال پس از شروع انقلاب جنسی (آزادی جنسی دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در غرب که از آن به انقلاب جنسی یاد می شود) آغاز شد. در سال ۱۹۶۰ رشد انفجاری در تولدهای خارج از ازدواج و طلاق را تجربه کردیم که منجر به کاهش تعداد فرزندی بود که با پدر در خانه بزرگ می شدند. این چیزی است که باعث افزایش عدم وابستگی مذهبی شده است. فروپاشی ازدواج علت اصلی بود، که همچنین کاهش حضور در کلیسا و رشد انفجاری تنهایی در کشور ما را نیز توضیح می دهد.

مطالعه Communio براساس یافته های ۱۹ هزار نظرسنجی از ۱۱۲ گردهم آیی مختلف در ۱۳ ایالت انجام شد. (خبرگزاری برنا، ۱۴۰۲، از فروپاشی خانواده تا افول دین)

مسئله زوال دین در غرب در آثار متفکران این دیار انعکاس قوی دارد. «چگونه غرب خدا را واقعاً از دست داد؟» نام اثری از مری ایبرشتات، نویسنده مشهور و منتقد فرهنگی، است که به فارسی هم ترجمه شده. او در این اثر بزرگ، نظریه قدرتمندی درباره زوال دین در جهان غرب ارائه می دهد. عقیده عمومی بر این است که غرب ابتدا انحطاط مذهبی را تجربه کرد و به

دنبال آن خانواده زوال یافت. ایبرشتات این تعبیر را متحول کرد. او با جمع‌آوری مجموعه‌ای شگفت‌انگیز از تحقیقات، شامل داده‌های تاریخی حیرت‌آور در مورد افول خانواده در فرانسه قبل از انقلاب تا فرهنگ مردمی معاصر در آمریکا و اروپا، نشان داد که برعکس این ایده نیز صادق است: سست شدن پایه‌های خانواده، خود باعث افول مسیحیت شده است.

از مهم‌ترین ناهنجاری‌های خانوادگی در آخرالزمان ایجاد گسست شدید عاطفی بین اعضای خانواده و از هم گسیختگی خانواده‌هاست. از منظر احادیث اسلامی، در آخرالزمان بنیاد خانواده‌ها به شدت سست و آسیب‌پذیر خواهد شد و فسادها، فتنه‌ها و آفت‌های فراگیر این دوران، در متن تمام خانه‌های شرق و غرب عالم نفوذ خواهد یافت و نه تنها فرزندان که پدران و مادران را نیز فرا خواهد گرفت.

از طرف دیگر هر چند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است؛ ولی پاداش انسان‌های متدین و دین‌مدار نیز افزون است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ به اصحاب‌شان فرمود:

به زودی گروهی بعد از شما می‌آیند که یک نفر از آنان اجر پنجاه نفر از شما (صحابه) را دارد. اصحاب گفتند: یا رسول الله! ما با تو در بدر و احد و حنین شرکت داشتیم و قرآن در میان ما نازل شد. پیامبر فرمود: اگر بر شما وارد می‌شد آن چه آنان تحمل می‌کنند، مانند صبر آنان صبر نمی‌کردید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۳۰، ح ۲۶)

مؤمنان آخرالزمان، به فرموده امیرمؤمنان (علیه السلام):

در کارها و فداکاری‌های نیک و بزرگ مسلمانان صدر اسلام شریک‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۳۱، ح ۳۲)

و اینان کسانی‌اند که پیامبر، آنان را برادر خود خوانده و آرزوی دیدار آنان را کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۳۳، ح ۳۶)

و افرادی هستند که خداوند، آنان را اولیای خود خوانده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص. ۱۴۳، ح ۵۹)

بنابراین در این دوران عده‌ای از مردم، به اوج تقوا و دین‌داری رسیده و به آن پایبند هستند. اینان یاران و دوستداران حضرت مهدی (عجله الله تعالی فرجه الشریف) هستند و تلاش می‌کنند تا زمینه ظهور و قیام آن حضرت را فراهم سازند و جامعه را آماده کنند.

بخش سوم) تربیت و ایمن‌سازی فرزندان

با مطالعه اجمالی روایات مربوط به ایام و دوران قبل از ظهور، ریشه و عامل اصلی که در ضمن تمامی روایات این موضوع به چشم می‌خورد، «ضعف ایمان و تقوا» است. اگر روایت امام صادق (ع) را که در بخش قبل بدان اشاره شده بود، را با این نگاه که ضعف ایمان چه نقشی در هریک از موارد دارد مطالعه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که ریشه تمامی موارد مذکور در آن روایت و سایر روایات، همین ضعف ایمان و تقواست.

البته آن چه که در برخی روایات، پیرامون سختی و دشواری حفظ ایمان در دوران قبل از ظهور ذکر شده نیز مؤید همین برداشت‌ها و ریشه‌یابی ماست. در روایتی از انس بن مالک از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجُمْرِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۸، ص ۴۷۰)؛

زمانی بر مردم خواهد آمد که صبر نمودن در برابر مسائل دین - و عمل به دستورات آن - همانند در دست گرفتن آتش گداخته است.

در روایت دیگر ایشان در وصف برادران آخر الزمانی خود می‌فرمایند:

لَأَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرُطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَصَا (صفار، ۱۴۰۴ق: ص ۱۰۴)؛

هر يك از آنان بر دین خود باقی است با این که باقی ماندن بر دین سخت‌تر از زدن تیغ درخت با دست و صاف کردن آن و از نگه داشتن آتش درخت‌های سخت (که آتش‌شان دوام زیاد دارد)، در دست است.

امام صادق (ع) پس از آن حدیث مفصل، راه در امان ماندن از آفت‌های آن روزگار پُر بلا را نیز بیان فرموده‌اند. ایشان در پایان این روایت، خطاب به آن فردِ دوستدارشان و در واقع خطاب به تک‌تک مردمانی که پیرو راستی و حق هستند، فرموده‌اند که در چنان شرایط و روزگاری، «خود را واپایی [= مراقبت کن] و از خدای عزوجل نجات بخواه و بدان که [در چنین وضعی] مردم مورد خشم خدای عزوجل قرار گرفته‌اند و خداوند به خاطر کاری است که آنها را مهلت داده. مراقب باش و کوشش کن تا خدای عزوجل تو را برخلاف آنچه مردم در آنند، مشاهده کند تا اگر عذاب بر آنها نازل شود و تو در میان آنها باشی، به سوی رحمت حق شتافته باشی و اگر جدا شوی، آنان گرفتار شوند و تو از روش آنان و بی‌باکی آنها نسبت به خدای عزوجل بیرون

باشی و بدان که به راستی خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نکند و همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۶۰)

در این دوران کم توجهی والدین نسبت به تربیت دینی فرزندان تا اندازه‌ای است که آن‌ها مانع از آشنایی فرزندان خود با معارف دینی می‌شوند. همان‌طور که پیغمبر اسلام ﷺ در این باره فرموده است:

يَكُونُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدَيْ أَبَوَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبَوَانِ فَعَلَى يَدَيْ زَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَوَلَدٌ فَعَلَى يَدَيْ قَرَابَتِهِ وَجِيرَانِهِ (منذری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۴۴۴، ح ۸۶۹۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۰، ص ۳۶۱)؛

هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می‌یابد، اگر پدر و مادر نداشته باشد به دست همسر و فرزندان و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگان.

همچنین در روایت دیگری نقل شده است که آن حضرت به تعدادی از کودکان نظر انداخته و فرمود:

وَيْلٌ لِّلْأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُوهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ص ۱۶۴، ح ۱۷۸۷)؛

وای بر فرزندان آخرالزمان از پدرانشان! عرض شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه، از پدران مسلمان‌شان که چیزی از فرائض دینی را به آنها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان خود از پی فراگیری برون‌دست منع‌شان می‌کنند. و تنها از این خشنودند که آنها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

مسلمان زمانی که والدین می‌خواهند نقش مربی را ایفا کنند و فرزندان خود را به عنوان یک منتظر حقیقی به گونه‌ای تربیت کنند که از آفات، آسیب‌ها و تهدیدات دوران قبل از ظهور تا حد زیادی در امان قرار بگیرند، ابتدا لازم است شخص پدر و مادر، خودشان نیز در مسیر تربیتی صحیح قرار گرفته و طی مسیر کرده باشند. پس ابتدا پدران و مادران محترم بر این امر مهم توجه داشته باشند؛ چراکه فرزندان ما جلوه عملی رفتار، گفتار و کردار ما را الگو قرار می‌دهند؛ از این رو مربی در فرهنگ اسلامی، یک رکن اصلی در شیوه تربیت اسلامی است که ویژگی‌هایی

برای او ذکر شده است و پدر و مادر در خانواده، مهم ترین مربیان فرزندان هستند.

سؤال اساسی در این موضوع این است که با توجه به تمامی شرایط قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیهم که دنیا را ظلم و فساد فراگرفته و بدان اشاره شد، نقش والدین در زمینه تربیت و ایمن سازی فرزندان در مواجهه با تهدیدها و آسیب های این دوران، اعم از حقیقی یا مجازی، چیست؟

لقمه حلال

والدینی که تربیت صحیح فرزندان را جویا هستند، در کسب لقمه حلال و پاک، همتی دارند که آن را با هیچ چیز معاوضه نمی کنند. چرا که می دانند لقمه ناپاک و حرام بر نسل ایشان اثر خواهد داشت. اما گاهی روزگار به شیوه ای رقم می خورد که افراد به جای کسب لقمه حلال، به فکر رفاه و آسایش ظاهری خودشان هستند. در این مورد امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است:

هم و غم مردم در آخرالزمان همه همت مردم به سیر کردن شکم و رسیدگی به شهوت شان خلاصه می شود، دیگر اهمیت نمی دهند که آنچه می خورند حلال است یا حرام؟ و این که آیا راه اطفای غرایزشان مشروع است یا نامشروع؟! (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص ۴۲۰)

همچنین فرموده است:

برای مردم زمانی پیش می آید که اُحدی یافت نمی شود جز این که به ربا آلوده گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد. (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ص ۳۳۳)

بنابراین خانواده مهدوی باید تلاش کند تا از هر گونه رزق حرام و حتی شبهه ناک دوری کنند تا در عین حفظ اساس خانوادگی خود، فرزندان و نسل خود را از آسیب ها و انحراف ها حفظ کنند.

همزاد پنداری

شیوه تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله در تربیت حسنین علیه السلام باید همواره مدنظر مربیان باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله با توجه به وظیفه پیامبری که بر عهده داشتند با نوه های خود بسیار کودکانه رفتار می کردند، امروزه شبهه سازی مربی به کودک و شیوه های همزادپنداری، یکی از اصول متری تربیت است. طبق روایات اهل بیت علیهم السلام «أَوَّلُ دُ سَيِّدٍ سَبْعَ سِنِينَ» (متقی هندی، ۱۳۸۹ق: ج ۴۵۳۳۸؛ حر

عاملی، ۱۳۷۲: ج ۲۱، ص ۴۷۶)، این سخن بدان معناست که ما باید تا هفت سالگی نوکران و خدمت گزاران فرزندان مان باشیم، همچنین به ما فرموده اند که فرزندان خود را تا هفت سال رها کنید تا بازی کنند، این سخن نیز بدین معناست که والدین نباید فرزندان را به خاطر اموری مثل کثیف کردن لباس های شان سرزنش کنند، زیرا آنان به فطرت خود بازگشته اند.

پدر و مادر در مسیر تربیت فرزندان خود، بایستی به گونه ای تعاملات خود را با فرزندان شکل دهند که هیچ گاه حس عدم درک توسط والدین به فرزندان منتقل نشود. اگر فرزندی میان خود و پدر یا مادر خویش، فاصله ای از جنبه ای فهم و درک حس کند، همین فاصله ممکن است تبعاتی جبران ناپذیر برای آن فرزند به همراه بیاورد. در حالی که این عدم درک، می تواند با اندکی همزادپنداری و فهم بهتر شرایط فرزند، به وقع نیبوند و مسیر تربیتی فرزند را دچار اختلال نکند.

امروزه بسیاری از کودکان و نوجوانان، تمایل به بازی های رایانه ای یا تلفن همراه دارند که برخی به صورت آنلاین و برخی آفلاین عمل می کنند. حال در چنین شرایطی اگر پدر و مادر، با بهانه و توجیهی همچون «دوری از اتلاف وقت» بچه های خود را از هرگونه بازی منع نمایند، همین باعث ایجاد فاصله میان فرزند و والدین خواهد شد. شاید به مدت کوتاهی سخن والدین اطاعت شود، اما از آن جایی که این اطاعت، بدون پشتوانه فکری و دلی صورت گرفته و انگیزه درونی نسبت به آن فعال نیست، پس از مدتی کوتاه، بازی یا روشی جایگزین خواهد یافت تا به دور از چشمان پدر و مادر خود، مجدداً به بازی های مورد علاقه خویش بپردازد.

خودسازی

در نگاه نخست، ممکن است در تبیین نقش های تربیتی والدین نسبت به فرزندان، «خودسازی» تا حدی غیرمرتبط به نظر برسد اما اگر دقیق تر به سراغ آیات، روایات و عقل برویم، به اولویت و اهمیت این موضوع پی خواهیم برد.

خداوند متعال در آیه ۶ سوره تحریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» براساس این دستور، مقدم بر تربیت و هدایت خانواده که فرزندان را نیز شامل می شود، خودسازی فردی است. هرچه این خودسازی به شکل بهتر و مؤثرتری صورت پذیرد، تأثیر آن در تربیت و ایمن سازی فرندان در مواجهه با آسیب ها شگرف تر و کارآمدتر خواهد بود.

فرزند وقتی چشم باز می کند اول پدر و مادر را می بیند از طرفی غریزه تقلید باعث می شود

فرزند شیفته پدر و مادر خود باشد. بنابراین والدین باید به فکر خودسازی و اصلاح و ارتقای شخصیت خود باشند، چون فرزندان براساس آنچه که ما هستیم تربیت می شوند نه براساس آنچه که ما می خواهیم. اگر پدر و مادر گفتارشان با اعمال شان منطبق نباشد و این عیب را اصلاح نکنند، هیچ وقت نمی توانند تأثیرگذار و الگوی خوبی برای فرزندان باشند. همچنین از امام علی (ع) این چنین نقل شده است:

عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ج ۲، ص ۵۳۵، ح ۳۸۲۶)؛

به خود و خانواده خود نیکی بیاموزید و آنان را تربیت کنید.

همان طور که مشاهده می کنید محور بحث در این جا خود فرد است، بعد دیگران. پس در بحث تربیت، والدین بایستی در گام نخست، گفتار و کردار خود را اصلاح کنند و بعد به سراغ فرزندان بروند. البته که تقدم و تأخر ترتیبی مدنظر نیست و در این بخش اولویت بندی ملاک می باشد. بدین معنا که اولویت خودسازی والدین بالاتر از اولویت سازندگی فرزندان است؛ چرا که در همان خودسازی والدین، به نوعی سازندگی فرزندان نیز صورت می پذیرد. همانندسازی تربیت به روش الگوسازی روشی کارآمد است که در آن مربی می کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متربی قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه در خویش پدید آورد. در این حال فرد سعی می کند با شخص یا اشخاصی که به نظرش شخصیتی قابل قبول دارند، همانندسازی کند و نگرش ها و ویژگی های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را برای خود سرمشق قرار دهد. تربیت به معنای دقیق آن، آموزش انتخاب بهترین روش ها در موقعیت و شرایط خاص می باشد. الگوگیری گزینه ای است که شخص به کمک آن انتخابی بهتر را به آسانی انجام می دهد. و از این رو این که ما الگوی مناسب شخص را در دسترس او قرار دهیم کمک خوبی به انتخاب شایسته اوست.

ساختمان وجودی انسان به گونه ای است که تأثیر رفتار بر او بسیار بیشتر از گفتار است. مردم از راه چشم، بیش از گوش، امور را فرا می گیرند و تعلیم عملی سودمندتر از تعلیم زبانی است. امام صادق (ع) به این امر توجه می دهند، آن جا که می فرمایند:

كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلْسَتِكُمْ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۸)؛

حمیری، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ص ۱۹۸؛

مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش.

در کودکی رفتار و عملکرد پدر و مادر نقش به سزایی در چگونگی رفتار و حرکات فرزند دارد و پدر و مادر باید خود مواظب رفتار خویش و نقش بالای آن در الگوپذیری فرزند باشند. در این خصوص چند نکته قابل ذکر است:

۱. در ساماندهی این مسئولیت، خودسازی قبل از دگرسازی مورد توجه است، امیرمؤمنان (علیه السلام) در این باره می فرماید:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيُبْدِأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)؛

آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد.

۲. در خانواده اختلاف و دوگانگی همچون سمی مهلک و خطرناک است، چرا که در خانواده هایی که اختلاف و دوگانگی به وجود می آید کودکان در انتخاب راه صحیح و درست دچار اشتباه شده و نخواهند فهمید که روش پدر درست است یا روش مادر.

۳. باید رفتار و گفتار پدر و مادر، با هم مطابق باشد. کودکان گرچه در سنین گفتار منطقی و درست را درک می کنند اما همچون بزرگ ترها غالباً تمایل به پذیرش گفتار درست از کسی که رفتارش مخالف آن است نشان نمی دهند. به عبارت دیگر آنان علاوه بر صداقت در گفتار خواهان صداقت در رفتار نیز هستند. قانون عمل به گفتار در تربیت برای نتیجه بخش بودن آن قانونی است که نمی توان به هیچ وجهی از آن شانه خالی کرد. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

ای مردم! به خدا من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم، جز آن که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی خیزم و شما را از معصیتی باز نمی دارم، جز آن که پیش از شما آن را فرو می گذارم. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

۴. به مرور که سن کودک بالا می رود پدر و مادر می توانند الگوهای مناسب دیگر را به کودک بشناسانند و به این وسیله به او در انتخاب رفتارهای زندگی اش کمک کنند. و طبیعی است که هرچه این الگوها مناسب تر باشند فرد در رسیدن به کمال موفق تر است. در این کار، اولویت با شناختن و شناساندن بهترین الگوهای نظام هستی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، به فرزندان خواهد بود که نباید از آن غفلت ورزید. چنان چه قرآن که برترین کتاب تربیت است در مورد

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب: ۲۱)؛

همانا رسول خدا برای شما سرمشق نیکویی است. (ر.ک: حسین اسحاقی، ۱۳۹۰؛ جعفر شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶)

محیط تربیتی مناسب

محیط خانواده در رشد ابعاد گوناگون کودک نقشی اساسی دارد، چون کودک نخستین بار در محیط خانه با دنیای بیرون آشنا می‌شود و از اطرافیان خود مسائل را یاد می‌گیرد. پدر و مادر اولین مربیانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند. از این رو می‌بایست زمینه مناسب را برای فراگیری معارف دینی فرزند فراهم سازند. والدین منبع همه مفاهیم، افکار، مهارت‌ها و گرایش‌های کودک هستند، به گونه‌ای که رشد و تکامل و فهم و ادراک کودک در سال‌های اول زندگی از این طریق شکل می‌گیرد. (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۴: ص. ۳۵۸-۳۶۶)

والدین غیر از تأمین مایحتاج زندگی و رفع نیازهای جسمانی فرزند، موظفند محیط سالمی نیز از نظر تربیتی برای او پدید آورند. زیرا کودک تمام رفتارهای کوچک و بزرگ پدر و مادر را درست تلقی کرده از آن‌ها تقلید می‌کند. به این ترتیب، لازم است که والدین محیطی مساعد، برای تربیت و پرورش هرچه بهتر فرزند فراهم نمایند. (امینی، ۱۳۹۵: ص. ۱۰۱)

علاوه بر محیط خانه و فضای خانواده، که اولین بستر برای فرزند به حساب می‌آید، انتخاب گروه همسالان مناسب و قابل اعتماد، از ضروریات به شمار می‌رود. فرزندان در دوران نوجوانی نیاز به حضور در یک گروه همسالان دارند و بیش از آن که از پدر یا مادر خود تأثیر بپذیرند، در این دوران از دوستان و مربیان خود تأثیر خواهند پذیرفت.

مواجهه با آسیب‌ها و آفت‌های دوران قبل از ظهور، با حضور در گروه همسالان مفید و مؤثر، نتیجه بهتری را برای نوجوان رقم خواهد زد و درصدد صیانت بیشتری برای او محقق خواهد شد.

ازدواج به‌هنگام و مناسب

یکی دیگر از وظایف پدر و مادر، در خصوص ایمن‌سازی و تربیت مؤثر فرزندان، فراهم ساختن زمینه ازدواج ایشان است. نیاز جسمی و روانی انسان به ازدواج پس از بلوغ روشن است و زمینه این کار را باید پدر و مادر فراهم سازند. ازدواج آثار تربیتی فراوانی دارد و جوانان به

وسیله آن از بسیاری از انحرافات و مفسد فردی و اجتماعی محفوظ می ماند. خدای متعال خلقت زن و ازدواج را از نشانه های قدرت و عظمت خود معرفی کرده است، آن جا که می فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ﴾ (روم: ۲۴)؛

و از آیات و نشانه های خدا این است که از خود شما برای شما جفت هایی آفرید تا بدان ها بیارامید و در میان شما دوستی و مودت و مهر برقرار ساخت. در این نکته نشانه هایی است برای آن گروهی که می اندیشند.

آیات و روایات در این زمینه بسیار است و از مجموع آن ها به دست می آید که ازدواج از مسائل اساسی زندگی بشر است و پدر و مادر باید در این زمینه اقدام نمایند.

نتیجه گیری

با توجه به تمام مباحث مطرح شده در این مقاله، می توان نتیجه گیری کرد که تربیت و ایمن سازی فرزندان در مواجهه با تهدیدات دوران قبل از ظهور، نیازمند توجه و تدبیری ویژه از سوی والدین است. در دنیای امروز که از طرفی آسیب های اجتماعی به سرعت در حال افزایش است و از طرفی دیگر حفظ ایمان بسیار سخت و طاقت فرسا است، والدین باید به عنوان اولین مربی و الگو، خود را از هر گونه انحراف و آسیب مصون نگه دارند و سعی کنند با ایجاد محیطی سالم و آموزنده، به تربیت دینی و اخلاقی فرزندان خود بپردازند. همچنین لازم است والدین علاوه بر تأمین نیازهای مادی، به نیازهای روحی و معنوی فرزندان خود نیز توجه ویژه داشته باشند. به کارگیری روش های تربیتی مدون و تأکید بر اصول اخلاقی و دینی همچون رعایت لقمه حلال، همزاد پنداری، و ایجاد فضای مناسب در خانواده، می تواند به ارتقاء سلامت روحی و اجتماعی فرزندان کمک شایانی نماید. در نهایت، با توجه به چالش های موجود، والدین باید به طور مستمر در پی یادگیری و ارتقاء مهارت های تربیتی خود باشند تا بتوانند فرزندان خود را در برابر آسیب های اجتماعی حفاظت کنند و به سوی یک زندگی معنوی و متعالی رهنمون سازند.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

- _ ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: انتشارات اسلامیة.
- _ ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دارالشریف الرضی للنشر.
- _ ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ق)، *مسند احمد*، قاهره: دارالحديث.
- _ اسحاقی، حسین (۱۳۹۰)، *سلوک علوی اراهمردهای امام علی علیه السلام در تربیت فرزندان*، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- _ امینی، ابراهیم (۱۳۹۵)، *آئین تربیت*، تهران: نشر صدرا.
- _ باقری، خسرو (۱۳۸۶)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- _ بغدادی، احمد (۱۴۲۲ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالغرب الإسلامی.
- _ پورخاتون، اعظم؛ نیک طبع، سمانه (۱۳۹۰)، *آسیب شناسی روانی - اجتماعی پورنوگرافی در اینترنت*، همایش هجوم خاموش.
- _ ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، *سنن الترمذی*، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- _ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۰ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: المكتبة العصرية.
- _ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲)، *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، تهران: انتشارات اسلامیة.
- _ حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
- _ خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر*، قم: انتشارات بیدار.
- _ راغب اصفهانی، محمد بن حسین (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- _ سیف، علی اکبر (۱۳۹۸)، *روان شناسی پرورشی نوین*، تهران: انتشارات آگاه.
- _ شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۸)، *فلسفه جدید تربیت*، تهران: انتشارات آگاه.
- _ شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴)، *روان شناسی رشد*، تهران: انتشارات رشد.
- _ شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۸)، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات آگاه.
- _ شیخ الاسلامی، جعفر (۱۳۹۶)، *۲۲۲۲ نکته در تربیت*، تهران: انتشارات پیام اسلام.
- _ صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

- طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، تفسیر القرطبی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، التوضیة من الکافی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- گزارش مرکز تحقیقات فورستر، Forrester Research (1998).
- متقی هندی، علی (۱۳۸۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، بی جا: مكتبة التراث الإسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مرکز تحقیقات پیو (بی تا)، گزارش مرکز تحقیقات پیو.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: انتشارات نسل جوان.
- منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی (۱۴۱۷ق)، الترغیب والترهیب، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت.
- Communio (بی تا)، گزارش مؤسسه Communio.
- Newsweek (بی تا)، مجله «نیوزویک».



Pazhoheshhaye Mahdavi
Scientific Quarterly Journal

Online ISSN: 2007-2717

Print ISSN: 7655-2423

Fourteenth year, No 55, Fall 2025

...

...¹

Abstract

...
Keywords: ...

1. ...

گفتمان مقاومت: پیشران تحقق آینده جهان اسلام

علیرضا افزلی^۱

چکیده

اگر بخواهیم در خصوص آینده جهان اسلام، بازخوانی ای در بین اندیشه های آینده پژوهان مسلمان مطرح جهان، داشته باشیم، می توان به دو آینده پژوه اشاره کرد که در پژوهش های خود، دغدغه آینده تمدن اسلامی و آینده جهان اسلام را به نسبت سایر آینده پژوهان، بیشتر داشته اند. آقای مهدی المنجره و آقای ضیاءالدین سردار دو آینده پژوه مسلمانی هستند که این دغدغه را در وجود خود داشته و در تألیفات گوناگون خود خواسته اند تا آن را تبیین کرده و راه حلی برای تحقق آن ارائه دهند. اگرچه دغدغه به خوبی از سوی این دو آینده پژوه تبیین شده است، اما در ارائه راه حل نتوانسته اند، آن چنان موفق باشند. در این مقاله، پس از مروری کلی بر چارچوب مفهومی مقاومت با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری، گفتمان مقاومت به عنوان پیشران تحقق آینده جهان اسلام، معرفی شده است که برهم زننده تمامی معادلات خطی و طراحی های دشمنان در خصوص آینده جهان اسلام خواهد بود و به عنوان یک تغییر نوآورانه و رویکرد فوق فعال در تحقق آینده جهان اسلام و عامل همگرا و وحدت آفرین کشورهای اسلامی، می تواند تلقی شود.

واژگان کلیدی

آینده جهان اسلام، پیشران، گفتمان مقاومت، آینده پژوهی، جهان اسلام.

مقدمه

آینده پژوهی، علم و هنر معماری و طراحی آینده است. به تعبیر فن اشتینبرگن^۲ (۱۹۸۳م)، آینده پژوه در طراحی اقدام اجتماعی و نظام های آن، خود را از حالت بیننده ای منفعل به شرکت کننده ای فعال در فرایند تدوین سیاست تبدیل می کند. به این ترتیب، هر آینده پژوه، معماری اجتماعی است. در همین راستا، آینده پژوهان برای یافتن پاسخ پرسش هایی از قبیل «برای تسریع، تعویق یا پیشگیری از روندی خاص، چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ چگونه

۱. استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) تهران، ایران (a.afzali@isu.ac.ir).

2. Van Steenberg

می توان وضعیت پایدار موجود را به وضعیتی بهتر تغییر داد؟ چگونه می توان تصویرهای مطلوب از آینده را به واقعیت رساند و از تحقق تصویرهای نامطلوب جلوگیری کرد؟» در مقام طراح نظام های اجتماعی آینده نقشی فعال دارند (بل، ۱۳۹۱: ص ۱۹۱).

در طرف دیگر، یکی از انتقادهای جدی که بر حوزه دانشی آینده پژوهی وارد است، این است که آینده پژوهی، علمی است که به بهترین شکل ممکن، در خدمت آرمان استبدادگرایی و فاشیسم قرار دارد. به تعبیر کنث ام و پاتریشیا دولیبر^۱، آینده پژوهی ابزاری است در خدمت تصمیم گیرندگان روشنفکر و وسیله ای است برای افزایش سلطه آنان بر جوامع خود. آنها بر این باورند که آینده پژوهی به تمرکز در تصمیم گیری و کنترل انحصارگرایانه، مشروعیت بخشیده و به شکل اجتناب ناپذیری، در راستای حمایت از منافع واحدهای بزرگ اقتصاد سرمایه داری حاکم بر جهان، گام برمی دارد (بل، ۱۳۹۱: ص ۲۱۵).

حال اگر آینده پژوهی، ابزاری برای کنترل آینده و هدایت و ساخت آن است، آنگاه این پرسش مطرح می شود که آینده پژوهان در راستای مصالح چه کسانی گام برداشته و براساس آن قصد کنترل آینده را دارند؟ آینده در راستای تحقق اهداف چه کسانی در حال شکل گیری است؟ چه افرادی و با چه هدفی آینده پژوهی و آینده پژوهان را کنترل می کنند؟ گالتونگ و جانک^۲ (۱۹۷۱م) به این نکته اشاره می کنند که برتری برخی کشورها در منابع و ظرفیت های آینده پژوهی، سبب تفاوت قدرت برخی از آنها در سطح بین المللی به نسبت سایر کشورها شده است؛ زیرا هر کس از آینده شناخت بیشتری داشته باشد، می تواند تا حدی زمان حال را نیز بیشتر تحت کنترل خود قرار دهد. به همین دلیل این دو نفر، پیشنهاد می کنند که علم آینده پژوهی باید در حداقل زمان ممکن، در سطح بین المللی مطرح شود تا همه کشورها بتوانند در شکل دادن به آینده سهیم باشند. به تعبیر آنها، آینده پژوهی باید تاحدامکان مردمی شود؛ یعنی باید ابزارهای آینده پژوهی را به طور یکسان در اختیار همه انسان ها قرار داد. باید همه انسان ها را در شکل دادن به آینده سهیم کرد. آنها معتقدند که آینده به همه انسان ها تعلق دارد و نه تنها به گروه های کوچک سلطه طلب و منافع آنها. به تعبیر دیگر، نباید درخت دانش آینده پژوهی را قطع کنیم، بلکه باید در میوه های آن با یکدیگر سهیم باشیم! (بل، ۱۳۹۱: ص

1. Kenneth M. and Patricia Dolbeare

2. Galtung and Jungk

با این مقدمه کوتاه که به آینده پژوهی و جایگاه راهبردی آن در هدایت، کنترل و شکل دهی جهان آینده و نظام های اجتماعی آن اشاره دارد، باید پرسید در خصوص آینده جهان اسلام وضعیت چگونه است؟ آیا مسلمانان حاکم بر سرنوشت و آینده خود هستند؟ یا آن که در مسیر تحقق آینده هایی که کشورهای استعمارگر و سلطه طلب برای آنها ترسیم کرده اند، در حرکت هستند؟ چگونه جوامع اسلامی می توانند آینده خود را، خود طراحی کرده و کنترل کنند؟ چگونه مسلمانان می توانند حاکم بر سرنوشت خویش شده و خود برای آینده خود تصمیم گیرند؟ این پژوهش باهدف ارائه پاسخ به سؤالاتی این چنین، تعریف شده است. به عبارتی سؤال اصلی تحقیق این است که چگونه مسلمانان می توانند به شکل فعالانه، آینده جهان اسلام را خود طراحی کرده و شکل دهند؟

در همین راستا، ابتدا مروری بر دیدگاه دو آینده پژوه مسلمان در خصوص آینده جهان اسلام و مسائل مرتبط با آن داشته و به جمع بندی دیدگاه های آنها در این زمینه می پردازیم. در ادامه، گفتمان مقاومت به عنوان راهبرد فوق فعال جهان اسلام در طراحی آینده و به عنوان پیشران تحقق آینده جهان اسلام ارائه می شود. برای تبیین چارچوب کلی این گفتمان از دیدگاه های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) استفاده شده است.

روش تحقیق در این مقاله براساس مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و با روش تحلیل محتوا بر روی دیدگاه های آینده پژوهان برجسته در خصوص آینده جهان اسلام و دیدگاه های رهبر معظم انقلاب در حوزه مقاومت و ماهیت آن است.

در خصوص پیشینه پژوهش نیز لازم به ذکر است که مطالعاتی در حوزه آینده جهان اسلام، هم در داخل و هم در عرصه بین الملل صورت گرفته است. به عنوان مثال ضیاء الدین سردار و مهدی المنجره، دو آینده پژوه مسلمانی هستند که باتوجه به دغدغه جهان اسلام و امت اسلامی، پژوهش هایی را در قالب مقاله و کتاب در این حوزه ارائه داده اند. همچنین این دغدغه را می توان به شکل جزئی تر، در نوشته های سهیل عنایت اله، آینده پژوه پاکستانی نیز یافت. در همین راستا، مقالاتی نیز در داخل تدوین شده اند که به تصویر جامعه موعود به عنوان آینده مطلوب جهان اسلام و تمدن اسلامی پرداخته اند. به عنوان مثال از این بخش می توان به مقاله «ویژگی های حکومت آخرالزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده پژوهی اسلامی باتکیه بر نهج البلاغه» (امین ناجی، دلشاد تهرانی، مصطفی، محتشمی،

۱۳۹۵)، و مقاله «آینده در قلمرو مدیریت و رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» (نجات بخش اصفهانی، ۱۳۹۲) و مقاله «تصویرپردازی از ویژگی‌های آینده موعود: به سوی الگوی قرآنی» (نقی پورفر و افصلی، ۱۳۸۷) اشاره کرد. همچنین کتاب‌ها و مقالات متنوعی در خصوص تمدن نوین اسلامی و مراحل تحقق آن، به عنوان تصویر مطلوب آینده جهان اسلام نیز در این زمینه تدوین شده است. به عنوان مثال می‌توان به مقاله «تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی» (قاسمی، ۱۳۹۶)، مقاله «آینده پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (شاکری زواردهی و مولوی وردنجانی، ۱۳۹۷) و مقاله «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۵) در این بخش اشاره کرد. از طرف دیگر، در حوزه مقاومت نیز مطالعات متنوع و گوناگونی در تبیین ماهیت گفتمان مقاومت و تناسب آن با مباحث امنیت صورت گرفته است. به عنوان مثال در این بخش می‌توان به مقاله «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام» (ناظمی اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷)، مقاله «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای» (مهدی پور، ۱۳۹۸) و مقاله «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی» (قاسمی، ۱۳۹۷) اشاره کرد. اما در خصوص نسبت بین گفتمان مقاومت و آینده جهان اسلام و این‌که گفتمان مقاومت می‌تواند به عنوان پیشران تحقق آینده جهان اسلام لحاظ شود، پژوهشی تاکنون صورت نگرفته است و این مقاله از این لحاظ دارای نوآوری است.

بررسی آینده جهان اسلام از منظر آینده‌پژوهان

اگر بخواهیم در خصوص آینده جهان اسلام، بازخوانی‌ای در بین اندیشه‌های آینده‌پژوهان مطرح جهان داشته باشیم، می‌توان آینده‌پژوهانی را مطرح کرد که دغدغه این مسئله را داشته و تلاش‌ها و پیشنهادهایی در این زمینه داشته‌اند. با توجه به محدودیت موجود در این نوشتار، امکان بررسی دیدگاه‌های همه این آینده‌پژوهان وجود نداشته و تنها به دو آینده‌پژوه اشاره می‌کنیم که بیش از دیگران، به این موضوع پرداخته‌اند.

۱. دیدگاه مهدی المنجره

یکی از آینده‌پژوهانی که دغدغه آینده جهان اسلام را دارد، آقای مهدی المنجره، آینده‌پژوه مسلمان مراکشی است. ایشان با توجه به تألیفاتی که دارد، نشان می‌دهد که تمدن

اسلامی و آینده آن، از دغدغه‌های جدی وی است؛ به طوری که بیشتر تلاش‌های او به عنوان مسلمان تکثرگرا، به آینده جهان اسلام و مسلمانان معطوف است (بهرروز لک و میرشاه ولایتی، ۱۳۹۰: ص ۱۴۵). ایشان در تحلیل آینده جهان اسلام، به صراحت تأکید می‌کند بر این که جهان اسلام در حال حاضر حاکم بر سرنوشت خویش نبوده و این واقعیت به واسطه دلایل بسیاری قابل اثبات است و آن، نتیجه گذشته آنها بوده و هنوز در حال تأثیرگذاری بر حال حاضر آنهاست و آینده آنها را نیز مشروط می‌کند. به زعم وی، برجسته‌ترین ویژگی دنیای عرب امروز، ماهیت کوچک‌سازی کشورهای این منطقه است که بی شک به یکی از مسائل غامض پیش روی منطقه تبدیل شده است (المنجره، ۲۰۰۴م: ص ۴). به باور وی، این تقسیم‌بندی ژئوپلیتیکی، نتیجه برنامه استعماری انگلیسی - فرانسوی، پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی، براساس قرارداد سایکس - پیکوت در سال ۱۹۱۶، اعلامیه بالفور در مورد فلسطین در سال ۱۹۱۷ و معاهده آرمیستیک است که براساس آن، منطقه به چند امیرنشین جعلی و سرزمین‌هایی کوچک با چاه‌های نفتی تبدیل شده است. در نتیجه، توزیع ناعادلانه درآمد سرانه در منطقه، از کمتر از پانصد دلار در کشورهای همچون سومالی، یمن و موریتانی تا بیش از بیست هزار دلار در امارات متحده عربی و کویت صورت پذیرفته است. به اعتقاد وی، تصور مردم از ثروت دنیای عرب، نیاز به اصلاح دارد. کل تولید ناخالص داخلی کشورهای عربی حتی از اسپانیا نیز کمتر است و تنها یک چهارم تولید ناخالص داخلی کشور آلمان است (المنجره، ۲۰۰۴م: ص ۳). ایشان در جای دیگر این‌گونه می‌گوید:

اصلی‌ترین ویژگی دنیای اسلام، در حال توسعه بودن آن است. از بزرگ‌ترین کاستی‌های امروز دنیای اسلام آن است که دولت‌های اسلامی، چشم‌انداز شفاف و روشنی از آینده و الزامات آن ندارند. ضعف دیگر، خود فراموشی و گرایش به تقلید کورکورانه و اطاعت بی‌چون و چرا از غرب و توصیه‌های منابع اطلاعاتی بیگانه و رهنمودهایی است که تحت حمایت غرب و شرق به سوی آنها روانه می‌شود. برنامه‌های توسعه در این کشورها بر پایه تقلید کورکورانه از غرب بنا شده است و وابستگی زیادی به کمک‌های غربی دارند (المنجره، ۱۳۸۴: ص ۱۳-۱۵).

ایشان سه سناریوی متفاوت از آینده جهان اسلام ارائه می‌دهد: **سناریو اول:** «سناریو تداوم و پابرجایی» است که حاکی از ادامه وضع موجود کشورهای اسلامی و پیاده‌سازی اندیشه ثبات از دیدگاه آمریکایی یا غربی است. این بدین معناست که جهان اسلام در آینده، درخششی نخواهد داشت و در مسیر طراحی شده غربی در حال حرکت است. **سناریو دوم:** «سناریوی

اصلاح طلبانه» است که در این سناریو، حداقل اندیشه ثبات، حاکم است و مقدمه‌ای از اصلاحات و تغییرات اساسی در پاسخ به نیازهای واقعی مردم آشکار می‌شود که به اعتقاد وی، این کار باید به سرعت انجام گیرد. مسائل عمده‌ای که باید در اولویت قرار گیرند: فقر، بی‌سوادی، نابرابری اقتصادی و مردم‌سالاری است؛ لذا در این مسیر، روشنفکران و نخبگان تحصیل کرده، نقش مهمی را ایفا خواهند کرد و بیگانگی آنها از محیط فرهنگی باید اصلاح شود. **سناریو سوم:** «سناریوی دگرگونی» است که به اعتقاد ایشان، این سناریو است که تغییری واقعی را رقم می‌زند که به واسطه آن، می‌توان به رفاه اقتصادی، عدالت اجتماعی و مردم‌سالاری دست یافت (المنجره، ۱۹۹۱م: ص ۲-۴).

المنجره باور دارد که اسلام، عامل قدرتمندی در تحول و نوآوری است که نقشی حیاتی در تکامل جامعه اسلامی ایفا می‌کند. به اعتقاد وی "... آینده جهان اسلام، وابسته به احیای اسلام با پذیرفتن نوآورانه و خلاقانه آن است و نه اسلام تقلیدی کورکورانه که همین تقلید، عامل سقوط تمدن درخشان پیشین شده است". در واقع وی استدلال می‌کند که اگر حضرت محمد ﷺ و اصحابش در تصور و پیش‌بینی آینده، کوتاهی کرده بودند، شاید جمعیت مسلمانان در جهان امروز، حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر نبود. (المنجره، ۱۹۹۰م: ص ۴) در همین راستا، المنجره واژه تغییر را به عنوان عنصر ضروری برای آینده‌ای بهتر می‌داند. در ضمن، وی بر رفتار پیامبر اسلام ﷺ در زندگی و رسالت خویش، در رویکرد نگاه روبه جلو اشاره دارد و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «تمامی آیات قرآن، ما را به استفاده هرچه بهتر از زمان حال و آمادگی دقیق و هوشمندانه برای آینده فرامی‌خوانند. قرآن به ما سفارش می‌کند که برای آینده (منظور مابقی زندگی ما در دنیا و آخرت)، برنامه‌ریزی کنیم و روی گزینه‌های گوناگون، تدبیر داشته باشیم تا ظرفیت خود را برای الزامات آینده، ارتقا دهیم و رفاه خود را بهبود بخشیم» (المنجره، ۱۹۹۰م: ص ۲-۳).

در نهایت به نظر می‌رسد باتوجه به سناریوهایی که برای آینده جهان اسلام، مطرح می‌کند، سناریو سوم که همان سناریو تحول و دگرگونی است را برای تحقق دورنما و چشم‌انداز تمدن اسلامی پیشنهاد می‌دهد و عامل تحقق بخش آن را، تغییر و نوآوری به معنای مثبت آن باتکیه بر نگاه به درون و همکاری و مشارکت عموم جوامع اسلامی و نه براساس نگاه به غرب می‌داند.

۲. دیدگاه ضیاءالدین سردار

شخصیت دیگر آقای ضیاءالدین سردار، آینده پژوه مسلمان پاکستانی است که به شکلی جدی تر، دغدغه آینده جهان اسلام را داشته؛ تا آن جا که به نوعی به ارائه رویکرد جدیدی در حوزه دانشی آینده پژوهی، با عنوان آینده پژوهی اسلامی برای تحقق تمدن اسلامی می پردازد. البته ایشان به تبیین این رویکرد نمی پردازد؛ اما ضرورت آن را به نوعی تبیین می کند. به گفته عنایت اله، کانون تمرکز سردار در مباحث آینده پژوهی را می توان در سه حوزه بیان کرد: آینده تمدن اسلامی، دانش اسلامی و رابطه اسلام و پست مدرنیسم. سردار به موضوع آینده تمدن اسلامی با رویکردی تمدن گرایانه می نگرد، اما معتقد است که فرایند بازسازی را باید از چارچوب روش شناسی نگاه به آینده، پیگیری کرد. از طرف دیگر، موضوع دانش اسلامی را از این منظر مطرح می کند که باید علوم اسلامی متمایز با پارادایم ها و جهان بینی های خاص خود طراحی شود (عنایت اله، ۱۹۹۸م: ص ۱-۳۰).

وی در کتاب «آینده تمدن اسلامی» به بیان این نکته می پردازد که تمدن اسلامی باقی خواهد ماند، همانند یک برکه راكد که پر از منابع بالقوه است؛ مگر این که مسلمانان متوجه آینده خودشان شوند و بکوشند تا آن را به دست گیرند. به اعتقاد سردار، مسلمانان دو گزینه در مورد آینده در اختیار دارند: اول این که آنها می توانند آینده ای توسعه یافته که مبتنی بر توسعه خطی وضعیت عقب افتاده و استعمار شده زمان حال حاضر، داشته باشند (که همان آینده بی هدف است)؛ دوم این که آنها می توانند آینده ای روشن تر و چه بسا آینده ای درخشان داشته باشند، به شرطی که به طور سازنده و فعال، برنامه ریزی کرده و با آینده نگاری اقدام کنند (سردار، ۱۹۸۸م: ص ۱۱).

لذا ایشان با نگاه به گزینه دوم، به ارائه «پروژه عمران» در کتاب «آینده تمدن اسلامی» می پردازد که در برگیرنده راهبردهایی در جهت تحقق احیای تمدن اسلامی است. به بیان ایشان، اصطلاح عمران، توسط ابن خلدون مطرح شده که دلالت بر توصیف تمدنی پویا، در حال رشد و کارآمد دارد. سردار گام های این طرح را به این صورت بیان می کند: ۱. تبیین مدل مدینه فاضله؛ ۲. تبیین پارامترهای تمدن اسلامی؛ ۳. خلق مدل ها، نظریه ها و پارادایم هایی مبتنی بر دو مرحله قبلی؛ ۴. ارزیابی واقع بینانه از محیط کنونی و برآورد محیط آینده احتمالی؛ ۵. تبیین اهداف امت اسلامی؛ ۶. تدوین نقشه هایی برای رسیدن به اهداف و ارزیابی گزینه هایی برای آینده؛ ۷. بازنگری مستمر در آینده های بدیل استنتاج شده از مراحل قبلی

(سردار، ۱۹۸۸م: ص ۱۳۳-۱۳۴).

سردار با ارائه این پروژه متمدنانه می‌کوشد تا فرایند بازسازی تمدن اسلامی را در چارچوب «حکومت امت» تعریف کند که این حکومت، مبتنی بر مدل جامعه مدنی است که پیامبر اکرم ﷺ آن را بنا نهاده است. به نوعی ایشان در این پروژه، به دنبال «گسترش حس سرنوشت خودسامان یافته» است تا این که مسلمانان را در اتخاذ تصمیم‌های بهتر و برپاسازی حکومتی براساس مدل حکومتی پیامبر توانمند سازد (سردار، ۱۹۸۵). سردار به منظور برخورد با چالش‌های آینده، سه اقدام را برای امت اسلامی تجویز می‌کند: ۱. توسعه و گسترش هوشیاری و تعاون در میان امت و همچنین توسعه وحدت که در برگیرنده همه امت و جوامع مسلمانان باشد؛ ۲. بررسی تغییرات و پیامدهای آنها در سراسر جهان و همچنین برنامه‌ریزی راهبردپردازانه برای آینده؛ ۳. تطبیق و سازگارکردن خود با تغییرات از طریق پالایش و حذف جنبه‌های منفی و مخرب دیگر تمدن‌ها و پذیرش جنبه‌های مثبت و سازنده آنها (سردار، ۱۹۹۸م: ص ۱۶۹-۱۷۷).

در نهایت باید گفت که سردار به شکل‌گیری تمدن اسلامی امیدوار بوده و به شکل خوش بینانه‌ای به آن می‌نگرد. ایشان در جایی این‌گونه بیان می‌کند که خودتان را برای ظهور دوباره تمدنی پویا و پررونق از اسلام آماده کنید. این تمدن در آینده‌ای نزدیک محقق نمی‌شود. شکل‌گیری آن، چندین دهه یا حتی نیمی از یک قرن به طول خواهد انجامید (سردار، ۲۰۰۶م: ص ۱۰۹).

۳. تحلیل دیدگاه‌های این دو آینده‌پژوه در خصوص آینده جهان اسلام

در تحلیل دیدگاه‌های این دو آینده‌پژوه در مورد آینده جهان اسلام، این‌گونه می‌توان گفت که دغدغه آینده جهان اسلام برای این دو آینده‌پژوه، دغدغه‌ای جدی بوده است و در همین راستا می‌توان به چند نکته مهم در دیدگاه‌های این دو آینده‌پژوه اشاره کرد: حاکم نبودن جهان اسلام بر آینده خویش؛ وجود ظرفیت‌های بالقوه تغییر و نوآوری در آموزه‌های اسلام؛ ضرورت داشتن دورنما و چشم‌انداز از آینده جهان اسلام؛ ضرورت تغییر و حرکت نوآورانه در تحقق دادن تمدن اسلامی.

همچنین ضرورت اتخاذ رویکردی فعال در مصاف با آینده و تصویرسازی‌های القایی ارائه شده از کشورهای سلطه‌گر، نیز به شکلی خاص در دیدگاه این دو آینده‌پژوه مطرح است؛

به طوری که آقای المنجره آن را در قالب سناریوی سوم مطرح می‌کند و این سناریو را به عنوان سناریوی مطلوب جهان اسلام در مصاف با آینده و طراحی‌های القایی سلطه‌طلبان و استعمارگران در خصوص آینده جهان اسلام معرفی می‌کند. در نگاه سردار نیز این نکته تبلور داشته و ایشان در راهکار دوم جهان اسلام در برابر آینده، به اتخاذ رویکرد فعال در مصاف با آینده و طراحی آینده‌ای روشن‌تر به شرط برنامه‌ریزی کردن آن به طور سازنده و با آینده‌نگاری اشاره می‌کند. وی پروژه عمران را نیز در راستای همین رویکرد بیان می‌کند.

نکته دیگر، تأکید این دو آینده‌پژوه بر وحدت و همگرایی جهان اسلام، ذیل عنوان امت واحده و تلاش برای شکل‌گیری این امت در جهت تحقق آینده مطلوب است. در کنار تأکیدی که اسلام بر وحدت مسلمانان دارد، بررسی تحولات نظام بین‌الملل، حاکی از آن است که کشورهای اسلامی تنها زمانی می‌توانند به عنوان یک قطب قدرتمند در جهان آینده، ایفای نقش کنند که از واگرایی به سمت همگرایی میل پیدا کنند. همچنین مطالعه روندها و رویدادهای مرتبط با تحولات جهان اسلام، این نکته را بیان می‌کند که احیای شکوهمند تمدن اسلامی آینده و تحقق آینده جهان اسلام، در گرو توجه به عوامل همگرا و واگرای اجزای تشکیل‌دهنده این تمدن است. کشورهای اسلامی مهم‌ترین اجزای شکل‌دهنده تمدن اسلامی در جهان آینده هستند. تحکیم تمدن اسلامی به عنوان یکی از قطب‌های قدرت در جهان آینده، مستلزم تقویت همگرایی میان کشورهای اسلامی و کم‌رنگ کردن نقش عوامل واگرا در تعامل بین این کشورهاست (حسینی مقدم و صنیع اجلال، ۱۳۹۱: ص ۱۳).

با وجود این واقعیت که همه مسائل و مشکلاتی که این دو آینده‌پژوه مطرح می‌کنند، مهم و حیاتی هستند، اما فقدان طرحی نظام‌مند که به چگونگی برطرف کردن مشکلات جهان اسلام و ارائه راه‌حل‌هایی جایگزین از جانب آنان، بپردازد، تا اندازه‌ای مایوس‌کننده است (پدرام و طبائیان، ۱۳۹۲: ص ۱۹). به عبارت دیگر، مسئله و دغدغه، به خوبی توسط این دو آینده‌پژوه تبیین شده است و به خوبی توانسته‌اند این مسئله را بیان و ابعاد آن را تبیین کنند، اما در خصوص ارائه راه‌حل، به نظر می‌رسد که نتوانسته‌اند راهکاری جدی در این خصوص ارائه دهند.

لزوم اتخاذ رویکرد فوق فعال توسط جوامع اسلامی برای تحقق آینده جهان اسلام

در تنازعات تعریف شده در عرصه بین‌الملل در جهت تصاحب آینده، نقطه آرمانی وضع

مطلوب برای سیاست‌مداران کشورهای پیشرو استعمارگر و سلطه‌طلب، آن است که آینده کشور خود و سایر کشورهای مرتبط را به‌گونه‌ای که خود می‌خواهند و نه آن طور که ملیت‌ها و قومیت‌های آن کشورها می‌خواهند، شکل دهند (پورعزت، ۱۳۸۲: ص ۳۶). در خصوص آینده جهان اسلام و جوامع اسلامی نیز واقعیت آن است که از سوی قدرت‌های استعمارگر و سلطه‌طلب، این امر اتفاق افتاده و تصاویری القایی ارائه شده و برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌هایی از قبل صورت گرفته است که اگر مسلمانان و جوامع اسلامی، در این خصوص هشیار نبوده و خود برای آینده خود تصمیم نگیرند، طبیعتاً در آینده‌های تعریف شده از سوی طراحان آنها، قرار خواهند گرفت. به عنوان مثال می‌توان به وضعیت موجود کشور افغانستان و نابسامانی‌های آن، کشور سوریه و جنگ چند ساله آن با تکفیری‌های داعشی و در نهایت تصاحب بی‌درنگ آن کشور توسط سلفی‌ها، وضعیت کشور عراق و حتی عربستان و آینده‌ای که غربی‌ها برای آنها طراحی کرده‌اند، اشاره کرد که همه آنها، محصول تصاویری خاص از آینده القایی است که توسط کشورهای سلطه‌طلب، طراحی شده است. اگر جوامع اسلامی به هوش نبوده و خود برای آینده خود، انتخاب و طراحی نداشته باشند، طبیعتاً در زمین بازی طراحی شده توسط کشورهای سلطه‌طلب قرار خواهند گرفت و آنها برای آینده این جوامع تصمیم خواهند گرفت، هرچند که این اتفاق افتاده است.

در برابر این تصاویر و طرح‌های القایی صورت گرفته از غرب در خصوص آینده جهان اسلام، رویکرد مطلوب و واکنش شایسته‌ای که جوامع اسلامی می‌توانند اتخاذ کنند، رویکرد فوق فعال (پورعزت، ۱۳۸۲: ص ۳۶) است. این رویکرد، استراتژی جوامعی است که به عمق طراحی القایی صورت گرفته از آینده، توسط کشورهای سلطه‌طلب واقف هستند و سرشت القایی آن را درمی‌یابند. لازمه این رویکرد، وقوف بر قواعد بازی و برخورداری از توانمندی کافی برای برهم زدن آن تصاویر القایی و بسیج هوشمندانه استعدادهاي ملي و بين‌المللی در سطح جهان اسلام، در جهت پی‌ریزی قواعدی جدید است؛ چیزی که آقای المنجره و سردار نیز به‌نوعی بر آن تأکید داشتند. این مهم از طریق ارائه تصویری متمایز و رقیب، قابل اجرا است؛ تصویری که شالوده تصویر پردازش یافته کشور سلطه‌طلب را در هم می‌شکند و تصویری حقیقی‌تر و یا دست‌کم متفاوت را، در معرض دید عموم قرار می‌دهد. در همین راستا، اتحاد و همگرایی جهان اسلام و تشکیل امت واحده باهدف تحقق آینده مطلوب جهان اسلام لازم است.

گفتمان مقاومت، عامل وحدت‌آفرین جهان اسلام و پیشران تحقق آینده جهان اسلام

در بررسی دیدگاه‌های آقای المنجره و سردار، گفته شد که دغدغه آینده جهان اسلام و ضرورت تحقق آن، به خوبی در منظر این دو آینده‌پژوه تبیین شده است؛ اما راه حل تحقق آن، به خوبی بیان نشده است. در پاسخ به این دغدغه، می‌توان گفتمان مقاومت در سطح منطقه و جهان اسلام را به عنوان، عامل همگرایی و وحدت‌آفرینی در جهان اسلام و پیشران تحقق آینده مطلوب جهان اسلام معرفی کرد. چارچوب این گفتمان به خوبی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و همچنین منظومه فکری امام خمینی رحمته‌الله تبیین شده است. همچنین می‌توان در بیانات مقام معظم رهبری، نسبت و نقش این گفتمان را در تحقق آینده جهان اسلام رصد کرد. در ادامه به تبیین چارچوب کلی این گفتمان و نسبت و نقش آن در تحقق آینده جهان اسلام با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پرداخته و به دنبال آن، به تبیین گفتمان مقاومت به عنوان پیشران و تسریع‌کننده تمدنی تحقق آینده جهان اسلام می‌پردازیم.

۱. نسبت گفتمان مقاومت با تحقق آینده جهان اسلام در اندیشه مقام معظم رهبری

اساساً می‌توان مفهوم مقاومت را برآمده از آموزه‌های اسلام دانست که مورد تأکید آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. قرآن کریم در خصوص کسانی که در مسیر دینداری خود، استقامت ورزیده و پایداری می‌کنند، می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت: ۳۰)؛

بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس پایداری نمودند، فرشتگان بر آنها فرود آیند (و می‌گویند) که هرگز نترسید و غمگین نشوید و شما را مژده باد به بهشتی که (در دنیا) وعده داده می‌شدید.

در آیه‌ای دیگر، سنت و قانون تکوینی که مترتب بر پایداری و استقامت، تعریف شده است، این‌گونه بیان می‌شود:

﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن: ۱۶)؛

بی‌تردید اگر (انس و جن) بر راه (راست اعتقاد و عمل) استقامت و پایداری می‌ورزیدند، حتماً آنها را از آب فراوان (و برکات مادی و معنوی) سیراب می‌ساختیم.

از منظر اسلام، مقاومت، مفهومی پویا و رهایی بخش در برابر نظام سلطه مطرح می‌شود. قیام عاشورا و فلسفه شکل‌گیری و تحقق آن را می‌توان در همین راستا و مبتنی بر آن، تبیین و تفسیر کرد. همچنین می‌توان چارچوب شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم آن را، مبتنی بر مفهوم مقاومت در برابر نظام سلطه تصور کرد. معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمته الله علیه این مفهوم را به شکلی عمیق از معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام فهمیده و اساس و بنیان انقلاب اسلامی را در قالب همین چارچوب تعریف کردند و در دوره‌های مختلف، همواره بر مقاومت تأکید می‌کردند. ایشان می‌فرمایند:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمان‌ها در جهان، سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمان‌های جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌خواهی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد... ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش کنیم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم... باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این، شدنی است. زیرا بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ص ۳۶۴).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیان خصوصیت امام از جنبه مقاومت، این‌گونه می‌فرمایند:

یک خصوصیت از خصوصیات امام هست که بنده امروز درباره آن بیشتر می‌خواهم صحبت کنم و آن، خصوصیت «مقاومت» است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیت بود؛ خصوصیت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع (بیانات در سی‌امین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

با رحلت امام خمینی رحمته الله علیه و آغاز رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، این گفتمان وارد مرحله جدیدی شد و آن تأثیر این راهبرد در تشکیل تمدن نوین اسلامی به عنوان تصویر مطلوب آینده جهان اسلام است. واژه مقاومت در اندیشه رهبری از آغاز تاکنون از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی بیانات ایشان از سال ۱۳۶۸ تا به امروز، نشان می‌دهد که مفهوم مقاومت در منظومه فکری ایشان به عنوان چراغ و نقشه راه برای رسیدن به تمدن نوین

اسلامی و تحقق آینده جهان اسلام است. مفهوم مقاومت و سایر مفاهیم مترادف آن از جمله استقامت، ایستادگی، پایداری و... به دفعات در بیانات و دغدغه‌های ایشان ملاحظه می‌شود (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۵۴۴).

مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری به عنوان یک رویکرد و مکتب فکری، عنوان شده است که برگرفته از آموزه‌های وحیانی و به تاسی از راه پیامبران و ائمه علیهم‌السلام بر حفظ ارزش‌های ثابت و اصیل اسلامی در مقابل نظام سلطه تأکید می‌ورزد (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۵۶۴). «معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن راه را حق می‌داند، راه درست می‌داند و در این راه، شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند. این معنای مقاومت است» (بیانات در سی‌امین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

مقاومت از نظر ایشان، اقدامی مبتکرانه و نه منفعلانه، عقلانی و نه احساسی، شجاعانه و نه مرعوبانه، و امیدوارانه و نه مأیوسانه در برابر هر گونه زیاده‌خواهی نظام سلطه غربی است (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۵۶۴). «هر جا که می‌بینید یک عقب‌نشینی ای انجام گرفته است، یک ناکامی پیش آمده است، به خاطر این است که در استقامت ما سستی پیدا شده بود. هر جا استقامت کردیم، پیش رفتیم» (بیانات در دیدار مردم مازندران، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶). همچنین ایشان در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه این‌گونه بیان فرمودند: خطای بزرگ این است که کسی تصور کند که در مقابل گردن کلفت‌های عالم، نمی‌شود مقاومت کرد، نمی‌شود ایستاد (۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

در اندیشه مقام معظم رهبری، ماهیت و معنای مقاومت، صرفاً محدود به یک بعد، آن هم جنبه دفاعی و نظامی نمی‌شود، بلکه مقاومت در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، مدنظر است (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ص ۵۵۸). «مسجد هسته مقاومت است، منتها مقاومت به انواع آن؛ مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما این‌که در مساجد این‌گونه بوده است» (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

در همین راستا، ایشان جهاد کبیر را به عنوان یکی از انواع جهاد اصغر، در حقیقت مترادف با تسلیم‌ناپذیری و مقاومت در میدان‌های گوناگون مطرح می‌سازند. «جهاد کبیر یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر، از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته، اطاعت

نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان های مختلف از دشمن تبعیت نکن. این شد جهاد کبیر» (بیانات در دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳).

ایشان در جای دیگر این گونه می فرمایند:

هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه ای برسیم که این نقطه، بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را نشان بدهد که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه زمینه ها منصرف کند (بیانات در سی امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

در همین راستا، سیاست های اقتصاد مقاومتی را که مقام معظم رهبری، در سال های گذشته، به عنوان راهگشای کشور از بن بست های اقتصادی بیان فرموده اند، کاملاً در گفتمان مقاومت تعریف می شود. ایشان در بیانیه گام دوم این گونه می فرمایند:

راه حل این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرایی برای همه بخش های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت ها پیگیری و اقدام شود. درون زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی گری نکردن دولت، برون گرایی با استفاده از ظرفیت هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش های مهم این راه حل هاست (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

از منظر مقام معظم رهبری، گفتمان مقاومت، تنها راه نجات کشورهای اسلامی از زیر یوغ گردن کشان و سلطه جویان غربی است. ایشان در فرازی از بیانات شان، این گونه می فرمایند: امروز سیاست های استکباری همچون بلایی بزرگ به جان بشریت افتاده و تنها راه پیشرفت و پیروزی کشورهای مستقل، ایستادگی و تکیه بر توده های مردم در جنگ اراده ها است. جنگ های امروز دنیا در واقع، جنگ اراده هاست (بیانات در دیدار با رئیس جمهور ونزوئلا، ۱۳۹۴/۰۹/۰۲).

ایشان در جای دیگر در همین راستا، این گونه بیان می فرمایند:

امروزه در منطقه ما، منطقه غرب آسیا، کلمه مشترک ملت ها، مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البته بعضی جرئت می کنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمی کنند. اما آن کسانی هم که جرئت می کنند، کم نیستند. همین شکست هایی که در

این چند سال، آمریکایی‌ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه‌های مقاومت است. جبهه مقاومت، امروز یک جبهه قوی است (بیانات در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

افق و چشم‌انداز گفتمان مقاومت در منظر مقام معظم رهبری، تحقق تمدن نوین اسلامی است که همان تصویر مطلوب در تصویرپردازی از آینده جهان اسلام است و با ظهور منجی عالم بشریت، به نقطه کمال و حقیقت خود می‌رسد. تمدنی که عدالت و امنیت در همه جنبه‌های آن، عزت‌مندی، کرامت انسانی، رشد و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی از مختصات آن است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُغْنِيهِمْ وَيُؤْتِيهِمْ لَيْفٌ شَدِيدًا وَ مِنْ كَفَرٍ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنها را در روی زمین جانشین (خود) کند و حکومت ببخشد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنها بودند، جانشین ساخت و حتماً آن دینی را که برای آنها پسندیده است (دین اسلام)، مستقر و استوار سازد و بی‌تردید وضعیت آنها را پس از بیم و ترس، به امن و ایمنی تبدیل نماید به‌طوری که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند. هر که پس از این (نعمت بزرگ) کفران ورزد، حقیقتاً نافرمان‌اند.

این آیه دورنمایی کلی از حقیقت تصویر مطلوب آینده جهان اسلام دارد که تحقق آن، از وعده‌های الهی بوده که حتمی و یقینی است، هر چند که دشمنان و سلطه‌طلبان، نخواهند که آن تحقق پیدا کند.

در همین راستا نیز می‌توان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به منزله تجدید مطلعی، خطاب به ملت ایران، به‌ویژه جوانان و به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود، را در چارچوب گفتمان مقاومت تصور کرد و می‌توان گفت که روح حاکم بر این بیانیه، گفتمان مقاومت است؛ به شکلی که در بخش اول این بیانیه که اشاره به مسیر طی شده انقلاب دارد، بیان‌کننده تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی براساس گفتمان مقاومت است و بخش دوم نیز که توصیه‌هایی برای طی کردن مسیر پر پیچ‌وخم روبرو دارد نیز، براساس همین گفتمان و مبتنی بر آن تعریف شده است.

۲. گفتمان مقاومت، پیشران تحقق آینده جهان اسلام

براساس آنچه که در بخش قبل براساس اندیشه مقام معظم رهبری تبیین شد، می‌توان گفتمان مقاومت را به عنوان پیشران تحقق آینده جهان اسلام معرفی کرد. به طور کلی، پیشران^۱ نیروی بزرگ تغییر و عامل عمده شکل دهنده تغییر است. پیشران این پتانسیل را دارد که صحنه را با تحول اساسی روبرو سازد. در واقع منظور از پیشران، هر چیزی است که صحنه و محیط کلان را متحول کرده و تغییر دهد (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ص ۱۸۶). با این توضیح، مشخص است که گفتمان مقاومت، می‌تواند به عنوان یک پیشران برای تحقق آینده جهان اسلام لحاظ شود. به گفته آقای المنجره، جهان اسلام، نیازمند تحول و تغییر نوآورانه و خلاقانه است و گفتمان مقاومت می‌تواند چنین چیزی را تضمین کند. سنت و قانون خداوندی این گونه است که تا تغییری در قومی ایجاد نشود، خداوند آن قوم را تغییر نمی‌دهد ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱). تا امت اسلام، به دنبال تغییر در جامعه و زندگی خود نشوند، نمی‌توان انتظار داشت که برای جوامع اسلامی و امت اسلامی، تغییری مثبت در جهت شکل دهی آینده مطلوب جهان اسلام، رقم بخورد.

همچنین می‌توان گفتمان مقاومت را به عنوان یک تسریع‌کننده تمدنی^۲ لحاظ کرد که به خلق بنیان‌های یک تمدن جدید (اسلاتر، ۲۰۰۲م: ۳۴۹) که همانا تمدن نوین اسلامی است، کمک می‌کند.

گفتمان مقاومت، می‌تواند به عنوان تنها عامل وحدت‌آفرین امروز جهان اسلام تلقی شود که توانایی شکل دهی بنیان‌های آینده مطلوب جهان اسلام و تمدن نوین اسلامی را دارد. مبتنی بر این گفتمان، می‌توان انتظار تحول و تغییر نوآورانه را از سوی جهان اسلام داشت که با رویکردی فوق‌فعال، به مقابله با طراحی‌های القایی کشورهای سلطه‌طلب و استعمارگر در خصوص آینده جهان اسلام پرداخته و به شکلی کنشگرانه، گام در مسیر تحقق این آینده مطلوب برمی‌دارد. فهم چارچوب گفتمان مقاومت و حقیقت آن توسط جوامع اسلامی، می‌تواند آینده‌هایی بسیار متفاوت از حال و گذشته را برای این جوامع رقم زند.

چشم‌انداز و دورنمایی که براساس این گفتمان تصویر می‌شود، همان جامعه عدل مهدوی

1. Driving force

2. Civilizational catalyst

است که می‌تواند به عنوان تمدن کامل جهان اسلام و بهشت موعود دنیایی مطرح شود. می‌توان این چشم‌انداز را به عنوان یک امتیاز ویژه گفتمان مقاومت مطرح کرد.

امتیاز ویژه دیگری که این گفتمان دارد، قدرت منحصربه‌فردی است که در ورای این گفتمان وجود دارد و آن قدرت معنوی است که اراده خداوند بر تحقق آن تعلق پیدا کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه: ۳۲)، یعنی: آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش نمایند، درحالی‌که خداوند تنها می‌خواهد نور خود را کامل نماید، هر چند کافران خوش نداشته باشند. همچنین در آیات گوناگون قرآن به این سنت و قانون حتمی یاری خداوند اشاره شده است که اگر مسلمانان به دنبال یاری خداوند، قدم برداشته و ثابت قدم باشند، خداوند قطعاً آنها را یاری خواهد فرمود؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰).

بنابراین، لازم است که کشورهای اسلامی، چارچوب این گفتمان را درک کرده و به خوبی نقش خود را در تحقق آینده جهان اسلام تعریف و ایفا کنند. در قالب چارچوب گفتمان مقاومت، می‌توان نهادهایی را در سطح بین‌المللی در بین کشورهای اسلامی تعریف کرد، مانند بازار اسلامی بین‌المللی در سطح جوامع اسلامی و طراحی پول بین‌المللی اسلامی که به تقویت روابط اقتصادی و رشد اقتصادی کشورهای اسلامی کمک کرده و اثرات تحریم بین‌المللی را از سوی کشورهای سلطه‌طلب، تا حدی برطرف کند. در همین راستا تحکیم روابط و تعاملات سیاسی در بین کشورهای اسلامی در چارچوب گفتمان مقاومت، می‌تواند اثراتی شگرف را برای آینده جهان اسلام داشته باشد. همچنین تقویت فرهنگ اسلامی در بین کشورهای اسلامی با تأکید بر گفتمان مقاومت، می‌تواند نقطه عطفی در تقابل با فرهنگ صادراتی غرب، در جنگ نرم تعریف شده بین اسلام و غرب باشد.

لذا به طور خلاصه باید گفت که گفتمان مقاومت می‌تواند به عنوان یک پیشران و تسریع‌کننده تمدنی لحاظ شود که در مسیر تحقق آینده جهان اسلام، برهم‌زننده تمامی معادلات خطی و طراحی‌های دشمنان در خصوص آینده جهان اسلام بوده و به عنوان یک عامل تغییردهنده و محرک قدرتمند تحول نوآورانه تلقی شود.

نتیجه گیری

از آن جایی که آینده پژوهی، علم و هنر طراحی و معماری آینده است، می تواند این حوزه دانشی، مورد سوء استفاده از سوی کشورهای استعمارگر قرار گرفته و ابزاری باشد برای ترویج و گسترش سلطه آنها بر سایر کشورها؛ چیزی که می توان به جرئت گفت، در عمل اتفاق افتاده است. کشورهای سلطه طلب، با استفاده از این حوزه دانشی و کاریست ابزارهای آن در جهت تحقق اهداف خود در سایر کشورها، خواسته اند که سلطه خود را بر جهان و جوامع کشورهای گوناگون حفظ کرده و خود را به عنوان کدخدای جهان معرفی کنند. از این جریان، کشورهای اسلامی مستثنی نبوده و می توان گفت که جزء جوامعی بوده اند که به نسبت، تحت سیطره قدرت های غربی و خواسته ها و امیال آنها قرار گرفته اند.

در نقطه مقابل، کشورهای اسلامی اگر بخواهند خود برای آینده خود و جهان اسلام تصمیم بگیرند، لازم است در تقابل با این جریان، رویکردی فوق فعال داشته و با راهبرد همگرایی و وحدت، خود برای آینده جهان اسلام طراحی داشته، نه آنکه در زمین بازی طراحی شده از سوی غرب، بخواهند حرکت کنند و به سمت تحقق آن آینده ای بروند که جهان غرب برای آنها ترسیم کرده است.

در جهت تحقق این رویکرد در این مقاله، گفتمان مقاومت به عنوان عامل وحدت آفرین جهان اسلام و پیشران تحقق آینده جهان اسلام و تمدن نوین اسلامی مطرح شد. چارچوب مفهومی این گفتمان به شکلی دقیق، در دیدگاه های معمار کبیر انقلاب و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تبیین شده است. با ترویج این گفتمان در بین کشورهای اسلامی و برنامه ریزی برای تحقق آن، می توان انتظار داشت که جهان اسلام به شکلی فوق فعال در جهت تحقق آینده مطلوب جهان اسلام گام برداشته که آن تحقق عدالت و امنیت به شکل کامل، عزتمندی، کرامت انسانی، رشد و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی است.

منابع

قرآن کریم

_ امین ناجی، محمد هادی و دلشاد تهرانی، مصطفی و محتشمی، احمد، (۱۳۹۵)، «ویژگی های حکومت آخرالزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده پژوهی اسلامی باتکیه بر نهج البلاغه»، *مجله پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۰، صص ۱۴۵ تا ۱۶۵.

- بل، وندل، (۱۳۹۱)، *مبانی آینده‌پژوهی*، مترجم: مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بهروز لک، غلامرضا و میرشاه ولایتی، فرزانه، (۱۳۹۰)، «آینده جهان اسلام از منظر دو آینده‌پژوه مسلمان: سردار و المانجرا»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود*، شماره ۱۹، صص ۱۳۱-۱۵۵.
- پدرام، عبدالرحیم و احمدیان، مهدی، (۱۳۹۴)، *آموزه‌ها و آرموده‌های آینده‌پژوهی*، تهران: موسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- پدرام، عبدالرحیم و طبائیان، سید کمال، (۱۳۹۲)، «روندهای حاکم بر آینده جهان اسلام»، *دوفصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۵ و ۶، صص ۱۰-۲۴.
- پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۲)، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»، *نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، شماره ۱۰، صص ۳۱-۵۲.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۸، «بیانات در دیدار مردم مازندران»، «۱۳۸۸/۱۱/۰۶».
- khameni.ir.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۴، «بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور ونزوئلا»، «۱۳۹۴/۰۹/۰۲».
- khameni.ir.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۵، «بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (علیه السلام)»، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳.
- khameni.ir.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۸، «بیانات در سی‌امین سالگرد ارتحال امام خمینی»، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.
- khameni.ir.
- حسینی مقدم، محمد و صنیع اجلال، مریم، (۱۳۹۱)، «همگرایی جهان اسلام و آینده تمدن اسلامی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۳، صص ۱-۱۹.
- شاکری زواردهی، روح‌الله و مولوی وردنجانی، عیسی، (۱۳۹۷)، «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۵، صص ۹۹ تا ۱۲۰.
- فرمهبینی فراهانی، محسن، (۱۳۹۵)، «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی»، *مطالعات ملی*، شماره ۶۷، صص ۸۳ تا ۱۰۲.
- قاسمی، بهزاد، (۱۳۹۷)، «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران».

- براساس گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصل‌نامه آفاق امنیت*، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۵-۳۳.
- قاسمی، حاکم، (۱۳۹۶)، «تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده‌نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی»، *آینده‌پژوهی ایران*، شماره ۳، صص ۳ تا ۲۱.
- المنجره، مهدی، (۱۳۸۴)، *آینده‌های دنیای اسلام، آینده‌پژوهی در جهان اسلام: نیازها، واقعیت‌ها و دیدگاه‌ها*، مترجم: سیاوش ملکی‌فر، تهران: نشر اندیشکده آصف.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- مهدی‌پور، آسیه، (۱۳۹۸)، «تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای»، *دوفصل‌نامه علمی دانش سیاسی*، سال پانزدهم، شماره دوم، صص ۵۳۹-۵۶۶.
- ناظمی اردکانی، مهدی و خالدیان، صفرعلی، (۱۳۹۷)، «مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، *فصل‌نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۲، صص ۵۹-۸۶.
- نجات‌بخش اصفهانی، علی، (۱۳۹۲)، «آینده در قلمرو مدیریت و رهبری حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌القدر»، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۹۷ تا ۳۲۸.
- نقی‌پورفر، ولی‌الله و افضلی، علیرضا، (۱۳۸۷)، «*تصورپردازی از ویژگی‌های آینده موعود: به سوی الگوی قرآنی*».
- Elmandjra, M. (1990) "The Future of the Islamic World", Symposium on "The Future of the Islamic World", Algiers, 4-7 May.
- Elmandjra, M. (1991) "The Future of the Arab World: Three Scenarios", Al-Alam, Rabat, 2nd January.
- Elmandjra, M. (2004) "How Will the Arab World be Able to Master its Own Independent Developments?" Kyodo News, 25 September.
- Inayatullah, S. (1998) Exploring the Futures of the Ummah: A Review of Simulation Models and Approaches to the Study of Alternative Futures, American Journal of Islamic Social Sciences 15 (1).
- Sardar, Z. (1985) "Islamic Futures: The Shape of Ideas to Come", London: Mansell Publishing Ltd.

- _ Sardar, Z. (1988) "The Future of Muslim Civilization", Kuala Lumpur, Pelanduk Publications.
- _ Sardar, Z. (1998) "Postmodernism and The Other: The New Imperialism of Western Culture", London: Pluto Press.
- _ Sardar, Z. (2006) "What Do Muslims Believe", London: Granta Books.
- _ Western Culture, London: Pluto Press.
- _ Slaughter R. (2002) "Futures Studies as a Civilizational Catalyst", Futures 34, 349-363.